

عندليب





١- دکر لطف تہ حکیم ٢- حسین اقبال ٣- عباس ادیب اقبال ٤- مجید ناشمی ٥- رشید ناشمی ٦- عبد الحسین ناجی ٧- هادی ناجی ٨- کمال ناجی ٩- سوئی ناجی
١٠- محمد امین فلاح ١١- لطف سہ فلاح ١٢- محی الدین فلاح ١٣- جعیۃ فلاح ١٤- فروغیہ فلاح ١٥- حسن گل گلاب ناجی .

عبدالیب

نشریه مجله دینی ملی بهائیان کانادا
بهایان فارسی



شماره بیست و هفتم (منسق)

No. 27

سال هفتم

Volume VII

بیان
بکری

تابستان ۱۳۶۷ شمسی

Summer 1988

Andalib

7200 Leslie Street,
Thornhill, Ont. L3T 2A1

«حیات مخطوطت»

فهرست مُنْدَرِ جَات

صفحه

۳

۵ - ۴

۲۷ - ۶

۲۱ - ۲۸

۲۳ - ۳۲

۳۵ - ۳۴

۳۶

۳۹ - ۳۷

۴۱ - ۴۰

۴۲

۴۶ - ۴۳

۴۷

۴۸

۵۳ - ۴۹

۵۳

۶۱ - ۵۴

۶۳ - ۶۲

۶۶ - ۶۴

۶۶

۶۹ - ۶۷

۴۶

۷۱ - ۷۰

۷۲

۷۶ - ۷۳

۸۱ - ۷۷

۸۴ - ۸۲

- آثار قلم اعلى

- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

- بحرانها و پیروزیها

- دو مرغ آشیانه محبت

- داستنیها

- وحی سماوی

- تصمین غریلی از سعدی

- تاریخ زریں شہادت

الف شهید مجید سروش جباری

ب امیر نادری

- شعر و ادب فارسی

- معرفت ، استقامت

- شعر عنديبان گلشن توحيد و شمع وفا

- شعر بیاد شهیدان محبت و وفا و عشق

- حرق کتب

- توضیح عنديلب

- مولضیعی از کلمات مبارکه مکنونه عربی

- یادی از گذشتگان

- قسمت جوانان

- اگهی کتاب حضرت محمد

- معرفی کتاب دور بهائی

- اعتذار

- فستیوال هنر

- نمایشگاه عمران اقتصادي

- نیلوفر آبی

- اخبار و بشارات امریه

- اخبار مصور

- عکس روی جلد :

Miss. Ann Marce Kuhlberg

- دو مرغ آشیانه محبت عکس از :

- عکس داخل روی جلد :

- عده ای از یاران در محضر حضرت مولی الوری در حیفا - فرستنده جناب رشید هاشمی

- عکس پشت جلد خارج :

- مهاجران ایرانی در هندوستان فرستنده لجنہ ملیّ مهاجرین مهدامالله در خطه هندوستان

- عکس داخل پشت جلد :

- بقیه اخبار مصور

ش امّة تَسْهِي رُقْيَةَ عَلَيْهَا بَهَاءُ اللَّهِ

بِنَامِ الْمَالِكِ لِمَكْوَتِ السَّمَاءِ، وَسِجْنِ عَكَارِ

عالِمٌ كَمَا هُبِيتَ مَبینِ درِّهِ صَفِينِ بَرْزَوَالِ خَوْدَگَاهِ دَادِهِ وَمِيدَهِ بَلْكَهِ مَيْنَاهِيدَ اَزَّاولِ دِنَا
اَلِّيْ صِينِ بَالِرِحْيلِ نَاطِقٌ وَبَاضْعَبِيْ بَيَانِ مِيكُوِيدَ اَمِيْ عَبَادَ وَتَعْيِيرَاتِ مِنْ نَظَرِ مَاهِيدَ گَاهِ
بَطْنمَتِ شَبَّ طَاهِرِ شَوْمَ وَهَنَگَاهِ بَنُورِ فَخْرِ . اَشْجَارَمَ وَقَمَّيْ بَكَالِ سَبَرِیِ وَطَراوَتِ شَهْوَدَ گَاهِ
زَرَدَ وَسَبَكَ وَخَشَكَ مَنْظُورَ . بَنْدَگِيرِیدَ اَمِيْ سِيَاھِتَيَانِ گَرْفَتَهِ جَاهِيِ پَنْدَ . بَنْدَگِيرِیدَ اَيِّ
سَفِيدِتَيَانِ دَمِيدَهِ بَرْعَذَارَ . پَسِيرِهِيِ وَجَانِيِ دَمَوتَ وَحِيَاتَ مِيَسَانِدَهِ اَزْجَانِبَهِ اوَّلَهَا
مَيْنَاهِيدَ بَرْخَاتِهِ اَمُورَ . نَكْوَسَتَ حَالَ نَفَسِيَكَهِ اَزَوْجَبَسَتَ وَجَحْقَ پَوِيزَتَ . يَا اَمْتَيِ وَوَرْقَتَيِ
جَمِيعَ اَشْيَاهَ . وَرَكَيَتَ مَقَامَ مَنَادِيِ حَقَنَهَ مَبینَ عَبَادَهِ مَعَ ذَلِكَ عَنْدَتَ جَمِيعَ عَالِمَ رَا
اَحَاطَهُ مَنْوَهَهِ الْآمِنَ شَآ . رَكَبَتَ الْمَشْقَعَ الْكَرِيمَ . قَوْلَى لَكَ الْحَمْدَ يَا مَقْصُودَ الْعَالِمِ بَهَادِهِيَّتِيَ
اَلِّيْ صَراطَكَ وَذَكْرَتَنِي فِي سَجْنَكَ اَسْنَدَكَ اَنْ تَوَيَّدَنِي عَلَى الْاسْتِعَامَهِ عَلَى حِبَّكَ
اَنْكَتَ اَنْتَ الْمُقْدَرَ الْعَدِيرَ لَا اَللَّهُ الاَّنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ .

هو الله

... قلب عبد البحص آه نهایت تعلق بازار ماندگان شهداد دارد و بدگاه الهی
عجزو نیاز نمیباشد که ای پروردگار محضر بان این بازار ماندگان نهالهای گلشن شهاد
با مطرارفضل و موهبت تروتازه فرماتا به نهایت لطف و طراوت مسعود گردند
شمع شهد ای بزرگوار را روشن کنند و کشتر ز آهل فدائیان را سبز و خرم فرمائید
عبد الله انصاری میگوید الهی اگر کاسنی تمح است از بوستان است همدم چا
که گل دریان گردند و سوسن چشمیران شوند ...

هو الباقي

ای ولد حضرت شہبی مجید نامه شمار سید و دین چند روز پیش با وجود عدم مجال
نامه نی ب پنیریز مرقوم گردید ذکر احبابی الهی علی اخнос بازار ماندگان شهداد در آن مفصل گردید
لہسته خواهد رسید لهم ا المجال تعصیل نذرا م محبت دل و جان را بازار ماندگان شهداء تحریر
و تحریر توافق و بقدر امکان در مکاتیب سابقه و لاحقه حاسیات و جداینیه بیان گردید طفال
شهداء گلهای حدیقه شهادتند و نهالهای جویبار جانفشاری دیگر معصوم است که درست
کبریار و ملکوت ایجی بچه مباراتی مستبه هی ... عبد البهاء عباس

۱۸ مارچ ۱۹۱۲

پورت لند اوگر کن

امه نہ مس هلن و تین علیها بھا نہ الابھی

ہو نہ

ای کنیر آئی اگر خفت عالم طبیعت را زوال خواہی شمع ہدایتی بر افزوز و اک خرمن
امد و خنہ جوئی تجھی پاک بیشان اگر آرزوی فوکا کہ طبیعت داری نہایی مبارکی بیشان
یعنی قلب را بخوبی محبت لہ روشن کن و بمحب پذایح جمال مبارک عمل منا کھات مکونہ
بحوان و ہر کیت را بکوش کے عمل نہای اگر بچین امری موفقیت شوی جیسیع عالمہ و دیگران را
سبب ہدایت گردی و علیکت لہجہ آرالابھی ع ع



THE UNIVERSAL HOUSE OF JUSTICE

BAHÁ'Í WORLD CENTRE

Department of the Secretariat

۱۴۵ شهر التّور

۱۹۸۸ جُون ۱۴

میئت تحریریه' مجله' عنديب دامت تائیداتها

حسب الامر معهد اعلى نسخهای از مجموعه' نصوص مبارکه تحت عنوان Crisis & Victory را به ضمیمه ارسال میدارد تا مورد استفاده یاران الهی قرار گیرد

با تقديم تحيّات
از طرف دارالاثاءه بيت العدل اعظم

مُؤْمِنَةٌ

ضمیمه دارد

مجموعه ای از نصوص مبارکه درباره

بُحران ها و پیروزی ها

حاوی اصل فارسی و عربی و ترجمه بعضی از نصوصی که در مجموعه انگلیسی

تحت عنوان CRISIS AND VICTORY

در اکتبر ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم نشر گشته است

تهیه و تنظیم : دائره مطالعه نصوص و الواح - مرکز جهانی بهائی

جون ۱۹۸۸

مقدمه

بر حسب دستور معهد اعلی در اکتبر سال ۱۹۸۷ میلادی مجموعه ای از آثار مبارکه به زبان انگلیسی که در دائره مطالعه نصوص و الواح جمع آوری و تنظیم شده بود تحت عنوان CRISIS AND VICTORY به عالم بهائی ارسال گشت . حال با مسرت و فیر اصول فارسی و عربی نصوص مندرجہ در آن مجموعه را که تحت عنوان "بحرانها و پیروزیها" تهیه و تنظیم گردیده در اختیار دوستان عزیز فارسی زبان میگذارد.

اکنون که این دُرج لئالی بشارت و هدایت در اختیار هموطنان جمال قدم قرار میگیرد معهد اعلی را امید چنان است که جمل و عبارتش محل تعجب و تفکر عموم یاران قرار گیرد و تیکری که از مطالعه دقیق این نصوص مبارکه حاصل میگردد در حیات و خدمات جمیع دوستان تاثیر مستقیم گذارد و یاران رحمانی را برای قبول مسئولیت‌های بیشتر و سنگین تری که در پیش است آماده و مستعد سازد .

امر عظیم مبارک الهی در یک قرن و نیم گذشته مسیری دشوار را با موفقیتی که همواره با تضییقات و مشاکل همراه بوده پشت سر گذاشته است . لازمه ادامه این مسیر بثبوت و استقامت . اطمینان به فتح و ظفر محظوظ امر الهی و اتکاء کامل به قدرت نفوذ و رسوخ کلمة الله در آفاق و انفس است . در حالی که سیل شدید مخالفت با اصل شریعه الهی در ازدیاد و گسترش خواهد بود مستظلین در ظل شجره لاشرقیه و لاغریه را جای ادنی شبه نیوده و نیست که ارکان شریعت الله روز بروز قوتی بیشتر خواهد یافت . فروع و اغصانش هر روز جمعی بیشتر را بظل خویش در خواهد آورد و برای ابناء مأیوس و پریشان حال انسان امروز مایه نجات ، حیات و امیدواری خواهد بود .

چنانکه مذکور شد مجموعه حاضر حاوی اصول فارسی و عربی نصوص مندرجہ در نسخه انگلیسی و نیز شامل ترجمه فارسی بعضی از قطعات آن مجموعه است . چون ترجمه فارسی بعضی از فقرات دیگر که به زبان انگلیسی مرقوم گشته در اختیار نبوده لذا در این مجموعه درج نشده و در نتیجه در توالی شماره قطعات فواصلی ایجاد گردیده است .

فهرست مطالب

اول جنود عالم از هر جهت مهاجم است ، ص ۳

دوم پیشرفت و غلبه محظوظ امر حضرت بهاء الله ، ص ۸

سوم حفظ و صیانت امر عزیز الهی ، ص ۱۵

چهارم فهرست اهم مواضیع ، ص ۲۰

پنجم کتاب شناسی ، ص ۲۲

اول - جنود عالم از هر جهت مهاجم است

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله

۱- در اول هر ظهور سختی و شدت و تنگی و عسرت از هر جهت صائل و هائل ولکن در نهایت این شدت برخاء و این عسرت بعزت بی منتهی مبدل گردیده است . (ترجمه ^(۱) "ظهور عدل الهی" . ص ۱۶۸)

۲- در قرون اولی تفکر نما هر هنگام که آفتاب عنایت الهی از افق ظهور طالع شد ناس بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و نفوسي که پیشوای خلق بودند لم یزل و لایزال ناس را از توجه ببحر اعظم منع نمینمودند ... مظلومیت انبیاء و اوصیاء و اولیای الهی را استماع نمودی تفکر نما که سبب چه بود و علت چه در هیچ عهد و عصری انبیاء از شماتت اعداء و ظلم اشقيا و اعراض علماء که در لباس زهد و تقوی ظاهر بودند آسودگی نیافتند در لیالی و ایام ببلایائی مبتلا بودند که جز علم حق جل جلاله احصا ننموده و نخواهد نمود .
("منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله" . ش ۲۳ . ص ۴۵)

۳- فاعلموا بآن البلايا و المحن لم یزل كانت موکلة لاصفياء الله و احبائهم ثم لعباده المنقطعين الذين لاتليمهم التجارة و لا يبيع عن ذكر الله و لا يسبقونه بالقول و هم بامرہ لمن العاملين كذلك جرت ستة الله من قبل و يجري من بعد .
("منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله" . ش ۶۶ ص ۸۹)

۴- لعمرى ينوح قلبي و يدمع عينى لامر الله و للذين يقولون ما لايفقرون و يتوهون فى انفسهم ما لايسعون .
("منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله" . ش ۱۰۰ . ص ۱۳۳)

۵- اگر بلبلی از گل نفس برخیزد و بر شاخصار گل قلب جای گیرد و بنغمات حجازی و آوازهای خوش عراقی اسرار الهی ذکر نماید که حرفی از آن جمیع جسدی‌های مرده را حیات تازه جدید بخشد و روح قدسی بر عظام رمیمه ممکنات مبذول دارد هزار چنگال حسد و منقار بعض بینی که قصد او نمایند و با تمام جد در هلاکش کوشتند ... ای حبیب من این غزال صحرای احديه را کلابی چند در پی و این بلبل بستان صمدیه را منقاری چند در تعاقب و این طایر هوای الهی را غراب کین در کمین و این صید برق عشق را صیاد حسد در عقب .

("آثار قلم اعلیٰ " . ج ۳ . ص ۱۱۱ - ۱۱۲ و ۱۳۵)

۶- این فقره هم معلوم و واضح است که در جمیع احيان ظهور مظاهر قدسیه علمای عهد مردم را از سبیل حق منع مینمودند چنانچه در جمیع کتب و صحف سماوی مذکور و مسطور است و احدي از انبیاء مبعوث نشد مگر آنکه محل بعض و انکار و رد و سب علماء کشت ... و همچنین در هر بلدی بر نقی آن جمال قدسی برخیزند و اصحاب آن سلطان وجود و جوهر مقصود در کوهها و صحراءها فرار نمایند و از دست ظالمین مستور شوند و پرخی توکل نمایند و با کمال انقطاع جان در بازنده .

("کتاب مستطاب ایقان " . ص ۱۲۹ و ۱۹۲)

از آثار و بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء

۷- امرالله در این ایام در جمیع اقطار قوت گرفته و روز بروز رو بعلو است لهذا جمیع طوائف اعداء از جمیع اقوام و ملل در نهایت تعریض و تغرض و حسد و بغضه باید یاران کل در جزئی و کلی امور مواظبت نمایند و مشورت کنند و بالاتفاق مقاومت فساد و فتن نمایند .

("منتخباتی از مکاتیب " . ص ۲۲۶)

۸- ای فرع رفیع سدره مبارکه ... از غفلت و استکبار اشار و عظمت و تعتن فجار معموم و محزون مشوید و دلکیر و دلخون نگردید چه که این دلّب دیرین و آداب قدیم غافلین است یا حسرةً علی العباد مایأّتیهم من رسولِ الاَ کانوا به یستهزوُن بلکه معارضه و مقاومت جاهلان سبب اعلاء کلمه الله و نشر آثار الله است اگر تعرض مستکبرین و تهتك مرجفين نبود و فریاد بر منابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلاء و عربده بلهاء نبود کی صیت ظهور نقطه اولی روحی له الفداء و آوازه سطوع شمس بهاء روحی له الفدا بشرق و غرب میرسید و جهان را از کران تا بکران بجنپیش و حرکت می آورد و کی خطه ایران را مرکز نور قابان میفرمود و اقلیم روم مرکز جمال قیوم میکشت چگونه آوازه ظهور بجنوب منتشر میشد و بجهه وسیله ندای حق باقصی بلاد شمال میرسید کشور امریک و افریق تاریک چگونه ندای الهی می شنید و صیاح دیک عرشی استماع مینمود طوطیان هند چگونه شکرخا می شدند و نغمات بلبلان عراق کجا باآقاد میرسید شرق و غرب چگونه مهتز میشد بقعة مبارکه چگونه اریکه جمال محمود میشد طور سیناء چگونه لمعه نوراء میدید شعله ظهور چگونه زینت طور میکشت ارض مقدس چگونه موطی جمال منزه میشد و وادی طوی چگونه بقعة بهاء میکشت و محل خلع نعلین موسی میشد نفحات قدس چگونه در وادی مقدس منتشر میشد شمیم نسیم حدائق ابھی مشام اهل جزیزه خضرا را چگونه معطر می

نمود و عده های انبیا و بشارات اصفیا و نویشهای مظاهر احادیه باین بقعه مبارکه چگونه تحقق مینمود ... این فیوضات و برکات اسباب ظهور و بروزش بحسب ظاهر استکبار جهله و تعرّض بلها و تعنت ثقلاء و تشدّد ظلماء بود والا صیت ظهور حضرت اعلیٰ هنوز باقرب بقاع نرسیده بود پس نباید از جهل جهله و تعدی زنماء و غفلت فقهاء و تکفیر بلها محزون شد ذلك دایهم فی القرون الاولی اگر میدانستند نمی نمودند ولی نادانند فما لهؤلاء لايكادون يفقهون حدیثا .

("منتخباتی از مکاتیب " . ص ۲۲۷ - ۲۲۸)

۱۰- البته یاران غرب را نصیب و بهره از بلایای دوستان شرق خواهد بود لابد در سبیل حضرت بهاء الله مورد اذیت اهل جفا خواهند کشت ... حال شما نیز البته باید قدری سهیم و شریک من گردید و از محن و آلام بهره و نصیب برید ولی این وقایع میکنند و آن عزت ابدیه و حیات سرمدیه باقی و برقرار میماندو این بلایا سبب ترقیات کلیه میشود .

("منتخباتی از مکاتیب " . ص ۲۳۰ - ۲۳۱)

۱۱- الیوم قوای روسای ادیان با جمعهم متوجه تشییت انجمن رحمان و تفرقی و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انتظار واضح و لائح لهذا باید بفضل و عون الهی چنان استقامت و ثبوتی از مستظلين در ظل جناح عنایت حضرت احادیث ظاهر و لائح گردد که جمیع انتظار و عقول حیران شود بعد از حضرت روح معبدودی بودند که بشریعه روح الله وارد شدند با وجود آنکه در بدایت عروج آن حضرت از کمال وحشت و دهشتی که حاصل شده بود تزلزل و اضطراب مستولی شد لکن بعد از چند روز زنی مسمّة بمريم مجدهیه باستقامت و ثبوتی ظاهر شد که آن رجال را بر امر ثابت و مستقیم نمود و بر اعلاء کلمة الله قیام نمودند با وجود آنکه بظاهر صیاد ماهی و صباح بودند بیمن و مبارکی امر الهی بنفحات الله مشام اهل افق را معطر و قلوب اهل وفاق را زنده نمودند فاعتبروا یا احباء الله و امنائه من ظهور هذه القدرة العظیمه و السلطنه التي كانت كالروح النافذه فی شریان جسم العالم و نابضة فيه و ارتعدت و تزعت منها اركان الشرک .

("پیام بهائی " . زوئن ۱۹۸۱ . ص ۲)

۱۳- عنقریب در آن دیار اشرار ملامت ایرار نمایند و شماتت اخیار کنند هر روز طعنه ای زنند و هر آن صدمه ئی وارد آرند جمیع یارانرا بجهت محبت بهاء و عبدالبهاء سرزنش کنند و شماتت و ملامت روا دارند و بقدر امکان در اذیت قصور نمایند این از عادات و سنن سابقین است در قرون اولی ایام ظهور مظاهر مقدسه چنین واقع شد و البته در این ایام باید چنین واقع گردد بلکه از آن شدیدتر ... لهذا لابد است که شما در سبیل جمال ابھی به بلایا و محن و آلام مبتلا گردید و این بلایا عین موهبت است و صرف عنایت و دلیل مقبولی در درگاه احادیت . (x)

از آثار حضرت ولی امرالله و توقعات صادره از طرف هیکل مبارک

۲۱- هیچ ناظر بیطرفی منکر نتواند شد قوای لامذهبی ، فلسفه مادی صرف ، العاد علی که بحرکت آمده است و نشر می یابد چون قوام یابد رفته به نیرو مندترین نهادهای مسیحی در دنیا ای غرب حمله خواهد آورد . از آنانکه پیشروی امر بهائی را با دقت نظاره مینمایند کمتر کس بر این نکته تردید مینماید که موسسات مسیحی بنحوی فزاینده به قهقرا میروند . و تعداد قلیلی از غلبه و نفوذ آئین بهاء الله اکاهی اندکی دارند . چون قوت ذاتی این مؤسسات رو باحطاط نهد و انتظام آنها به سستی گرایید با حیرت و وحشت شدید اعتلای نظم بدیع جهانی را نظاره خواهند نمود و بتدریج بر آن خواهند شد تا آنرا مورد حمله قرار دهنند و همین مخالفت بنوبه خود زوال آنها را تسريع خواهد کرد ... قوای مادی و دنیوی که بر اسلام مهاجم و در تضعیف بقیّت مؤسسات آن دیانت ساعی و جاهد و بایران حمله ور ، در هند در رسوخ ، در ترکیه پیروزمند و سرفراز ، و در دو قاره اروپ و امریک هم اکنون آشکار و هویدا بدرجات گوناگون و بصور و عناوین مختلف هر مذهب و دیانتی ... را مورد تهدید قرار میدهد .

("جلوه مدنیت جهانی" . ص ۴۲ - ۴۸)

۲۳- آیا میتوان تصوّر نمود ظهور چنین انقلاب عظیم که ارکان اجتماع و مذهب و دعائم اقتصاد و سیاست را در سراسر جهان متزلزل نموده و انظمه سیاسی و اصول جنسی و شؤون اجتماعی و موازین ادبی و علاقه دینی و مناسبات تجاری را مضطرب و منقلب ساخته باوجود حدّت و عظمت و صولت و دهشتی که نظیر آن در قرون و اعصار سالفه مشاهده نشده عکس العملی نسبت بموسسات و مشروعات امر نوزاد الهی که تعالیمیش تاثیر مستقیم و حیاتی راجع بهریک از حدود و ضوابط مذکوره داشته و دارد ظاهر خواهد ساخت و موسسات و مشروعات مذکوره از آفات و گزند آن محفوظ و از اثرات و عواقبش مصون و محروس باقی خواهد ماند ؟ بنا براین جای شکفتی نیست اگر نفوی که لوای چنین امر عظیم و سریع التقدم رحمانی را برافراشته و اهل عالم را باستظلال در ظل ظلیل آن دعوت نمایند معرض فشار و تاثیر قوای مذهبی مرعیه که جهان بشریت را متزعزع نموده قرار گیرند و خود را در گرداب اغراض و اهواه سیئه عصبه غرور مستغرق و محصور مشاهده کنند چندانکه حریت و آزادیشان محدود و اصول و مبادئشان مردود و تاسیسات و معاهدشان مطروح و اهداف و مآربشان مذموم و حقوق و اختیاراتشان مسلوب و اذکار و دعاویشان غیر معتبر و مظنون قلمداد گردد ... و نیز در مستقبل ایام در اثر بسط و توسعه شریعة الله خواه در مرکز جهانی این امر اعظم یا در قاره امریکای شمالی و یا در اقصی نقاط کره ارض فرصت‌های متنوعه و موقع مخصوصه دیگر که با اوضاع و احوال و خدمات و مجهودات سابقه بكلی مغایر و متفاوت است رخ خواهد گشود که نباید آنها را از خاطر دور داشت این تطورات و تحولات مستلزم جنبش و حرکت جدید از طرف یاران امریک است و باید با همان شور و انجذاب و وله و انبساطی که تا کنون مجتمعاً و متفقاً نسبت بابلغ و انتشار امر الهی ایراز نموده اند بذل همت نمایند بل بر مراتب سعی و مجاهدت بیفزایند اینک من باب روشن شدن امر بذکر پاره ای از موقع منقوله که در درجه اول از اهمیت قرار دارد می پردازد ... استخلاص جوامع بهائی از تضییقات و تعصبات مذهبی در برخی از اقطار اسلامیه مانند ایران و عراق و مصر و متعاقب آن قبول استقلال و اصالت محافل روحانیه ملیه و محلیه بعنوان مؤسسات دینیه از طرف اولیای امور در معالک مذکوره دیگر

اتخاذ وسائل و تمہیدات لازمه و اشتراک مساعی در سبیل حفظ و صیانت امرالله در قبال حملات و تعرضات حتمیه ای که بتدیرج از جانب دوازه و احزاب مختلفه مذهبی مجتمعاً و مشکلاً نسبت با مر مبین و شرع حضرت رب العالمین بعمل خواهد آمد و کل بجمعیع قوی مقاومت برخواهند خاست دیگر مسائل متعدد و محظورات و مشاکل عظیمه و مستولیتهای کثیره متزايده که جامعه اسم اعظم با آن مواجه بوده و بایستی بر یک یك از آنها تفوق حاصل گردد و بكمال متأنث و اتفاق مقابلي شود تا امر ستمدیده الهی بتواند مراحل مقدّره محظمه را متابعاً مترادفعاً طی نماید یعنی دوره مجھولیت منقضی شود و مرحله مظلومیت و مقهوریت سپری گردد و انفال شریعه الله از اديان منسوخه عتیقه رخ کشاید و علم دین الله بلند گردد و مساوات پیروان امر جمال اقدس ابهی با تابعان اديان سائره که ممهد سبیل از برای رسميت آئین الهی است تصدیق و اعلام شود و این رسميت بمور ایام بتأسیس سلطنت الهیه و احرار حقوق و اختیارات تامه مخصوصه مبدل گردد و بالمال باستقرار سلطنت جهانی بهائی که مؤید بتائیفات لاریبیه یزدانی و مروج تعالیم مقدسه ربانی و مجری احکام و اوامر منصوصه منزله از سماء مشیت سبحانی است اتها پذیرد ... در اقامه این جهاد مضاعف مبارزین سلحشوری که در سبیل نام و امر مقدس حضرت بهاء الله قدم در میدان خدمت نهند قهرآ با موانع شدیده مواجه و با مشکلات و محظورات کثیره که سد راه و حاجز طریق است مقابل خواهند کشت در این مقام است که نحوه استقبال و استعداد افراد جامعه و چگونگی قیام و اقدامشان باید مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد و منع و تعرض عوامل محافظه کار همچنین مخالفت اصحاب ذی نفع با تصمیم قاطع مقاومت شود و اعتراضات نسل حاضر که بمشتبهات نفسانیه مألف و در گرداب رذائل غوطه ور و مستغرقند کاملاً منهزم و مغلوب گردد بلی چون اقدامات یاران برای دفاع و مبارزه ای که در پیش است مشکل گردد و دامنه آن بسط و اتساع حاصل نماید طوفانهای شدیده طعن و لعن در حرکت آید و اعلام تکفیر و تدمیر علیه آنان مرتفع شود و روزی در خواهند یافت که حریم مقدس دین الله مورد هجوم و رجم اعدا واقع مقاصدشان تعبیر و اهداف و ماربسان تکذیب و افکار و آرائشان تحقیر و مشروعات و مؤسساتشان تحريم و قدرت و نفوذشان تضعیف و حقوق و اختیاراتشان تزییف خواهد گردید و در پایان پاره ای عناصر که یا از درک حقیقت گرانبهائی که در دست دارند ذاکل و یا از تحمل ضربات و لطمات متکاشه ای که چنین مبارزه شدید قطعاً در بر خواهد داشت عاجز و قاصر مشاهده میشوند حصن حصین امرالله را ترک خواهند نمود و این ذر تمین را به ثمن بخس از کف خواهند داد در این مقام مولای عظیم و کریم با اخبار از وقایع مدهشه آتیه میفرماید قوله العزیز "بسیب عبدالبهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید ..." حال جنود مجنه حضرت بهاء الله که در عالم غرب در یکی از مراکز پر عظمت و صحنه های پر مخافت و مهابت بخاطر نام و امر مقدس حضرتش بیکی از شدیدترین و پر افتخار ترین مجاھدات مألفند نباید از هیچ مخالفتی مأیوس شوند و از هیچ مقاومت و ممانعتی افسرده و محمود گردند هرگز از مفتریات مفترین و معاندین که لسان به تنقید کشوده و مارب سامیه یاران را در انتظار کوچک و حقیر قلمداد نمایند آزرده نشوند و از منهج قویم و صراط مستقیم منحرف نگردند از تهدیدات متعصبین و تسویلات و دسائیس مغلیم که از هر جهت جامعه مظلوم را احاطه نموده نهراستند و مضمار خدمت را وانگذارند چون جبل راسخ باشد و بمتابه طوق باذخ اعتراض و مخالفت بذاته لذاته منادی آئین الهی است و انتقاد و مخاصمت

ممّد و مُؤيد شریعت رحمانی عدم شهرت و مقبولیّت امتیاز و اعتلاء امر الهی و نصرت و غلبه تعالیم ربانی را بر افکار و احساسات بشری محسوس‌تر و لائحتر جلوه دهد و نفس دفع و منع چون قوه جاذبہ الداعداء را منقلب و منجذب نماید و در دائیره امرالله وارد سازد آن القضاe مُؤید لهذا الامر و البلاء معین لهذا الظهور .

("ظهور عدل الهی " . ص ۵ - ۶ و ۳۰ - ۳۲ و ۸۷ - ۸۹)

۲۴- در این مقام که ذکر شئون مهمه و وقایع و حوادث خطیروه دوره مبارکه میثاق در میان است لازم است با خبرات و اندیارات و وعد و بشاراتی که از قلم ملهم مرکز عهد مالک قدم نازل گشته اشاره نمود و در بحر زخّار کلماتش تعمق و تدبیر کرد از جمله بیان ترقی سریع امرالله و ارتفاع کلمة الله و انتشار صیت شریعة الله در اقطار و اشطار شاسعه جهان بشانی که ملل و نحل عالم از عظمت و سطوت آن بجزع و فزع آیند و زمامداران و روسای ادیان بجوش و خروش افتند و بعزمی راسخ به "تشییت انجمن رحمان و تفریق و تخرب بنیان حضرت یزدان "کرایند قوله الکریم "امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کل بجمعیت قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتاییدی از ملکوت ابھی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه ایمان جند هنالک مهزوم من الاحزاب را ثابت و آشکار کنند " .

("کتاب قرن بدیع " . ج ۳ . ص ۳۳۶ - ۳۳۷)

۲۶- این نفوس باید خود را از های و هوئی که متعصّبین مذهبی یقیناً بلند خواهند کرد و یا قیودات و تضییقاتی که رجال سیاسی احیاناً وارد خواهند آورد خوف و هراسی نداشته باشند و از قلت عدد خود و کثیر اعدا که ملا قیام خواهند نمود یاس بخود راه ندهند و مسلح به سلاحهای مؤثّری که با دستهای خود آهسته و بكمال چد پرای مواجهه مسلم باقوای منقم اوهام و فساد و العاد ساخته یا اتکاء کامل بقدرت بی نظیر حضرت بهاء الله و قوه غالبه اقتدار و وعده های معزّز و مکرر محتومه اش ... هر یک بقدر وسع و توانائی در میدان وسیعی که در مقابل دارند پیش روند .

(از ترجمه کتاب " Citadel of Faith " که در دست انتشار میباشد)

دوم - پیشرفت و غلبه محتوم امر حضرت بهاء الله

از آثار حضرت بهاء الله

۴- قل آن البلاء افق لهذا الامر و منه اشرقـت شمس الفضل بضياء لاتمنعه سبحات الاوهام و لاظنوـن المعـتدين اتـبع مولـئـک ثم ذـکـر العـبـاد کـما اـنـه يـذـکـرـک تـحـت السـیـف و مـامـنـعـه نـعـاـقـ الغـافـلـین ... اـنـشـرـ نـفـحـات رـبـکـ فـی الـاطـراف و لـاتـوقـف فـی اـمـرـه اـقـلـ من آـنـ سـوـفـ يـأـتـی نـصـرـة رـبـکـ الغـفـورـ الـکـرـیـمـ .

("منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله " . ش ۱۷ . ص ۳۵)

٤١- در این کور ملاحظه شد که این همچ رعاع گمان نموده اند که بقتل و غارت و نفی احبابی الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفسرند و شمس صمدانی را از نور باز دارند غافل از اینکه جمیع این بلایا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح کذلک یبَدِل اللَّهُ ما یشأ و انه علی کل شئ قدير .

("منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله " . ش ٢٩ . ص ٥٤)

٤٢- قل ... سوف يرون المخلصون شمس العدل مشرقة من افق العلاء كذاك يخبرك مولى الوری في سجنہ المتین .

("منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله " . ش ١٦٣ . ص ٢٢٠)

٤٣- كلما ازداد البلایا انه زاد فی اظهار امرک و اعلاء کلمتك .
("مناجاة " . ص ٢٠)

٤٤- ولو يسترون النور في البرائه يظهر من قطب البحر و يقول أتى محيي العالمين ... ولو يلقونه في بئر علماء يجدونه في أعلى الجبال ينادي قد أتى المقصود بسلطان العظمة والاستقلال و لو يدفونه في الأرض يطلع من افق السماء و ينطق باعلى النداء قد أتى البهاء بملکوت الله المقدس العزيز المختار .

(دوربهائی صفحه ٢١)

٤٥- و نذكر اولیائی فی هذا الحین و نبیّرهم بعنایات الله و ما قدر لهم فی كتابی العبین قد سمعتم شماته الاعداء فی حبی ورأیتم ظلم الاشقياء فی سبیلی و انا الشاهد العلیم کم من ارض تزینت بدمائکم فی سبیل الله و کم من مدینة ارتفع فیها ضجیجکم و حتینکم و کم من سجن ساقکم اليه جنود الظالمین فاعلموا بالیقین انه ینصرکم و یرفعکم فی العالم و یظهر مقاماتکم بین الامم انه لا یضیع اجر المقربین .

("مجموعه ای از الواح جمال اقدس ایهی ، ، ، ص ١٥٣)

٤٦- انه ینصر امره مرتّ باعدها و اخری باولیائیه از قلم اعلى در باره آن نفوس طیبیه مبارکه نازل شد آنچه که عالم و خزانی و اشیائیش باآن معادله تمینماید سوف يرون الغافلون و الظالمون جزا اعمالهم .

("نارو نور " . ص ١٥)

٤٧- آنچه در عالم واقع شود از برای اولیای حق نور است و از برای اهل شقاق و نفاق نار اگر ضررهای عالم بر یکی از اولیا وارد باز ربح با اوست و خسارت از برای مادونش یعنی از برای نفوی که غافل و جاہل و جاحدند اگر چه گوینده بخيال دیگر کفته ولكن مطابق است با دستگاه حق . تو گرو بردى اگر جفت و اگر طاق آید . در هر حال ربح و ثروت و منفعت با دوستان الهی بوده و هست اولیای حق از نار سردند و از آب خشک یعنی امورات ایشان غیر از امورات اهل عالم است در هر تجارتی ربح با ایشانست یشهد بذلك کل عاقل بصیر و

منتخباتی از آثار و بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء

۴۸- یاران الهی از ملکوت رحمان موید و بجیوش هدایت کبری موفق لهذا هر صعبی آسان شود و هر مشکلی بنهاست سهولت انجام جوید .
("منتخباتی از مکاتیب " . ص ۲۶۸)

۴۹- عنقریب آفاق غرب مطالع شرق گردد و شمس حقیقت چنان بتاولد که ظلمت ضلال متلاشی شود ولی جم غیری بر شما قیام نمایند و بجفا پردازند لسان بملامت گشایند و شماتت کنند و اجتناب واجب دانند و اذیت وارد آورند ولی پدر آسمانی چنان شما را روشن نماید که مانند شاعر آفتاب ابرهای تاریک را متلاشی نماید و بدرخشد و روی زمین روشن نماید باید در وقت وقوع این امتحانات قدم ثبات بنماید و صبر و تحمل کنید بالعكس بنهاست محبت و مهربانی مقاومت نماید اذیت و جفای ایشان را مانند حرکات صبيان بینید و بهیچوجه اهمیت ندهید زیرا عاقبت تورانیت ملکوت بر ظلمانیت ناسوت غالب گردد و علوبت و سمو مقاصد شما ظاهر و آشکار شود چیزی مکثوم نماند دهن زیتون ولو در قعر چاه ماند عاقبت روشنی قندیل در رأس مناره گردد صغیران بزرگوار شوند و بینوایان بانوا گردند اطفال ابناء ملکوت شوند و گمشدگان بوطن الهی بی برند . (x)

۵۰- از علو امرالله در آن صفحات مرقوم نموده بودید البته امر الله روز بروز ترقی نماید زیرا قوه روح القدس تایید کند و کلمه الله توفیق بخشد و البته نفوسي از قسیسین بر عداوت و عناد برخیزند و اذیت و جفا خواهند و القاء شباهت نمایند زیرا انتشار امرالله بازار ایشان را مانند فریسیان کسد نماید و در بین خلق حقیر و رسوا گردند در ایام مسیح ملاحظه نما که اخبار یهود و فریسیان چه گردند این قسیسها نیز چنان خواهند نمود ولی شما مکدر نباشید ثبوت و استقامت نماید یقین است که جمعی بنهاست محبت قیام نمایند و در ملکوت الله داخل گردند این نفوس تلافی توهین و تعذیب و تحقیر قسیسها نمایند آنان اذیت نمایند و اینها محبت فرمایند و عاقبت ابناء ملکوت ظفر و غلبه نمایند چنانچه از پیش تجربه گشته مطمئن باشید . (x)

منتخباتی از آثار حضرت ولی امرالله

۵۳- اگر چنانچه در مستقبل ایام آفات گوناگون آن سرزمین را احاطه نماید و انقلاب کشوری بر تضییقات حالیه و محن واردہ متواتره بیفزاید و افق آن اقلیم جلیل تاریکتر گردد ملوں و اندوهگین مگردید و از مسلک و منهج قویم خویش که مواظبت و سعی مستمر متمادی در ازدیاد و استحکام و اشتھار و اعزاز مؤسسات امریکه است سر موئی منحرف مگردید استخلاص این فئه مظلوم بی کنایه از قیود اسارت و چنگ ارباب ظلم و عداوت ضوضا و هیجان عمومی را

مقتضی و حصول عزت و رخاء و آسایش حقیقی از برای اهل بها مقاومت و ممانعت و شور و آشوب اهل حقد و جفا را مستلزم پس اگر چنانچه تلاطم دریای بلا از دیاد یابد و طوفان محن و رزا یا از شش جهت آن جمعیت مظلوم را احاطه نماید بحق اليقین بدانید و آنی متعدد نمانید که میعاد نجات و میقات جلوه موعوده دیرینه نزدیک کشته و وسائل اخیره فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده بها در آن کشور مهیا و فراهم شده قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مراحل باقیه طی گردد و مقصود و آمال اهل بها در اعل المقامات پدیدار گردد و جلوه ئی حیرت انگیز نماید هذه سُنَّةُ اللَّهِ وَ لَنْ تَجِدْ لَسْنَةً تَبْدِيلًا .

("توقیعات مبارکه " . ج ۳ . ص ۵۱)

۵۵-قوائی که در داخل و خارج در مناطق نزدیک و اقالیم دور با توطئه چینی و برنامه ریزی قبلی خواستند نورش را محمود و نام مقدسش را معدوم سازند ، متعدد و نیرومند بودند . نفوosi که از دین الله ارتداد جستند بیشتر مانه با مر الی خیانت کردند . و برخی دیگر با شدیدترین نوع لعن و تکفیری که پیشوایان پرکین و خشمگین مذهبی ممکن است از خود ابراز دارند ، آنرا مورد تهاجم قرار دادند ، و عده دیگر آنگونه صدمات و تحریر و توهینی بر آن وارد آوردند که تنها سلطان مستبد در اوج قدرت و اقتدار خود میتواند عمل کند . معاندین علی و سری آئین یزدانی حد اکثر اموری که بدان توفیق یافتند آن بود که از آهنگ رشد و پیشرفت آن بگاهند و مقصد اصلی آنرا موقتاً تیره و پنهان سازند . آنچه انجام دادند نتیجه اش در عمل آن بود که این آئین تطهیر و تهذیب کشت ، فوران و هیجان حاصل نمود ، روح آن صیقل یافت . مؤسساتش پیراسته گشت و اتحادش تحکیم پذیرفت ، ولی هرگز موفق نشدند در جمیع پیروان کثیر این آئین نازین انشقاق و شکافی دائمی تولید نمایند . آن کسانی که بدین آئین خیانت کردند همان نفوس ضعیف النفس و منافق پژمردند و چون برگهای پوسيده فرو ریختند و قادر نشدند تلاو و درخشش آنرا محسوف سازند و بنیادش را به مخاطره افکنند . معاندین پر کین که از خارج بدان حمله آوردند از اریکه قدرت فرو افتادند و بطری حیرت آور به دارالبوار راجع شدند . ایران نخستین کشوری بود که با این آئین به مخالفت برخاست و آنرا تحت تضییقات شدیده قرار داد . پادشاهانش با فلاکت و ادبیار سقوط کردند ، دودمانش (قاجاریه) مضمحل شد و نام آنان منفور گشت . روحانیون که هم پیمان و حامی این دودمان رو بزوال بودند بالکل از اعتبار افتادند . ترکیه که سه بار مظہر پروردگار را از دیاری به دیاری دیگر سرگون نمود و باعث مسجونیت دائمی از عمر و ظالمانه آن مظلوم آفاق گردید در تاریخ خود یکی از شدیدترین مصائب و پرダメنه ترین انقلابات را تجربه نمود و از شکل یکی از اعظم امپراطوریهای مقتدر عالم بصورت یک کشور جمهوری کوچک در قاره آسیا در آمد ، سلطنتش محو گردید ، دودمانش واژگون شد ، دستگاه خلافت ، پراقتدارترین نهاد اسلامی مضمحل و نابود گردید .

با آنکه امر الی مورد چنین خیانتهای شرارت آمیز و هدف چنین حملات محنت زا و حزن انگیز قرار گرفت ولی هر بار پرتوانتر و نیرومندتر قد برآراشت ، و هرچند صدمات شدید بر پیکرش وارد آمد ولی بی آنکه انشقاقی در آن پدید آید با تهور و شجاعت به پیشروی خود ادامه داد . در بعده شدائی در پیروان با وفا خود اراده آهین دید که هیچ مانعی ، هرچقدر هم سهمگین ، نتوانست آنرا تضعیف نماید و در قلوب آنان چنان آتش ایمانی بر

افروخت که هر محنت و مصیبتی ، هرچقدر هم سیاه و پر غلظت ، موفق نشد آنرا محمود سازد و در دلهای آنان امیدی آفرید که هیچ نیروئی ، هرچقدر هم با عزم و پرتوان ، نتوانست آنرا خرد و متزلزل نماید .

("جلوه مدنیت الهی " . ص ۸۲ - ۸۵)

۵۶- هر موهبت و عنایتی که بفضل رحمانی شامل گردد و هر تمحیص و افتتانی که بحکمت بالغه سبحانی رخ گشاید هر دو موجب اعتلاء روح و تقویت ایمان و مزید امید و اطمینان است ... فارسان مضمار رحمانی و جنود منصوره ای که بعداً رایت دین الله را در آن اقلیم مرتفع خواهند نمود باید خدمات و مجاهدات لایقه خویش را بنهایت همت تعقیب و در تنفیذ و تکمیل آن سعی بلیغ مبذول نمایند ... هر چند آن جامعه من حیث العدد قلیل و عوامل و امکانات و وسائل و تجاربسان در اجراء مهام امور محدود و محدود ولی قوه قاهره الهیه که ممد حیات و ظهیر و نصیر مجاهدات آن مقربان حريم کبریاست نامحدود و فوق احصا و احاطه عباد است هرقدر دایره اعداء در اثر بسط و توسعه خدمات و تقویت اقدامات یاران وسعت پذیرد پر مراتب عداوت و خصومت بیفزاید جنود لم یروها بنصرت و اعانت بیشتر قیام خواهند نمود و چنانچه استقامت نمایند وعود محتومه الهیه ظاهر و شمس عزت ربانیه شارق و بازغ خواهد گردید چندان که امید دشمنان مقطوع و قوایشان منهزم و مغلوب خواهد شد این موّهاب و الطاف هرچند بیقین مبین شامل حال خواهد گشت و هم و مساعی یاران باکلیل قبول مکل و بطراز توفیق مطرز خواهد شد و ان هذا لوعد غیر مکذوب معذالک پاداش و ثمره مجاهدات هریک از دوستان منوط بمیزان همت و مجاهدتی است که هر فرد بنفسه در حیات خصوصیه خویش ابراز و در نشر و گسترش رسالت الهی و تسريع در فتح و ظفر موعده رحمانی مبذول خواهد داشت

("ظهور عدل الهی " . ص ۴ و ص ۳۴ % ۳۵)

۵۸- امر قابل ملاحظه دیگر که طی ادوار مذکوره بنحو وضوح مشهود میگردد توسعه و تدریجی است که در نحوه مخالفت اعداء حاصل شد ... اکنون در اثر طلوع نظم جهان آراء الهی در خطه غرب و تماس و اصطکاکش با مؤسسات مدنی و منهبي عالم مسیحیت ممکن است مورد تایید و پشتیبانی دول و مللی واقع گردد که در سلک قدیمیترین و ریشه دارترین مقامات روحانی آن دیانت منسلک میباشد و همچنین ملاحظه میشود که بعضی از جوامع امریه با وجود عناد و خصومت دائم التزايد دشمنان و با تحمل مصائب و آلام بیکران و محن و شدائید فراوان مراحل مجاهولیت و مقهوریت و انفصال و استقلال را که خود ممهد سبیل برای حصول رسمیت آئین الهی و تأسیس جامعه جهانی بهائی در قرون و اعصار آتیه خواهد بود طی نموده و بمدارج ترقی و اعتلاء واصل شده اند ... امر حضرت بهاء الله باوجود ضربات و لطمات لایتناهی که از طرف اصحاب قدرت و سطوت و معاندین دینی و سیاسی از خارج بر آن وارد گشته و مخالفتهای که بوسیله دشمنان داخل بعمل آمده بكمال متأنت و استحکام رو بترقی و تعالی است و روز بروز بر قدرت و عظمت و عزت و نصرت آن میافزاید فی الحقيقة اگر تاریخ امر میارک بدقت مورد مطالعه واقع گردد ملاحظه میشود که آئین الهی متناوباً و متراافقاً با یک سلسله از حوادث خطیره که فتوحات و انتصارات روحانیه عظیمه در پر داشته مواجه و پیوسته بجانب هدف اصلی و مقصد نهائی خویش که ید اقتدار الهی برای آن مقدر نموده در سیر و حرکت یوده است ...

فی الحقیقت اگر بدیده بصیرت ملاحظه شود معلوم و واضح گردد که شدائد و آلام و تضییقات و تطوراتی که امر الهی را در این دور مقدس احاطه نموده با هیچیک از مصائب و بلایای سابقه در اعصار و ادوار ماضیه قابل قیاس نیست و بر خلاف ادیان سابقه انقلابات و تحولات طاریه بیچوچه موجب تشییت جمع و تفریق کلمه الله نگردیده و در بین دوستان حضرت رحمن ایجاد انشعاب و انشقاق ننموده بلکه بالعكس امتحانات و افتتانات علت تطهیر امرالله شده و مورث تحکیم و تقویت اساس شریعة الله گردیده و بنیه جامعه را برای مقابله با موانع و مشکلات آئیه محکمتر و استوارتر ساخته است

در این مقام باید متذکر بود که هرچند امرالله در عقود و عهود آئیه دچار شدائد و مصائب عظیمه گردد و هر مقدار بر خطرات و انقلابات هائله در مرحله بعدی تکامل جهانی امر الهی بیفزاید و حملات و مهاجمات اعداء از هر ناحیه و جهت عليه آئین نازنین تشدید پذیرد و امواج سهمکین مخالفت از هر سو سفینه نجات را احاطه نماید نزد اهل بهاء و متّسکین بعروه وثقی که بحقایق الهیه آشنا و بر اهمیت این امور که پیوسته ملازم با بسط و توسعه کلمه الله بوده واقف و مستحضرند و نتایج و آثار جسمیه اش را در اعتلاء شریعت رحمانی بدیده بصیرت احساس کرده اند این مساله محقق و مسلم است که همان قدرت و سطوتی که امرالله را طی یکصد سال تحول و تطور خویش حفظ نموده و آنرا در مسیر ترقی و تعالی سوق داده است این در ثمین را پیوسته از تعریضات اهل عداون محروس و در کتف صون و حمایت خویش مصون و محفوظ نگاه خواهد داشت و موجبات نشو و ارتقاء آنرا فراهم و از هر آفت و بليتی حراست و صیانت خواهد نمود آفاق جدیده در مقابل انتظار اهل عالم هويدا و فتوحات و انتصارات خطیره نصیب پیروان اسم اعظم خواهد گردید تا آنکه پیام اسماعیلی حضرت بهاء الله کاملاً تحقق یابد و صیت عظمت و بزرگواریش بسمع اهل عالم رسد و سیطره محیطه ازلیه اش بر جهان و جهانیان واضح و آشکار گردد .

(" کتاب قرن بدیع ،، ج ۱ - ص ۶۱ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۹ و ۲۹۰)

۶- فی الحقیقت این بلایای جدیده که بتقدیرات غیبیه الهیه در این ساعت غیر مترقبه بر امر الله وارد گشته گذشته از آنکه موجب انهدام مؤسسات امریکه نگردد باید عنایاتی در لباس بلایات تلقی شود " عنایت " است نه " بلا " غادیه لهذه الدسکرة الخضرا " است نه سیل ویرانگر . " دهن لهذا المصباح است و ،،ماء لما زرعناه فى الصدور " و " اکلیلاً لرأس البهاء ،

عاقبت امر هرچه باشد این اضطراب ناگهانی که عالم بهائی را فرا گرفته و دشمنان امر الله را که قصد اطفاء نور و امحاء آنرا از روی زمین داشتند امیدوار و جسور ساخته . صوت صافوری است که جرائد عالم و فریاد دشمنان پرشور و شر و اعتراض عموم نفوس خیرخواه و اولیای امور بآن ملحق شده و در نتیجه سبب اعلان امر بهائی در سراسر عالم گردیده و تاریخ آن انتشار یافته و پرده از روی حقائق آن برداشته شده است نفوس بمدافعته برخاسته و خصوصیات مؤسسات آنرا تشریح و مقاصد و مآرب آنرا اعلان مینمایند . . .

هرچند این جهاد روحانی جهانی که اخیراً آغاز و در اجرای نقشه کلی حتی قدیر برای نجات عالم یک نقشه جزئی محسوب و بعلت آشوب و اضطرابات اخیره که غالب پیروان حضرت بهاء الله و تشکیلات آنان را موقتاً در مهد امرالله از حرکت انداخته ، شدیداً عقب افتاده است

با این حال نقشه کلی الهی که بنحوی اسرار آمیز مغایر با جریانهای منظم و مشخص نقشه های روشن مدّون است جهشی یافته که تنها نسلهای آینده میتوانند قوت آنرا کما ینبغی ارزیابی و تقدیر کنند .

(از ترجمه کتاب " Citadel of Faith " که در دست انتشار میباشد)

منتخباتی از توقیعات صادره از طرف حضرت ولی امرالله

۴ عبیقین مبین بدانند که تعدیات معرضین و ظالمین علت اشتخار امرالله و اعلاء کلمه الله و استحکام اساس دین الله گردد دشمنان بالمال مغلوب و منکوب گردند و امر الهی غالب و کلمه الله نافذ گردد . (x)

منتخباتی از دستخطهای صادره از طرف بیت العدل اعظم

۶۹- گمان مبرید که آنچه در این زمان در چهار گوشه جهان از جمله کشور مقدس ایران واقع گشته و میشود وقایعی تصادفی و منفرد و بی نتیجه و مقصد است . بفرموده مولای عزیز " ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدمه اعلن شریعت پروردگار " بلی اینهمه از تصرفات خفیه امر اعظم است که ارکان عالم را متزلزل نموده و جهانیان را که از باده غفلت و غرور مست و مخمورند منصع و مرتعش ساخته است ...

در چنین حال پر و بالی که اهل عالم پریشان و دانایان ام در چاره آلام جهان حیرانند اهل بهاء ببرکت و هدایت آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع مدهشه را هریک علی و معنائی و نتیجه ایست و کل از وسائل ضروریه استقرار مشیت غالبه الهی در جهان محسوب . یعنی از یکطرف تازیانه خشم و قهر الهی در کار است تاکاروان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه بسر منزل مقصود براند و بتازاند از طرف دیگر مشتی ضعفا را در ظل هدایت و عنایت خویش تربیت فرموده تا در این دوره تحول و عصر تکوین در میان طوفانهای سهمگین بساختن حصنی حصین که بالمال منزلگاه و پناه آن قافله گمگشته است همچنان مشغول باشند . لهذا یاران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشائی در مقابل خویش دارند البته از آنچه پیش آید پریشان خاطر نشوند از نهیب حادثه نهراستند در هنگام بروز انقلاب در اضطراب و التهاب نیفتند و آنی از اجرای وظائف مقدسه خویش باز نمانند .

(پیام بهائی ،،، فوریه ۱۹۸۰پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان ایرانی مقیم ممالک و دیار سائمه در جمیع اقطار عالم . ۲ زانویه ۱۹۸۵)

۷۰- اداء لدور امر الله گمان میبرند که اضطهاد اشان سبب تزلزل بنیان و اسوداد سطوع و لمعان امر حضرت یزدان خواهد شد . رهی افسوس زهی افسوس بر این حماقت و بر این جهالت این اعمال ظالمانه نه تنها عزم راسخ یاران را تضعیف نمیکند بلکه همواره سبب اشتعال نار غیرت و حمیت و ابعاث جان و وجود اشان است . بفرموده حضرت عبدالبهاء ،، پنداشتند که تشدد و تعرّض سبب خمودت و خاموشی گردد و بادی قمع و فراموشی و حال آنکه تعرض بامور وجود ائمه سبب ثبوت و رسوخ گردد و بادی توجه انتظار و نقوس و این قضیه بکرات و مرأت به تجربه رسیده ،،

اهرق دماء شهیدان دلیر و آه و این قربانیان دم فروبسته ظلم و طغیان ، تضرع و ابتہال یاران در طلب عون و صون حضرت رحمن همواره منشاء ظهور و بروز قوای مکنونه بوده و خواهد بود که هیچیک از

مخالفان امر اعظم را بر آن سلطی نیست . این قوا بعنایات شامله الهیه معطوف و مصروف نشر و اعلان نام و شهرت امralله در بین جمهور ناس در قارات عالم گردیده است و ملیون ها نفر از مردمانی که قبل از وجود امر بهائی بی خبر بوده و یا از آن اطلاعی جزئی و غالباً ناصواب داشته اند از تاریخ و تعالیم این امر مطلع شده اند . تضییقات و اضطرابات جاریه سبب شده است که جهانیان بنحوی کاملاً بی سابقه متوجه نام و شعائر این امر عزیز شوند و در نتیجه شکوئیه هائی که جامعه جهانی ستایندگان اسماً اعظم برای اولیای حکومت ایران ارسال داشته اند و سپس چون شکوئیه های مزبور مورد توجه قرار نگرفت اقداماتی که در ارائه دادن وضع احباب ایران به متصدیان وسائط ارتباط جمعی معمول داشته اند ، و مراجعات مستقیم مؤسسات ملی و بین المللی بهائی به دولتها و جوامع بین الدولی و مؤسسات بین المللی و نفس سازمان ملل نه تنها امر حضرت بهاء الله مورد توجه موافق و مطلوب مجتمع جهانی واقع شده بلکه حقانیت آن و حقوق مسلوبه اش مورد بحث و مذاکره قرار گرفته و قرارهای صادره دائر بر اعتراض از طرف دول مستقله متفاوتدا یا مجتمعاً جهت اولیای امور ایران ارسال شده است مطبوعات مهم عالم و جرائد محلی مطالب مشروح و موافقی در باره امر بهائی به خوانندگان خود عرضه داشته اند و تلویزیون ها و رادیوها نیز تضییقات واردہ بر احباب ایران را بنحو روزافزونی موضوع برنامه های خود قرار داده اند و مؤسسات بزرگ طبع و نشر کتاب شروع به عقد قراردادهای برای تهیه و انتشار کتبی در باره امر کرده اند ...

فی الحقیقته این موج جدید بلایا و تضییقاتی که مهد امر الله را در بر گرفته میتوان توفیقی اجباری دانست یعنی " عنایتی " که " بلا " یش را طبق معمول ، جامعه محبوب احباب ایران قهرمانانه پذیرا شده اند . این حادث را میتوان حرکت اخیر در نقشه عظیم الهی دانست و فخرخ دیگری محسوب داشت که در صور الهی جهت بیداری غافلان از خواب غفلت دمیده میشود و فرصتی طلائی برای احباء بشمار آورد که بار دیگر وحدت و یگانگی خود را در مقابل دیدگان جهان مردد و شکاک و رو بزوآل عرضه کنند و پیام حضرت بهاء الله را با قوت تمام به وضعی و شریف یکسان اعلام نمایند و احترام امر بهائی را برای اسلام و پیامبرش و به ثبوت رسانند و اصل عدم مداخله در فعالیتهای سیاسی و اطاعت از حکومت را که از اصول اساسیه این امر عظیم است مؤکداً اعلام دارند و سبب تسکین خاطر حزین و تسلی قلوب کیبیه ستمدیدگان با صبر و قرار و قهرمانان ثابت قدم وفادار که در صف مقدم جامعه بلاکشیده قرار گرفته اند باشد . (ترجمه)

(" عندلیب " . س اول . ش ۲ . ص ۲ - ۸ . پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم . ۲۶ زانویه ۱۹۸۲)

۷۱- حضرت شوقی افندی رشد حیاتی امر الهی را متنضم تناوب دوره های فتح و بحران تشخیص داده اند فتوحات بی سابقه ای که در اثر استقامت خال ناپذیر احباب ایران ایجاد شده بطور حتم محرك ضدیت و تعارضی خواهد بود که نیروهای ما را آزمایش و تقویت خواهد نمود . یاران الهی در سراسر عالم بایستی مطمئن باشند که هر آنچه براین شرع انور دائم الاتساع الهی وارد آید صرفاً شاهد بدون انکاری از عنایات مالک قدم و مبشر شهیدش بوده که بتوسط مرکز بی مثیل میثاقش و ولی امر محبوبمان پیروان خاضعش را آماده فتح و ظفر عظیم نهائی میفرماید (ترجمه) (،، عندلیب ،،، س ۵ . ش ۱۷ . ص ۱۴ - ۱۵ . پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم . ۲ زانویه ۱۹۸۶)

۷۲- افتتاح آن نقشه (نقشه هفت ساله) مقارن بود با تجدید تضییقات وحشیانه نسبت به جامعه

بهائیان ایران بمنظور ریشه کن نمودن امرالله از زادگاه مقدسش ، ثبات و پایداری دلیرانه یاران ایران سبب اصلی توجه فوق العاده بین المللی به امرالله بوده که ملا آنرا در دستور جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحده قرار داد و همراه با اعلان عمومی امرالله در سطح جهانی و در جمیع رسائی های گروهی وسیله خروج امرالله از مرحله مجھولیتی شد که صفت مشخصه دوران اولیه امرالله و در عین حال وسیله حفظ و صیانت امرالله در آن دوران بود . این وقایع پرهیجان بیت العدل اعظم را برا آن داشت که بیانیه ای در باب صلح خطاب باهل عالم صادر نماید و ترتیبی دهد که آن بیانیه به رؤسای دول و قاطبه حکمرانان جهان تسليم گردد . (ترجمه)

(،،، عندليب ،،، س ۵ . ش ۱۸ . ص ۶ . پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان عالم .
رضوان ۱۹۸۶)

سوم - حفظ و صیانت امر عزیز الهی

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله

٧٣- قل يا حزب الله اياكم ان تخوفكم قدرة العالم او تضعفكم قوّة الامم او تمعنكم ضوضاء اهل الجمال او تحزنكم مظاهر الجمال كونوا كالجبال في امر ربكم المقتدر العزيز المختار " بگو اى اهل بهاء مبادا سطوت اقويا قوت شما را سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد بحق توکل کنید و امور را بحفظ او سپارید خداوند به نیروی حقیقت شما را مظرف و منصور خواهد ساخت انه هو المقتدر على ما يشاء و في قبضته زمام القدرة و الاقتدار .

(" ظهور عدل الهی " . ص ۱۶۸)

٧٤- بر جمیع نفوس حتم است که بر رد من رد على الله آنچه قادر باشد بنویسنده کذلک قدر من لدن مقتدر قدیر چه که الیوم نصرت حق بذکر و بیان است نه بسیف و امثال آن جمیع اهل ملاء اعلى حسرت آن مقام برنده و جمیع اقلام ممکنات از ذکر آن مقام عاجز و السن کائنات از وصفش قاصر چه که هر نفسی الیوم بر این امر اقدس ارفع امنع مستقیم شود مقابل است با کل من في السموات و الارض و كان الله على ذلك لشہید و علیم .

(" منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ،،، ش ۱۵۴ . ص ۲۱۲)

٧٥- رجال بیت عدل را وصیت مینماییم و بصیانت و حفظ عباد و اماء و اطفال امر میفرماییم باید در جمیع احوال بمصالح عباد ناظر باشند طوبی لامیر اخذ ید الاسیر و لغنى توجه الى الفقیر و لعادل اخذ حق المظلوم من الظالم و لامین عمل ما امر به من لدن آمر قدیم .

(" مجموعه الواح جمال اقدس ابھی " . ص ۳۸)

٧٦- و همچنین میفرماید : " قولوا لخائفی القلوب تشددا لاتخافوا هو ذا الھکم " انتھی این آیه مبارکه دلیل است بر عظمت ظهور و عظمت امر چه که نفحه صور عالم را مضطرب مینماید زلزله و خوف کل را احاطه میکند طوبی از برای نفسی که بنور توکل و انقطاع منور گشت شدائید آن

يَوْمَ أَوْ رَا مِنْعَ نَكِنْدَ وَ نَتِرْسَانْدَ كَذَلِكَ نَطْقَ لِسانِ الْبَيَانِ امْرَا مِنْ لَدِي الرَّحْمَنِ إِنَّهُ هُوَ الْمُقْتَدِرُ
الْقَوِيُّ الْغَالِبُ الْقَدِيرُ .
(" لوح شیخ " . ص ٩٦)

٧٧- جمیع دوستان را بصیر و سکون و وقار وصیت نمائید و بگوئید یا اولیاء الله فی الارض
باشیم حق در جمیع عوالم الهی معززید ولکن در این دنیای فانیه که اقرب از آن منتهی میشود
بنزلت مبتلاه در سبیل خداوند یکتا شمات شنیدید و اذیت دیدید بمحیس رفتید جان دادید
ولکن بجهت ظلم چند نفس غافل نباید از حدود الله تجاوز نمائید یعنی نباید بنفسی تعرض
کنید آنچه بر شما وارد لله بوده هذا حق لاریب فيه و حال هم جمیع امور را با و راجع نمائید
و بر او توکل کنید و تفویض نمائید البته او هم شما را و انمیکذارد این هم لا ریب فيه هیچ
پدری اولاد را بسبع نمیدهد و هیچ صاحب غنمی اغنام خود را بگرگ نمیسپارد البته در حفظش
سعی بلیغ مبدول میدارد اگر چند یومی بمقتضای حکمت بالغه امور ظاهره بر خلاف مراد جاری
شود باسی نبوده و نیست مقصود آنکه کل بافق اعلی ناظر باشند و باانچه در الواح نازل شده
متمسک در اقلیم فساد پا نکذارند و در عرصه جدال و نزاع قدم ننهند بجنود صبر و تسليم و
اخلاق و اعمال طیبه و کلمات بدیعه منیعه حق جل جلاله را نصرت نمایند .
(" نار و نور " . ص ٩)

منتخباتی از آثار حضرت عبدالبهاء

٧٨- ای حزب الله در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید هرقدر مصائب شدید شود مضطرب
نشوید در کمال اطمینان بفضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمائید .
(" منتخباتی از مکاتیب " . ش ٣٥ . ص ٢١)

٧٩- پس باید احبابی الهی این درخت امید را از جویبار همت آبیاری کنند و بشنو و نمایش پردازنند
در هر اقلیم که مقیمند با قلب سلیم یار و ندیم قریب و بعيد گردند و با خلق و خوئی چون بهشت
برین ترویج دین و آئین رحمانی نمایند ابداً آزرده نگردند افسرده نشووند پژمرده نشینند آنچه جفا
بیشتر بینند وفا بیشتر نمایند و هرچه بلا و عذاب زیادتر کشند جام عطا بیشتر بخشنند این است روح
هیكل عالم و این است نور تابنده در قلب عالم و ما عدای این لاینبغی لعبدودیة عتبة رب العالمین .
(" منتخباتی از مکاتیب " . ش ٢٠٦ . ص ٢٤٩)

٨٠- ای احبابی الهی اعظم امور محافظه دین الله است و صیانت شریعه الله و حمایت امر الله و
خدمت کلمه الله ... ولكن تکلیف شدید دارم و ناچار و مجبورم که حفظ و صون و وقایه امر
الله نمایم لهذا در نهایت تحسر و اسف وصیت مینمایم که امر الله را محافظه نمائید و
شریعت الله را صیانت کنید و از اختلاف نهایت استیحاش بفرمائید .
(" الواح وصایا " . ص ٣ و ٢٠ - ٢١)

منتخباتی از آثار حضرت ولی امر الله

۸۴- بیقین مبین بدانید که هرقدر اعدای امرالله بیشتر کوشند شعله نیران امر الهی مرتفع تر گردد و بر حرارت و اشتعالش بیفزاید عاقلان و خردمندان که در پس پرده مراقب این امر و در پی تجسس و تفحصند از اینگونه اقوال و نشریات و روایات سخیفه قبیحه متناقضه بی اساس متاثر و متزلزل نگردند و از حقائق امریه رو برنگردانند بلکه در تعقیب و تحقیق همت و تدقیق بیش از پیش بگمارند و بر اصول و مبادی و مقاصد اهل بهاء کاملاً اطلاع یابند و در حین لزوم بتقدیر و هدایت مولای قدیر و علیم بر دفاع و نصرت قیام نمایند و لشکر ظنون و اوهام را درهم شکنند و بنیان کذب و افتراء را از اساس براندازنند و تقدیس و علویت و قهاریت و حقیقت امر میرم الهی را بر عالمیان مکشوف و مبرهن سازند اینگونه اقدامات و این قبیل اشاعات و روایات و حملات که از طرف اهل غل و بغضاً وارد و ظاهر میگردد وسائل و تمہیدات غیبیه ایست از برای تسریع و تحقق آن یوم موعد و فتح و ظفر مشهود و غلبه ظاهره که در الواح الهیه منصوص و مسطور است و بقلم اعلى مصرح و مثبت . (x)

۸۵- حفظ و بقای هر جمعیت و حزب و ملتی متفرع و مبتنی بر قدر و قیمت مبادی است که بمحض آن حرکات زندگانی خود را ترتیب و تسويق میدهند مبادی احبا صداقت است محبت است خیر خواهی است امانت است ترجیح منافع عمومی بمصالح شخصی است تقوی و عفت و پرهیزکاری است لهذا بالمال صیانت و سعادتشان متنضم است هر بلایی هم که با غراض مغرضین و بدخواهان متوجه آنها گردد چون موج درگزد و فرح بعد از شدت رخ گشاید حافظ احبا قوه غلبه و الطاف خفیه الهیه است و البته هر نفس مبارکی که موافقت باین قوه غالبه نماید عملش جمیل و اجرش جزیل است و هرکس هم که مخالفت کند بر ماست که در باره او دعا کنیم نه جفا این سجیه اهل بهاست در گذشته و حال و استقبال . (x)

۸۶- این صحت و صداقت و تشبیث بحق و حقیقت باید با قدرت زائد الوصفی در کلیه آراء و تصمیمات متذکره از طرف امنی انتخب جامعه در هر رتبه و مقام مرعی گردد و همواره در معاملات افراد یاران و حیات خصوصیه آنان همچنین در اجراء حرف و مکاسب و احراز مشاغل و مناصب و یا هر گونه خدمت و وظیفه ای که ممکن است در آتیه ایام نسبت بملت یا حکومت متبعه خویش در عهده گیرند ظاهر و هویدا باشد و نیز همین اصل راستی و حقیقت و حسن نیت و خلوص طوبیت است که باید زینت بخش حالات و سکنات منتخبین بهائی هنکام انجام وظیفه مقدس انتخاب و استفاده از چنین حق متعالی مشروع قرار گیرد و وجه امتیاز و صفت مشخصه هر یک از دوستان رحمانی نسبت بعدم قبول وظایف سیاسی همچنین عدم عضویت در تشکیلات و معاهد سیاسی و دینی و اختیار مسالک و مشارب حزبی و بالاخره امتیاع از ورود در مبارزات و مخاصمات ملل و اختلافات دول و حکومات عالم شناخته شود ... این اصل اصیل یعنی سلوک در منهج حقیقت باید در رفتار و تماس حامیان شریعة الله نسبت بمعاذین امر الهی و اذعان و شناسائی هر نوع لیاقت و شایستگی که ممکن است در افراد معارض موجود و یا ادای هر گونه تعهد و تکلیف که احیاناً نسبت بچنین افراد در بین باشد محسوس و جلوه گر گردد ... هیچ امری نمیتواند مانند شرکت مداوم و موثر و خردمندانه جوانان بهائی از هر طبقه و ملت و قوم و عشیره در دایره خدمات تبلیغی همچنین مجهدات اداری روح جوان و نیروی فعاله ای را که مدد حیات و محرك تأسیسات امر نوزاد الهی است

در انتظار ناس در هر دو قاره مشهود و جلوه گر سازد این تعاون و تعاضد در خدمات و مجهودات امریّه بهترین وسیله‌ای است که بموجب آن اداء دین الله که ترقی و تکامل آئین رحمانی و مشروعات و مؤسسات یزدانی را با شدت و ضعف با نظر مخالفت و تنقید و بی‌ایمانی و تردید مینگرند باین حقیقت مسلمه پی برند و موقن و مذعن گردند که شریعت الله زنده و نباض و اساسن محکم و متین و مقدرات مستحکم و رصین است .

(" ظبور عدل الهی ،،، ص ۵۵ - ۵۷ و ۱۴۵)

منتخباتی از توقعات صادره از طرف حضرت ولی امرالله

۹۱- البته هرچه امرالله نافذتر شود مفسدین امر نیز بیشتر گردند و دشمنانی قوی تر بمیدان آیند و محركین عجیب و غریب در سر سر بتحریک اهل غل و بغضا پردازند و رایات فساد برافرازنده‌ای باید از جهتی احبا دائم در صدد فحص برآیند و از طرفی در انتباه افراد و تشییت اقدام مشغول باشند وصیانت وحدت کلمه الله فرمایند و حفظ اتحاد و یکانگی احیاء الله نمایند این اعظم وظیفه دوستان است و بهتر طریق خدمت بائین یزدان . (x)

۹۴- یاران باید ثابتاً راسخاً صابرًا شاکرًا متحدداً متفقاً این مشکلاترا مقاومت نمایند و این بليای متابعه را متحمل شوند و اين مراحل باقيه را طي نمایند واز اين اتعاب و اوصاد و ظلم و ستم مأيوس و ملول نگردنند در كل احيان انذار صريح شديد صادر از كلک ميثاق را بپاد آرند و بقلبي مطمئن و عزمی راسخ و قدمی ثابت و روحی پرفتح منتظر و مترصد ظبور و بروز مصدق اين بيان مبارك باشند قوله الاخلی " از سرشک ديده یتیمان ستمدیدگان حذر لازم زیرا سيل خيز است و از دود آه مظلومان پرهيز باید زира شرر انگيز است " انقلابات حالیه و بليای مستولیه و مخاطرات شدیده که متوجه غافلین و ظالمین و مفسدین و مبغضین از جمیع طبقات در آندیار و اقالیم مجاوره گشته و ملوک و مملوک و حاکم و محکوم را از شش جهت احاطه نموده نتیجه تعدیات و تجاوزات اهل ستم و عدوان در آن سامان است پس از انقضای يك قرن اثرايش ظاهر و عواقبش نمایان و باهر قد اقترب للاعداء و الاشقياء حسابهم سوف تاخذهم زیانیه القهر من لدن مقتدر قهار یاران را متذکر دارند و ستمدیدگانها را تسلى دهند و بتمسك بحبل المتین وصایا و تعالیم الهیه بیش از پیش دلالت نمایند تا سر موئی از صراط مستقیم منحرف نشوند الی ان یقضی الله امرا کان مفعولا انه ولی المظلومین و معین الثابتین الراسخین .

(" توقعات مباركه ،،، ج ۳ . ص ۲۳۸ - ۲۳۹)

(۱) - منابع چاپی نصوص مندرجه در این مجموعه ارائه گشته اما اگر نصی از منابع خطی نقل شده با علامت (x) مشخص گردیده است . مشخصات کامل کتب چاپی را در قسمت کتاب شناسی ملاحظه فرمائید .

چهارم - فهرست اهم مباحث

صورتی از اهم موضعی مندرجه در این مجموعه ذیلا درج گردیده و در مقایل هر موضوع شماره قطعات نصوص مربوط به آن ارائه گشته است.

نحوه مقابله با مخالفین امرالله

۸۷ - ۷۹ - ۷۷ - ۵۰ - ۴۹ - ۲۳ - ۹

بحرانها

مقابله با بحرانها ۱۳ - ۴۰ - ۴۷ - ۶۰ - ۷۰ - ۷۱ - ۸۴

بحرانهای آینده ۶ - ۲۴ - ۲۳ - ۴۹ - ۵۸

اجتناب از بحرانها غیر ممکن است ۱ - ۳ - ۶ - ۱۰ - ۱۳ - ۵۰

بحرانهای گذشته ۲ - ۱۳ - ۱۱ - ۹ - ۵۸ - ۵۰

مقصد از بحرانها ۶۹

دلائل بحرانها ۸ - ۵ - ۷۱ - ۹۱ - ۲۳ - ۲۱ - ۹۱

ضربات متناوب ۵۸ - ۷۱

بحرانها در غرب ۱۰ - ۴۹ - ۲۳ - ۵۸

نصرت الهی

۸۵ - ۷۶ - ۷۳ - ۶۹ - ۵۶ - ۴۸

کیفیت حملات

اتهامات و تعریضات ۲۳ - ۴۹

مقالات و مطبوعات علیه امرالله ۱۴ - ۳۶ - ۸۴

حملات به مؤسسات امر الهی ۲۳ - ۶۰

تحریف حقائق ۲۳ - ۸۴

صدمه جسمانی ۴۹ - ۷۲

سخريه و استهزاء ۱۳

مخالفین امرالله علماء - رهبران و حرکتهای منهنجی ۶ - ۱۱ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۵۸ - ۵۰ - ۲۶

سران حکومت و رهبران سیاسی ۱۱ - ۲۶ - ۵۵ - ۵۸

مل و اقوام ۱۳

مخالفت در داخل امر ۵۵ - ۵۲ - ۵۸

مخالفت با امرالله و اثرات آن :

بر امر الهی

جالب تأییدات الهیه است ۴۳

سبب استحکام و تطهیر جامعه است ۵۵ - ۵۶ - ۶۴ - ۸۴

سبب تعویق حرکت و تقدّم امر است ۶۰

اطمینان از پیروزی کامل ۴۷ - ۴۹ - ۵۶ - ۸۴

استقرار نظم جهانی ۲۳ - ۵۸

تسريع در خروج از مرحله مجہولیت ۷۲

تسريع در انتشار امرالله ۹ - ۱۰ - ۶۴ - ۸۴

تفویت بنیه ایمانی مؤمنین ۷۰ - ۸۴

بر آنان که به مخالفت قیام نموده اند ۲۳ - ۴۱ - ۵۶ - ۶۴ - ۸۴ - ۹۴

حفظ وصیانت امرالله ۸۰ - ۸۴ - ۹۱

عكس العمل احباء نسبت به مخالفت

اجتناب از مجادله در کلام ۷۹

اجتناب از تعریض و لوزم توکل و تقویض ۷۷

احتیاط و دوراندیشی ۸ - ۹۱

مشورت ۸

تأسیس تشکیلات امری ۵۳ - ۷۹

صبر و حوصله ۴۹ - ۲۲ - ۲۸ - ۷۹

رد دعاوی مخالفین ۷۴

استقامت ۱۱ - ۲۳ - ۲۶ - ۴۹ - ۵۶ - ۷۹

وحدت ۸ - ۹۱

حفظ تمامیت و اصالت شریعت الله ۲۳ - ۵۳ - ۲۲ - ۸۵ - ۸۷

نقش مؤسّسات امری در حفظ امرالله ۷۵

فتح و ظفر امر الهی ۴۰ - ۴۲ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۶ - ۷۱

پنجم - کتاب شناسی

مشخصات کامل کتبی که نصوص مبارکه از آنها استخراج شده است

کتب :

آثار قلم اعلی (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری .

حضرت بہاء اللہ

۲۲۲ ب) . ج ۰۳ ص ۱۲۱

<p>كتاب مستطاب ايقان (قاهره : فرج الله زکی . ۱۹۳۳ م) . ص ۱۹۹</p> <p>لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی (لانگنهاین : لجنه نشر آثار امری . ۱۳۸ ب) . ص ۱۱۷</p> <p>مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابھی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنهاین : لجنه نشر آثاری امری . ۱۳۷ ب) . ص ۱۲۵</p> <p>مناقاھ . مجموعه اذکار و ادعیه من آثار حضرت بهاء الله ریودزانیرو : دارالنشر البهائیه . ۱۹۸۲ م) . ص ۲۴۴</p> <p>منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله (لانگنهاین : لجنه نشر آثار امری . ۱۴۱ ب) . ص ۲۲۲</p> <p>ناز و نور (لانگنهاین : لجنه نشر آثار امری . ۱۳۹ ب) . در سه قسمت مجزا الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء (قاهره : ابوالقاسم گلستانه . ۱۳۴۲ هـ) . ص ۲۹۰</p> <p>منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (ویلمت : لجنه نشر آثار امری . ۱۹۷۹ م) . ص ۳۰۹</p> <p>توقيعات مبارکه (۱۹۲۲ - ۱۹۴۸) (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری . ۱۳۰ ب) . ج ۳ . ص ۳۱۸</p> <p>جلوه مدنیت جهانی (دهلي تو : مؤسسه نشر آثار امری . ۱۹۸۶ م) . ترجمه جمشید فناییان . ص ۱۱۱</p> <p>دور بهائی (طهران : لجنه ملی نشر آثار امری . ۱۱۱ ب) . ترجمه لجنه ملی ترجمه آثار امری . ۹۳ ص ۱۱۱</p> <p>ظهور عدل الهی (ویلمت : لجنه امور احباب ایرانی . ۱۹۸۵ م) . ترجمه نصرالله مودت . ص ۱۸۷</p> <p>كتاب قرن بدیع (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری . ۱۲۲ - ۱۲۴ ب) . ترجمه نصرالله مودت . ج ۱ . ص ۳۷۵ - ج ۳ . ص ۳۵۶</p>	<p>حضرت بهاء الله</p> <p>حضرت بهاء الله</p> <p>حضرت بهاء الله</p> <p>حضرت بهاء الله</p> <p>حضرت عبدالبهاء</p> <p>حضرت عبدالبهاء</p> <p>حضرت عبدالبهاء</p> <p>حضرت عبدالبهاء</p> <p>حضرت ولی امرالله</p>
--	---

مجلات

پیام بهائی (از انتشارات محفل روحانی ملی بهائیان فرانسه) . ۱۹۷۹
عندلیب (از انتشارات محفل روحانی ملی بهائیان کانادا) . ۱۹۸۱



دو مرغ آشیان محبت

خرمی و نشاط را با انتخاب قرینی دلسوز ، و مونسی غم خوار ، و جلیسی شادی آفرین ، بروی خود بگشایند و از اختلاف و گفتگوهایی که ندرتا پیش میآید نهراستند چون اشاره ای بکلمه اختلاف شد عندلیب شکیبائی را از دست داد و آوائی دیگر اغاز نمود.

که : دوستان عزیز شما اهل بها پروردگان ید عنایت حقید و " دیباچه کتاب ابداع " سرچشمeh های حیاتید " و مامور بدوسنی و محبت با جمیع نوع انسان بیگانه در میان شما یگانه است و دشمن نا بکار چون دوستی نیکو کردار .

شما طالبان حقیقت و عاشقان حضرت احادیث انچنان ره پاکی و طهارت و خیر خواهی و محبت و آشتی و اتفاق را پیموده اید که در پیام منیع " وعده صلح جهانی " بعنوان نمونه معرفی شدهاید . حیف است که این لباس منزه و میرا از آلیش و غبار ، به ترشحات اختلافات و گفتگوهای نا صواب خانوادگی آلوده گردد .

امر جمال قدم جل جلاله بمنظور وحدت عالم انسانی و اتحاد من فی الامکان از سماء مشیّت رحمان ظاهر گشته ، باید اهل بها در حیات روزمره بویژه در زندگانی خانواده اصل حب و وداد و اتحاد و اتفاق را سر لوجه اعمال خود قرار دهند زیرا نمونه و سرمشق باید در حد اعلی زیبائی و از حسن جمال و کمال برخوردار باشد.

دو طیر مسعود ، در حدائق قدس بر شاخسار انس ، حول روضه مبارکه علیا مطاف ملا اعلی ، براز و نیاز و تسبيح پروردگار بی انباز پرداخته ، و راز درون اشکار ساخته ، و فارغ از این جهان پر وبال بشوق وصل یار بیهمال تغیایی دلکش سرداده ، که ناگهان پیک صبا پرده از کار برداشت و کوس رسوائی آنان بنواخت و رمز نهانشان فاش ساخت و اسرار پنهان آن دو دلداده را که دور از چشم خویش و بیگانه رازهای عاشقانه میگفتند بگوش عکاسی ماهر و هوشیار که چون صیادی سخت پیکار در کمینگاه نشسته بود رساند .

عکاس نیز که به جای خدنگ دوربینی با فیلم های رنگارنگ داشت بلا درنگ تصویری زیبا از آن دو مرغ " آشیانه محبت " برداشت و با شوق تمام برای عندلیب دور از یار فرستاد تا او را تسلی خاطری باشد . عندلیب خوشگو را ، این تحفه گرانبها خوش آمد و از انجا که هرگز رشك و حسد در دل نداشته ، و جزوفا و صفا و حب و وداد برای آشنا و بیگانه و یار و اغیار نخواسته دریغش آمد که دوستان جمال رحمان را از این ارمغان پرپها محروم سازد اندیشه ای نمود و آن دو مرغ خوشبخت نیکو فرجام را در ورق اول روی جلد نشاند ، تا بینندگان خاصه جوانان ، رموز عشق و دلدادگی و محبت واقعی و شیرینی و حلوات زندگانی و مهر زناشوئی را از آن " دو مرغ آشیانه محبت " فرا گیرند ، و اگر تا حال په علت و جهت از محبت تشکیل خانواده کامی شیرین ننموده اند در پی آن روند که درهای

دخالت پدران و مادران و درغیاب آنان نزدیکان مطلع شاید موثر واقع شده واختلاف رفع گردد. و اگر زایین طریق هم نتیجه مطلوب بدست نیامد عالیترین و دلسوزترین مرجع برای حلّ موضوع و رسیدگی بجريان محافل روحانیه استند.

ولی باید در نظر داشت که فقط و فقط محافل روحانی را باید در جریان گذاشت نه افراد دیگر را. زیرا دیده و شنیده شده که بعضی از خانواده‌ها پس از یروز اختلاف ابتداء بدون مراجعت به محفل محل بعلت احساس ناراحتیهایی که دارند تعارض و اختلاف را بعنوان درد دل برای خویش و بیگانه و آشنا و نا آشنا با آب و تاب فراوان شرح و بسط داده و احياناً از ذم طرف و بدگونئی اطرافیان کوتاهی نمینمایند بدیهی است که این گونه اعمال و رفتار برخلاف شئون بهائی بوده و ناپسند میباشد بلکه جائی هم برای آشتی بعدی باقی نگذارده و راه مذاکرات اصلاحی را نیز سد مینمایند.

بعلاوه باید توجه داشت که با اندک تعارض و اختلافی که پیش می‌آید دوستان نباید دم از جدائی زنند و همدمیگر را تهدید و مراجعت محافل نمایند زیرا یاران بخوبی میدانند که محافل روحانیه را در این ایام و ظایفی بس خطیر در خدمات امریه خاصه تبلیغ و مهاجرت است و نباید اوقات گرانبهای آنها را به منقول رفع اختلاف واهی گرفت.

درست است که مشورت یکی از اصول مهمه امریه محسوب و مراجع امریه و محافل روحانیه بهترین مشاورانند ولی حق این است که میدان خدمات روحانیه آنان بسی وسیع و فرصت‌شان قلیل و اوقات‌شان برای استماع گفتگوهای متداعین کوتاه است و در هنگام بروز اختلافات و طرح موضوع در محفل مسلماً حالات عصبانیت و شدت و حدت طرفین نیز مانع از بیان واقعیت و حقیقت قضایا میگردد و آنچه واقع و نفس

گاهی ممکن است بین زن و شوهر تکدر و اغبار و اختلاف روحی و اخلاقی بحدی شدید باشد که کره شدید شمرده شده ، و جدائی که هرگز مورد رضای الهی نبوده تنها راه علاج تشخیص گردد .

ولی هر اختلاف و اغبار و تکدر کره شدید نیست و بسیاری از گفتگوها و اختلافات ناشی از اشتباهات و غور و خود خواهی و عدم گذشت و احیاناً تخیلات واهی طرفین است . بهتر است که در اینگونه موقع زن و شوهر ، با عقل و کیاست ، دوستانه ، مشکلات زندگانی را مورد بحث قرار داده و راهی عقلائی برای حل موضوع بیابند و حتی الامکان از طرح موضوع نزد منسوبان دلسوز و یا صاحبان نظر ادعائی صرف نظر فرمایند .

چون حاشیه نشینانی که قادر بحل مشکلات و گرفتاریهای داخلی افراد باشند بسیار کم اند ، دوستان و منسوبان ارزوی دوستی و بنا بمراتب حب خویشی نظراتی ابراز میدارند که نه تنها راه حل مشکل نبوده و رافع اختلافات نیست بلکه بعضی از موارد آتش اختلاف را شعله ور تر میسازد .

در اینگونه حالات هرگاه ابتدا بدوا و مناجات رو آورده و بعد از طلب تائید و استمداد از عنایات رب مجید با نهایت محبت و صمیمیت عاری از عصبانیت ، دوستانه مشکلات را در میان گذارند و با لسان محبت و شفقت خالی از رائجه لجاج و عناد و ابراز برتری مطالب خود را بیکدیگر بگویند ، مطمئناً مشکلات زندگانی آنان بفضل خداوند مهربان رفع و برطرف گشته و دوران نوینی را آغاز خواهند نمود.

ولی ممکن است بعلت تعارض شدید و برسرشت بشری طرفین حاضر بمنذاکره و گذشت نشوند در اینحال

نکته دیگر آنکه در وقت ظهور اختلاف نکته سنجی ، و اتهام بیکدیگر وارد ساختن و در غیبت باز کردن خلاف اصول اخلاق بهائی است بنا براین اگر کسی ولو دوستی یکدل و جان و مطلع بر امور سؤال از چگونگی جریان نمود عاقلان آنانند که با اخلاق بهائی جواب گویند ، دوست عزیز اختلاف ما جزئی است انشاء الله رفع خواهد شد و اگر خدای ناکرده جدائی هم حاصل شده میتوان پاسخ گفت طرف بسیار نیکو کردار و خوب رفتار بود و منسوبانش نیز در نهایت آراستگی و حسن اخلاق بودند ولی میان ما توافق روحی و اخلاقی پیدا نشد والا او رفتار بدی نداشت ، .

سخن که بدینجا رسید گفتم عنديلبيا توراچه شده که روش پيشين فراموش کردهای وازاختلاف وجودائي که خلاف عهدمحبت و دوستي و مباین رضای الهی است سخن میگوئی مگر نشنیدهای که ازقبل گفتهاند :

تاتوانی پامنه اندر فراق

ابغض الاشياء عندي الطلق

الحان دلنواز توه موارة از بیانات مبارکه در ذکر محسن الفت و محبت و اتحاد و اتفاق و مکارم اخلاق و آداب انسانی و صفات بھائی و نشر نفحات بود . حال چگونه است که آن گفتارهای دلاویز را یکباره از یاد ببردهای . گفتابر استی سخن سنجیده گفتی دیگردم فرو بندم و سخن نگویم مگر بعد از مألف و اکنون نیز برای نزهت خاطریاران و تسریر قلوب ایشان گفتاری دلنشیں و شیرین و کلماتی شکرین از بیانات مبارکه مولای حنون و مربی عالم امکان حضرت عبدالبهاء روحی له الفدا زمزمه میکنم تا جوانان را بکار آید واحباء الهی را بینائی بیفزاید و راز نیکبختی و معنی

الامر است مکتوم میماند . در این صورت بسی محتمل است که پس از چند جلسه بیش و یا کم ، بحکم اجبار تاریخ اصطبار گذاشته شود . قدر مسلم آنست که هیچگاه از این مراجعه آنان طرفی نبسته و سرانجام جز پشمیمانی سودی نبرده اند . خصوصاً وقتی که اطفال نازنینی هم که نیاز بنوازش و محبت پدر و مادر دارند در میان باشند . اطفال ثمره حیات آدمی و گلهای نو رُسته خانواده و چشم و چراغ خانه اند .

پدر و مادر نیاید هرگز راضی شوند که نور چشمان و ثمره حیاتشان در اثر اختلافی جزئی یا کلی که در بسیاری از موارد خیالی و واهی است از تربیت روحانی و تعلیم الهی و محبت حقیقی محروم گردند زیرا روح لطیف تربیت پذیر نونهالان نیاز به اتحاد خانواده و محبت پدر و مادر هردو را دارد .

از این مراتب گذشته واقعاً بی انصافی و خلاف اصول تعلیم و تربیت است که پدر و یا مادر پس از بروز اختلاف خواه جزئی خواه کلی خواه اساسی خواه واهی نونهالان معصوم و بی گناه و ساده و بی الایش را با تلقینات درست و یا نا درست وارد جریان نموده و اذهان ساده و پذیرای آنان را مشوب و افکارشان را پریشان و روح پاک و منزه شان را جریحه دار سازند . شاید اینگونه اختلافات از کثرت محبت بین طرفین ناشی شده که آنان اندیشه درست و وظیفه اساسی تربیت اولاد را از یاد بردند و نمیدانند که دخالت اطفال در اینگونه جریانات لطمہ بسرونوشت آنان زده و آینده شان را تیره و تار میسازد . بدیهی است این گلهای نورسته بوستان محبت الله باید بالسان محبت و شفقت و در ظل تربیت روحانی بهائی نشو و نما نمایند تا " شرف اعراق باحسن اخلاق " توانم گردد .

اتحاد خود را با آب علاوه و محبت آبیاری نمایید تا در تمام فصول زندگانی سر سبز و خرم ماند و شیرین ترین اتحاد را برای شفای آلام مل و اقوام ببار آورد.

و نیز میفرمایند : ... خداوند بی مانند زن و مرد را آفریده در نهایت الفت ، آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند . زن و مرد دو رفیق انیس هستند که باید در غم یکدیگر شریک باشند چون چنین باشند در نهایت خوشی و آسایش دل و جان در این جهان زندگی کنند و در ملکوت آسمانی مظہر الطاف الهی گردند.... جهد و کوشش نمایند تا درگاه ، آکاهی دل است و یکانگی خداوند بی مانند ... سپس بکوشید که با یکدیگر مانند دو کبوتر در آشیان ، آمیزش دل و جان نمایید. این است خوشبختی در دو جهان .

انهی

همواره شادو خرم باشید.

باتقدیم تحیات بهائی
روح الله مدیر مسیحائی .



آسایش در آرامش را بیاند و عمر گرانمایه را بیهوده ازدست ندهند و صرف خدمت به امری عظیم نمایند.

قوله الاحلى .

... ازد واج اهل بها باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد زیرا هر دو سرمست یک جامنده و منجدب یک طلعت بیمثال . زنده به یک روحند و روشن از یک اتور . این روابط روحانیه است و اتحاد ابدی است . و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارند . ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هر دو باشد آن وحدت حقیقی است ، لهذا ابدی است . سپس باید اهل بها چون رابطه ازدواج در میان آید اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی باشد تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت حاصل گردد زیرا این وحدت حقیقی جلوه ای از نور محبت الله است ...

و نیز می فرمایند :

... زن و مرد باید فی الحقیقہ رفیق باشند ، غم خوار یکدیگر باشند... چون دو مرغ پر شاسخارهای شجر وحدت و یکانگی بسرایند ، همیشه پر فرح و سرور باشند و سبب سرور قلوب دیگران شوند . برای دیگران سرمشق باشند ، برای دیگران محبت صمیعی حقیقی داشته باشند.

و نیز میفرمایند :

... خداوند چنان اتحاد و اتفاقی بین زن و شوهر خلق نموده است که هیچ کس نمی تواند در این دنیا بالاتراز این اتحادی را تصور کند . شما باید دائمًا شجر الفت و

دانستنیها

۴- ای بگم اصحاب نار باش

"تعیین هویت مخاطب لوح مبارک جمالقدم مصدر به عبارت "ای بگم اصحاب نار باش ... که در کتاب ادعیه محبوب بطبع رسیده به مطالعات آینده موكول است و تا این مطالعات به نتیجه نرسد درباره چگونگی قرائت این عبارت اظهار نظری قطعی نمیتوان نمود."

۵- اجرای حدود بوسیله ایرانیان مقیم خارج از مهد امرالله "در پاسخ به این سؤال از طرف معهد اعلی به سائلین قبلی چنین ابلاغ گشته است : احباب ایرانی ولو در بلاد خارجه متولد شده باشند باید احکام و مقررات امر الهی را چنانکه در ایران مرسوم و متداول است در حیات روز مرّه خود معمول و مجری دارند و بر طبق این تصريحات قوانین مربوط به نامزدی و ازدواج برای احباب ایرانی واجب الاطاعه خواهد بود مگر آنکه یکی از طرفین عقد نکاح خارجی باشد."

۶- سید حصور

مراد از "سید حصور" و "یحیی حصور" که در آثار مبارکه مذکور شده "یحیی معمدانی" است . سابقه این اصطلاحات را باید در آیه ۳۹ سوره آل عمران در قرآن مجید ملاحظه نمود .

نقل از مرقومه شریفه ۱۶ شهرالسلطان ۱۴۴ دارالانساء بیت العدل اعظم الهی در جواب سؤالات جناب هوشنگ گهر ریز .

۷- هجوع

معانی اولیه کلمه "هجوع" عبارت از "ختن" و "در شب بخواب رفت" و مطلق "خوابیدن" است و لذا در لوح مبارک طب این قبیل معانی را باید برای لغت "هجوع" در نظر گرفت .

مطلوب زیر مأخذ از دستخط های معهد اعلی است که بواسطه دارالانساء ابلاغ شده و بمنتظر مزید اطلاعات یاران ذیلاً درج میگردد .

۱- حبک اضناقی " چون میزان معنی عبارت حبک اضناقی " در صلوٰة کبیر ترجمة حضرت ولی امرالله میباشد کلمه اضناقی را نباید از ماده "ضنی" بمعنی رنجوری انگاشت بلکه باید از ماده "ضناه" که بمعنی زیاد شدن و افزایش یافتن است گرفت . این معانی البته با ترجمه هیکل اطبر تطابق کامل دارد "

نقل از مرقومه شریفه ۸ شهر العلم ۱۴۳ دارالانساء معهد اعلی خطاب به سرکار خانم زینوس کو چک زاده .

۲- آیات الهیه در رساله سؤال و جواب جمالقدم در پاسخ به سؤال مربوط به " اقلوا آیات الله فی کل صباح و مسأء " چنین فرموده اند : " مقصود جمیع ما فزل من ملکوت البیان است " . و حضرت ولی امرالله در توضیح کلمه " آیات " در توقيع مبارک خطاب به یکی از احبابی شرق چنین میفرمایند : " آیات منحصر بكلمات جمال مبارک و حضرت اعلی است و آنچه از کلک میثاق صادر هر چند از آیات الهی محسوب نه ولی دارای رتبه رفیع و مقام مخصوصی است با کلمات این عبد که بنده آن آستان است مشابه و مقایسه به هیچ وجه جائز نه ".

۳- شماں جمال مبارک در دوره حضرت ولی امرالله در دارالاثار بین الملی تعییه گشته و همواره مورد زیارت زائرین قرار گرفته است .

۸ - حاج سید محمد مذکور در لوح سلطان ایران

مراد از حاجی سید محمد مذکور در لوح سلطان ایران حاج سید محمد اصفهانی است . ملاحظه شرحی که جناب محمد علی فیضی در کتاب لئالی درخشن (طبع طهران . ۱۲۳ بدیع ، صفحه ۴۴۴ - ۴۵۰) مرقوم فرموده اند اطراف و جوانب عبارت مندرج در لوح سلطان ایران را کاملاً واضح خواهد نمود :

۹ - اسباب عجیبه غریب

در خصوص " اسباب عجیبه غریب " که در کلمات فردوسیه مذکور گشته در سال ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از یاران غربی چنین مرقوم شده است که آن اسباب هنوز بطور کامل کشف نگردیده است . و در توقع دیگری که در سال ۱۹۴۵ از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی دیگر از یاران غربی مرقوم گشته این نکته تصویح شده است که اگر چه در آثار مبارکه بطور مستقیم ذکری از بمب اتمی بمیان نیامده اما در آثار عدیده به قوای عظیمه ای که در عالم موجود است اشاره شده است . بدیهی است که نیروی اتمی میتواند یکی از همین قوای عظیمه محسوب گردد :

۱۰ - خط بدیع

در باره " خط بدیع " و " لسان جدید " که ذکر آن در لوح مبارک شیخ مندرج گشته حضرت ولی امرالله در توقع صادره خطاب به یکی از یاران ایران چنین میفرمایند : " خط بدیع و لسان جدید که در لوح شیخ مذکور کیفیت آن مجہول و در علم جمال قدم مکنون و مخزون چون طالبی یافت نشد اشاره نفرمودند " .

نقل از مرقومه کریمه دائرة مطالعه نصوص و الواح تقدیم به بیت العدل اعظم الهی که بواسطه دارالانشاء آن مقام رفیع به جناب هوشنگ گهریز ابلاغ گردیده است :

اخیراً یکی از احبابی مقیم آلمان در مکتبی که باین شطر ارسال داشته اند متذکر شده اند که در جزو نفحات فضل فقره " والجنة العليا " در عبارت آخر صلوة کبیر از قلم افتاده است . اگر چه این فقره در ترجمه هیکل اطهر حضرت ولی امرالله مذکور نگشته و در کتاب ادعیه محبوب (صفحه ۸۰) هم مذوف است . اما مراجعت به دو نسخه موثق این اثر که هر دو بخط جناب زین المقربین میباشد میرهن میسازد که فقره فوق باید در متن صلوة مذکور گردد . چنانکه نسخه مطبوعه آن در کتاب تسبیح و تهلیل نیز حاوی این فقره میباشد . مؤسسه جلیله بنحو مقتضی در رفع این نقیصه البته اقدام خواهد فرمود .

با تقدیم تحيّات
از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم
اطلاعیه مؤسسه معارف بهائی

فوقاً سواد دستخط صادره از دارالانشاء بیت العدل اعظم برای اطلاع و توجّه دوستان درج گردید .

متن قسمت مزبور از صلوة کبیر چنین است :

"اشهد يا الهی بما شهد به اصفیا و اعترف بما اعترف به اهل الفردوس الاعلی و الجنة العليا و الذين طافوا عرشک العظیم . الملك و الملکوت لک یا الله العالیین "

وحي سماوي

«يعلم اي او عزيز امر الله جناب على اكابر فروتن»

حضرت مسيح خويش را مستمد از پدر آسماني ميداند و به پپروان خود برای دعا و مناجات چنین تعلیم ميفرماید: " اي پدر ما که در آسماني نام تو مقدس باد "

در قرآن کريم آيات عديده در اين باره نازل گردیده که من باب نمونه بچند فقره اشاره ميشود :

- ۱- در سورة النجم آيه سوم چنین نازل " وما ينطق عن الهوى ان هو الا وحي يوحى "
- ۲- در سورة کهف آيه ۱۱۰ ميفرمایند : " قل انما انا بشر مثلکم يوحى الى " ۳- در سورة الانعام چنین نازل : " لا قول لكم اني ملك ان اتبع الا ما يوحى الى هل يستوى الاعمى و البصیر افلا تتفکرون "

در دور مقدس بهائي نيز بهمين روش حضرت رب اعلى و جمال اقدس ابهی در آثار مباركه و الواح كثيره اظهار مينموده اند که آنچه از بنان و بيان ايشان جاري و ساري ميشود وحي سماوي و کلام الهی است حضرت رب اعلى در رساله مباركه " دلائل سبعه " چنین ميفرمایند قوله عز بيشه :

• چه بسيار عجیب است صنع حضرت رب العزه و چه بسيار تام است قدرت او که در بچیوچه اختلاف دین عبدي را از اعجمین منتخب فرموده و لسان او را باياتی مفتح فرموده بشائیکه احدی قبل از آن سبقت

حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فداء در كتاب مستطاب مفاوضات وحي را چنینتعريف نموده اند :

قوله الاحلى : " بدلائل عقلیه ثابت شد که مربی در عالم در نهايت لزوم است و آن تربیت باید بقوه قدسیه حاصل گردد و شبهه ئی نیست که آن قوه قدسیه وحي است و باین قوه که مافوق قوه بشریه است تربیت خلق لازم است " .

در الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء مصّح است که وحي اختصاص بمظاهر مقدسه دارد اين است جميع انبیاء و رسل من دون استثناء پس از بعثت بنهايت وضوح و صراحت اظهار و اعلن فرموده اند که آنچه از لسان و بنان ايشان صادر ميشود بوحی سماوي است و از خود حرفی ندارند و سخنی بدون اذن خداوند بيمانند بر زبان نرانند .

تمام كتابهای آسماني حاکی از اين حقیقت است در باب بیستم آيه اول از سفر خروج چنین مرقوم :

" خداتکلم فرمود و همه اين کلمات را بگفت " و در جميع موارد هر حکم و دستوری که از حضرت موسی بقوم يهود صادر ميشود نسبتش به يهوه خدای اسرائیل است . در انجیل جلیل

حضرت عبدالبهاء در کتاب مستطاب مفاوضات بدلائل عقليه ثابت و مبرهن ميسازند که دارنده قوه وحی از جمله حضرت ابراهيم و حضرت موسی و حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت اعلى و حضرت بهاء الله بوده اند و در الواح سائمه حضرت زردشت و حضرت بودا را مظہر الهی و دارنده این قوه قویه یعنی وحی سماوی شمرده اند . این است که اهل بهاء اعتقاد راسخ و ایمان ثابت داشته و دارند که عقول جزئیه یعنی افکار و عقائد بشریه در قبال عقل کلی و وحی الهی قابل مقابله و معارضه نبوده و نیست و اگر مطلبی و مسئله ای با کلمات مظاہر مقدّسه مطابق و موافق نباشد میزان اصلی و قسطاس واقعی وحی سماوی است .

تاریخ تمدن نیز گواه این حقیقت است که بارها فکر و عقیده ئی با نص الهی مخالفت ورزیده و بعدها ثابت و مبرهن گردیده که انجه از لسان و بنان مظہر حق صادر شده درست و صحیح بوده است .

ازجمله این موارد حضرت عبدالبهاء در کتاب مستطاب مفاوضات بقول و عقیده علما در قرون سالفه راجع بسکون شمس و حرکت زمین اشاره فرموده و رصد بطلمیوس را که مورد قبول عامه دانشمندان آن زمان بوده شاهد آورده و آیه مبارکه قران را که میطل آن افکار ناهمجارت است دلیل جلیل بر قدرت وحی سماوی دانسته باند قوله تبارک و تعالی : " و الشمسم تجری لمستقر لها ... وكل فی فلک یسبعون " همچنین در لوح مبارک که بافتخار امة الله روز نبرگ صادر شد و در کتاب مائدۀ آسمانی جلد دوم صحفه ۶۴ اندرجایفته راجع بتاریخ و اقوال مورخین چنین میفرمایند قوله الاحلى :

" نص الهیه امر محتموم است و جمیع تواریخ عالم با نص الهی مقابلی ننماید زیرا تجربه بقیه در صفحه ۶۹

بمثل آن نگرفته و هرجه بخواهد و هر وقت بخواهد تکلم مینماید بلاتأمل و مسطور میگرداند بلاسکون قلم ... "

در کتاب مستطاب بیان فارسی میفرمایند قوله الاحلى :

" از نفسیکه بیست و چهار سال از عمر او گذشته و از علمیکه کل بانها متعلم میگشته متعری بوده و حال باین نوع که تلاوت آیات مینماید بدون فکر و تأمل و در عرض پنجساعت هزار بیت در مناجات مینویسد بدون سکون قلم و تفاسیر و شئون علمیه در علو مقامات معرفت و توحید ظاهر مینماید که کل علما و حکما در آن موارد اعتراف بعجز از ادراک آنها نموده شبھه ئی نیست که کل ذلک من عند الله است " جمال اقدس ابھی در لوح سلطان ایران باین بیانات مقدسه ناطق قوله عز کبیریائه :

" يا سلطان اني كنت كاحد من العباد و راقدا على المهد مررت على نسائم السبحان و علمتني علم ما كان ليس هذا من عندي بل من لدن عزيز عليم و امرني بالنداء بين الارض و السماء بذلك ورد على ما ذرفت به عيون العارفين "

در لوح مبارک حکمت که بلوح حکما نیز شهرت یافته چنین میفرمایند قوله الاعلى :

" انا ماقرأنا كتب القوم و مااطلعنا بما عندهم من العلوم كلما اردنا آن نذكر بیانات العلماء و الحكماء يظهر ما ظهر فى العالم و ما فى الكتب و الزبر فى لوح امام وجه ربک نرى و نكتب انه احاط علمه السموات والارضين " .

تصمین غزلی از سعدی

(از جناب دکتر علی توانگر)

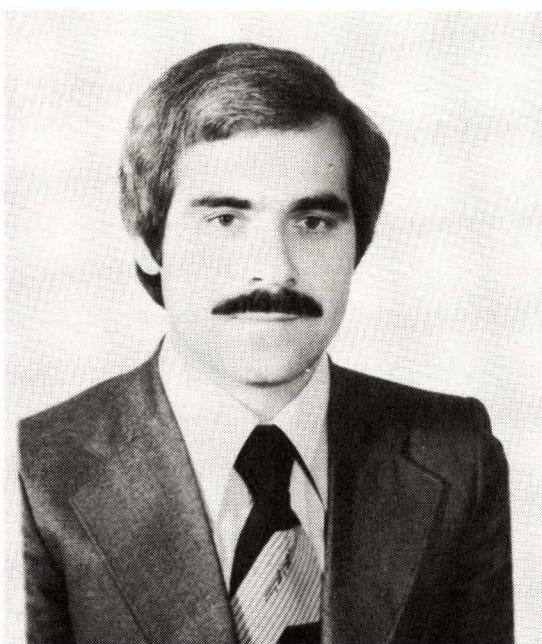
ای بوجود تو جمع کل فضائل
هرست لقایت بهشت و حل مسائل
یار من و شمع جمع و میر قبائل
نیست مرا از کمند عشق رهائی
مهر جهانی وزیر ابر نهائی
سرو ندیدم بدین صفت متمایل
هر سخنی از برای مصلحتی هست
مؤمن اگر متقیست مکرمتی هست
حسن تو بر قدرت خدای دلائل

چند بهر سو دوی چو باد بهامون
دور زفیض خدای نادم و محزون
عشق تو منسخ کرد ذکر اوائل
نفعهای از امر حق چو صورد میدند
نور جمال و جلال دوست بدیدند
هر دو بر قص آمدند سامع و قائل
آتش عشقت بسوخت این دل محروم
نیست جدائی میان خالق و مخلوق
شد سکندر نه مانعست و نه حائل
مردم مغرض بهر کجا که نشینند
لیک مرا باک نیست گر که چنینند
دست در آغوش یار کرده حمال
ای بجمال و جلال گشته نمایان
منبع فیضی چو تو نیافته کیهان
شوq تو ساکن نگشت و مهر تو زائل
جه و مقامی چو تو منیع نباشد
درگه دیگر چنین رفیع نباشد
ره بتلو دارم دگر بهیج وسائل
کس نتواند رهیداز خم عشقت
زنده شود روح مرده از دم عشقت
این همه گفتیم و حل نگشت مسائل

وصف تو گفتند نظم و نثرچه بسیار
کرده "توانگر" بعجز خویشتن اقرار
عشق بچربید بر فنون فضائل

تاریخ زرین شهادت

محضری ارشح حال زندگی شهید مجید سروش جباری



خدماتی نائل آمد و در طی سالهای نوجوانی و جوانی در کلیه تشکیلات مثل کمیسیونها ، هیئت‌ها ، اداره کلاسهای درس اخلاق نظامت کنفرانسها و ضیافتها شرکت فعالانه داشت و سالها عضویت لجنه جوانان ملی را داشت از امور تشکیلاتی بسیار جدی بود و اکثراً در تشکیلات امری بعلت دقت و خط خوش بست متمنی انتخاب میشد .

در خرداد ۱۳۵۵ با دوشیزه مهناز خسرویانی که او نیز از جوانان بهائی و فعال بود ازدواج کرد و میتوان گفت در کنار خدمات تشکیلاتی زندگی خانوادگی را آغاز کرد در مهر ماه ۱۳۵۷ اولین فرزندش بنام هوتن بدنیآمد که سالهای آغاز انقلاب در ایران بود اما در آن زمان هنوز تشکیلات بهائی منحل نشده بود به علت فعالیت مستمرش در ناحیه ۱۱ از عضویت لجنه جوانان مستعنی و بخدمت خود در این ناحیه افزود چند دوره به نمایندگی این ناحیه در کانونشن ملی انتخاب شد .

در چهارم شهریور ۱۳۶۱ در قریه سیسان از توابع تبریز شهید مجید دومین فرزند خانواده بدنیا آمد و نام او را سروش گذاشتند . بیش از دو سال نداشت که بهمراه خانواده به شهرهای آذر شهر گاوگان مهاجرت کردند ولی پس از چند ماه بعلت نا مساعد بودن اوضاع این شهرها به سیسان برگشته مجدداً در چهار سالگی به شهرستان میانه مهاجرت کردند و قریب به به ۱۲ سال در این شهرستان ماندند . مردمان این شهر متعدد و هوایش نا مساعد بود لذا در طی این ۱۲ سال بسیار مورد اذیت و آزار قرار گرفتند . بتدریج چند خانواده دیگر هم به آنها پیوستند و توائینند محفل این شهر را تشکیل دهند .

دوره ابتدائی و متوسطه را در این شهر تمام کرد چه در مدرسه و چه در راه مدرسه هرگز از اذیت و آزار و طعن و دشناک همسایگردیها در امان نبود بحدی که پدر اعلب در راه مدرسه بهمراهش میرفت تا از آزار همسالان در امان باشد . در ۱۶ سالگی برای اتمام دوره متوسطه بطران آمد اما خانواده همچنان در آن شهر بودند پس از اتمام تحصیلات متوسطه برای کمک به خانواده مشغول بکار شد و شغل نقشه کشی تأسیسات ساختمان را برگزید و خیلی زود پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در کار خود نمود . در بدو ورود به طهران در تشکیلات امری

میرفتند و مبلغ ۳۰۰ تومان پول میدادند و دفعه بعد رسید آن را دریافت میداشتند و این تنها خبری بود که از او میگرفتند و باین ترتیب نوروز ۶۴ و در پی آن عید اعظم رضوان رسید که به یمن مبارکی این ایام این خانواده عیدی خود را از جمال مبارک گرفتند باین ترتیب که ۴ اردیبهشت از زندان گوهر دشت تلفنی اطلاع دادند که ۱۵ اردیبهشت پدر و مادر و همسر و فرزندانش با او ملاقات دارند روز موعود همگی به زندان رفته‌اند و مدت ۱۰ دقیقه ملاقات داشتند همسرش میگوید او را مثل همیشه آرام و راضی دیدم فقط از دیدن بچه‌ها کمی منقلب شد معهذا ما را به صبر و استقامت دعوت میکرد قرار بود ۱۵ روز دیگر دوباره ملاقات داشته باشند که از زندان تلفناً اطلاع دادند او را به زندان اوین منتقل کرده اند و بعلت اینکه در بازجوئی است ملاقات ممنوع است بالاخره مجددًا تلفنی اطلاع دادند که روز ۲۶ خرداد خانواده‌اش میتوانند به ملاقات بیایند در این ملاقات سروش گفته بود که در تاریخ ۸ خرداد آخرین دادگاهش بوده اما حکم‌ش را بُوی نگفته اند و بعد از این تاریخ هر پانزده روز یکبار خانواده اش بدمت ۱۰ دقیقه بمقابلات او میرفتند و ۱۰ دقیقه هم فرزندانش ملاقات حضوری با او داشتند . هومن کوچولوحالا ۱۱ ماهه است و بابا برایش مفهوم عکس اوست اما پس از چند بار ملاقات بابا، در زندان او را شناخته و هر بار بی تاب تر به در زندان میکوبد و بابا را میخواهد . امروز قریب به یکسال و نه ماه از زندانی این مسجون میگذرد و بر خلاف کلیه قوانین ، با وجود گذشتن بیش از یکسال از دادگاهش حکم‌ش را به او ابلاغ نکرده‌اند . و همچنان بلا تکلیف در گوشه زندان به راز و نیاز با خداوند منان و جمال اقدس ابی مشغول به امید اینکه همچنان مورد فضل و عنایتشان باشد و باز فرصت خدمت یابد .

در شغل اداری خود هم پیشرفت بسیار کرد و سمت رئیس قسمت نقشه کشی شرکتی بزرگ را بعده داشت ولی پس از مدت بیست سال بعلت بهائی بودن بدون پرداخت حقوق قانونی او را اخراج نمودند . بعد از اخراج مدت سه سال بعلت اینکه بهائیان را استخدام نمی‌کردند بیکار بود و سرپرستی و اداره خانواده ۷ نفری را بعده داشت لذا در آغاز سال ۶۲ مجدد در شرکتی خصوصی مشغول بکار شد . در ۱۲ تیر ۶۳ سومین فرزندش هومن بدنسی آمد که بیش از دو ماه نداشت که در نیمه شب ۲۴ شهریور ۱۳۶۳ مامورین بدون اینکه زنگ خانه اش را بزنند از دیوار بالا آمده و وارد منزل شده بودند و با روشن کردن کلید برق اطاق خوابش او و همسرش از خواب پریده و بالای سر خود دو مأمور را دیده بلا فاصله علت ورود را پرسیده مأمورین حکم بازرسی خانه و حکم جلب سروش را نشان دادند بعداً پدر و مادر و خواهرش هم از خواب بیدار شده ناظر بازرسی خانه پوسیله مأمورین بودند بیش از دو ساعت به بازرسی خانه پرداختند و مقداری کتاب امری و غیر امری و شماں مبارک و وسائل شخصی را برداشتند در حین بازرسی خانه از زخم زبان و توهین و تهدید غافل نبودند و حدود دو و نیم بعداز نیمه شب بهمراه چیزهای که برداشته بودند سروش را هم بردند بدون اینکه پاسخ همسر و پدر و مادرش را که کجا میبرید بدهند . فردای آن روز معلوم شد که ۵ نفر دیگر را هم دستگیر کرده اند که یکی از آنها جناب فرج الله سعادتی از مهاجرین میانه و دوست و همشاگردی دوران مدرسه او در میانه بود . مدت دو ماه و نیم بهر مقامی مراجعه کردند جوابی نشینیدند در این مدت به آنها گفتند که در زندان گوهر دشت کرج است و در زندان افراطی بسر میبرد و ملاقات ممنوع است مدت شش ماه هر ده روز یکبار همسر و مادرش بهمراه شوهر خواهرش به زندان گوهر دشت

هرچه رضا و فضل حضرت بهاء اللہ باشد راضی هستم در پائیز سال ۵۶ در نقل و انتقالات که انجام شد به بنده که سایر احباب زندانی بودند منتقل شد که باعث شادی سروش و دوستانش شد هرچند دوستان غیر بهائی اش هم بسیار خوب بودند بعضی از دوستان میگفتند که گاهی هم بندهای غیر بهائی که فرصت پیدا میکردند و میامدند به بنده جدید سروش دقایق طولانی سروش را در آغوش میگیرند و گفتگوی بسیار محبت آمیز میگردند و میگفتند که سروش محبوب القلوب هم بندها بود . باین ترتیب روزها میگذشت و بچه هایش بزرگ میشدند هوتن کلاس سوم و سلائق کلاس اول را میخواند و هومن کوچولو ۲۵ ساله شده بود این کودک با وجودیکه پدر را جز در زندان ندیده بود آنچنان عشق و علاقه به بابا در ملاقاتها ابراز میداشت هرگز از سالن بیرون نمیآمد و چون راه رفتن را یاد گرفته بود خودش تا در جلو میرفت و میگفت میرم پیش بابا سروش مناجات و شعرهای که یاد گرفته بود برایش میخواند و بزبان شیرین خود حرفهای دلچسب میزد بعد از هر دعا با زبان بچگانه خود میگفت انشا الله بابا جونم میآد خونمن اما همانطور که میدانیم این آرزو هرگز بر آورده نشد و خواستِ جمال مبارک جز این بود و هومن کوچولوهیچگاه بابا را در خانه نیافت .

در اوایل زمستان ۵۶ دادگاهها مجددًا شروع به کار کردند و بسیاری از دوستان آزاد شدند و ما هم منتظر دادگاه برای سروش و آزادی او بودیم اما روز یکشنبه ۱۷ اسفند در ششمین روز ماه صیام بعد از خوردن سحری آماده رفتن به ملاقات شدیم ، بچه ها هم بشور و شوق از رختخوابهای گرم برخاستند و لباسهای تمیز و زیبای خود را پوشیده و رهسپار ملاقات بابا شدند مثل همیشه و همه ملاقاتها با لبخند و گرمی خاص خودش با یک یک احوالپرسی میکرد با یکی با گوشی صحبت میکرد با دیگری با بقیه در صفحه ۴۱

مقالات ها هر پانزده روز یکبار ادامه داشت و در همه ملاقات ها با خنده ابراز رضایت از زندان و دوستان هم بندش می نمود همیشه میگفت زندان است و نباید موقع زیاد داشت مدت ۱۴ ماه با گروههای مختلف هم بند بود و از همه آنها راضی بود و از رفتار زندانیان نیزاین مسئله مشهود بود زیرا که با وجود منوعیت بعد از تمام شدن وقت ملاقات و قطع ارتباط تلفنی همگی بدور سروش جمع میشدند و میخواستند خانواده و بخصوص فرزندان او را ببینند . بعضی از دوستان که به فضل حق آزاد میشدند حکایت میگردند که آنی در بنده بیکار نیست و مطالعه و تحصیل زبان عربی و فرانسه را بطور جدی دنبال میکنند الواح و آیات محفوظات خود و دوستانش را مینوشت که امروز دو کتابچه که بخط زیبای خود نوشته به یادگار مانده است در اوقات بیکاری به کارهای دستی میپرداخت از یک سکه پنج تومانی که به رنگ زرد است چهار مصال که اسم خانم و بچه هایش را رویش نوشته دقیقاً شبیه مدالهای طلا درست کرده و دوستان آزاد شده میگفتند ساعتها مشغول سوهان کشیدن برای این سکه بود . بطور مرتب ماهی یک نامه مینوشت هر نامه را خطاب به یکی از اعضاء خانواده بود در آخرین نامه اش که خطاب به همسرو فرزندانش است اینطور مینویسد که : دختر قشنگ سلائق و هوتن و هومن پسرهای عزیز و کوچولویم خیلی دوستان دارم حرفهای گفتنی زیاد دارم اما نه این کاغذ جای آنرا دارد و نه تحمل آنرا . شما امیدهای زندگیم هستید انشاء الله خداوند مهربان حافظ و نگهدار شما ها باشد .

میگفت چند بار نامه نوشت و تقاضای ملاقات حضوری کردم و حداقل خواهش کردم با پدر و مادر پیر ملاقات داشته باشم اما موافقت نکردند . از بلا تکلیف بودن شکایت میکرد ولی از محکومیت به هر حکمی راضی بود و میگفت

تاریخ زرین شهادت

محضری از شرح حال شهید مجید امیر نادری



پس از پایان تحصیلات متوسطه برای ادامه تحصیل بطهران آمد و سپس برای دوره عالی عازم بیروت گردید . پس از اخذ درجه مهندسی بهداشت بطهران بازگشت و در وزارت بهداری مشغول خدمت گردید چون اقامت در طهران را موافق با مصالح امری نمیداشت تقاضای انتقال نمود و در نتیجه محل خدمتش در کرمانشاه تعیین و روایه آنديار شد در آنجا نيز تمام اوقات فراغتش را چه روز و چه شب صرف تشكیلات امری نمود تا اینکه مجدداً بطهران انتقال یافت و در همان اداره بهداشت مشغول خدمت گردید ضمناً چون نمیخواست اوقات فراغت را تلف کند در مؤسسه عالی حسابداری ثبت نام کرد و مدت چهار سال در آن مؤسسه شبانه مشغول تحصیل بود تا باخذ درجه لیسانس در رشته حسابداری صنعتی موفق گردید . بلافاصله از طرف همان مؤسسه بسم استادی استخدام شد و بتدریس حسابداری مشغول گردید در سال ۱۹۶۹ با دوشیزه پری گلزاری ازدواج نمود ولی از این وصلت اولادی باقی

امیر نادری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۳ شمسی مطابق با آپریل ۱۹۳۴ میلادی در شهرستان یزد متولد شد نام پدرش سید محمود نادری فرزند سید حسین قالی باف یزدی و نام مادرش قدسیه ملکوتیان فرزند دکتر عبدالخالق ملکوتیان از طرف پدر به سید یحیی دارابی (وحید) و از طرف مادر به حاج ملا عبدالغنى اردکانی منسوب بود .

اسمش را امیر حسین خان نهادند ولی او همیشه خود را امیر معرفی میکرد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در یزد بیان رساند و در دوران تحصیلاتش همیشه شاگرد اول بود . همざمان با دروس مدرسه ، معلومات امری خود را نیز در کلاسهاي درس اخلاق آن زمان و سپس حضور مبلغینی چون فاضل یزدی ، عباس محمودی ، سعید رضوی و جناب اشرف خاوری ادامه داد . از عنوان جوانی در اغلب تشكیلات امری جوانان و سپس در کمیسیونها و لجنات مختلف یزد قائم بخدمت بود و در زمانیکه بعلت تضییقات شدید کسی حاضر نبود حظیره القدس بزرگ یزد را نگذاری کند بنا بدستور محفل مقدس روحانی یزد والدینش مأمور شدند که در آنجا سکونت کنند پا بپای پدر و مادرش در نگهداری ، باغبانی و گلکاری و سایر امور مربوطه در حظیره القدس و مسافرخانه امری یزد خدمت میکرد .

تحمل نمود که شرح هر یک از آنها داستانی است حزن آور و در این مختصر نگنجد .

غروب روز یکشنبه ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۷ پس از مدت مديدة بی خبری امیر بمنزل خود تلفن میکند و از حال همه جویا میشود ، در وحله اول اهل منزل باور نمیکنند که این صدای خود امیر است با همه فردًا فرد صحبت میکند و خوشحالی و سلامتی خود را ابراز میدارد و بهمه میگوید از من نگران نباشید من حالم بسیار خوبست از طبقه پائین ببالا آمده ام و لباسهای نو خود را پوشیده ام در همین گفتار همسرش گریه میکند امیر ویرا تسلی میدهد و میگوید نگران من مباشید در محبت یکدیگر استقامت نمائید خدایار و یاور شما . امیر قبل از اینکه در سال ۱۹۸۳ تشکیلات بهائی در ایران از طرف رژیم وقت غیر قانونی اعلام شود عضو محفل مقدس ملی ایران بود صبح روز دوشنبه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۷ پس از ۱۱۱۱ روز تحمل همه نوع شکنجه و عذاب او را شهید نموده بودند . روحش شاد و روانش تابناک باد .

بند و سروش از ملاقاتی که با بچه ها و سایر احباب داشت با شور و شوق تعریف میکرد که از بلند گو صدای احضار سروش را به دفتر شنیدم جلوی دفتر شکلاتی را که بچه هاییش با و داده بودند بمن داد و با زبان نگاه بهم نا گفتنهای را گفتیم و خدا حافظی کردیم و سروش وارد دفتر شده آنچه در آن دفتر گذشته بعده یکی از مأمورین به مهناز همسرش اینطور حکایت کرد که او حکمی را ابلاغ کردیم و حرفا یاش که عبارت بودند : ۱ - جاسوسی برای اسرائیل ۲ - تشکیل جلسات بیش از ۲۵۰ نفر و شستشوی مغز جوانان ۳ - تسجیل جوانان ۴ - انجام عقدبهائی . بعد از شهادت آن جان پاک یکی از شعراء شعری در ثنای او گفته که یک بیت آن چنین است دل غمین است و قلم داردخوش در فراق یاد روحانی سروش

نیست . سپس در وزارت فرهنگ و هنر بسمت کارشناس بودجه استخدام و انجام وظیفه نمود بعلت صداقت و لیاقتی که داشت شغل معاونت وزیر را باو پیشنهاد کردند ولی چون به اعتقاد خودش آنرا مخالف با مصالح امری میدانست قبول ننمود و در ردیف یکی از صدیق ترین کارمندان عالی رتبه آن وزارت باقی ماند . چون برشه کامپیوتر علاقه داشت همان رشته را تحصیل و در این رشته نیز متخصص گردید .

در ایام انقلاب ایشان هم مثل سایر بهائیان از کار برکنار شد و از آن تاریخ تمام وقت خویش را صرف امور تشکیلات امری نمود و بهمین جهت تحت تعقیب مأمورین دولتی قرار گرفت و مدت‌ها هم در حال فرار بدامه خدمات امری خود مشغول بود تا اینکه بالاخره در تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۱۹۸۴ در یکی از پارکهای شهر در حالیکه با یکی از دوستان مشغول مشاوره امور امری بود دستگیر شد و بمدت سه سال و شانزده روز در زندانهای اوین و گوهر دشت تمام شکنجه های بیرحمانه را مثل سایر دوستان خود

بقیه از صفحه ۳۹

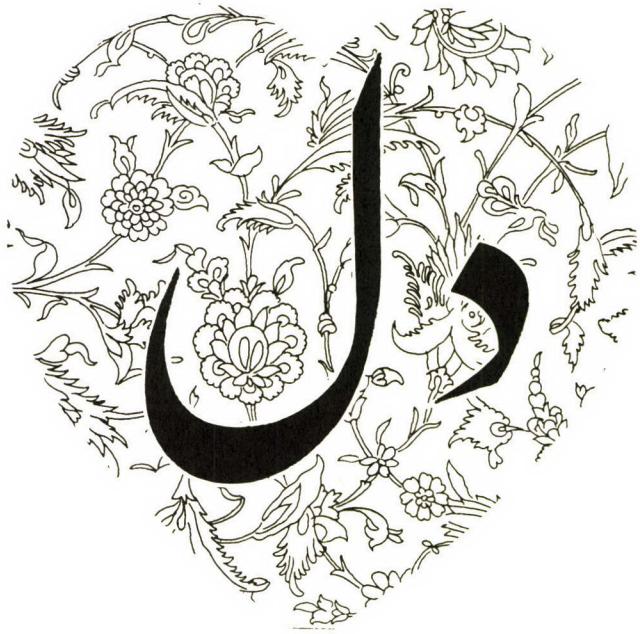
اشاره سر و با آن یکی با بلند کردن دستها در آن واحد به همه ابراز محبت میکرد تعریف میکرد بغير از سه تن از دوستان که مریض هستند بقیه روزه هستیم آنروز با چند تن از دوستان هم گروه یودیم که بعد از اتمام ملاقات دوستان ملاقات کننده به کابین ما آمدند و با سروش ملاقات کردند قلم قاصر از نوشتن آن روز ملاقات است که چگونه شور و هیجان نه تنها خانواده ما بلکه همه دوستان و خود سروش و سالن را در بر گرفته بود با وجودیکه هیچکدام نمیدانستیم دقایقی دیگر این عزیز را از دست خواهیم داد ایکاش میدانستیم و او را رها نمیکردیم و به این بیداد گران اجازه جدا کردن آنها را از بابا نمیدادند . یکی از دوستان زندانی بعدا اینطور حکایت کردند که بعد از ملاقات بچه ها با سروش بر میگشتم به

شعر و دب فارسی

دل چو آئینه موندم که در او جلوه کنم
سر اسرار جذا طمعت دلدار خدا
محمد علی سلطانی

دل اند سینه جا دارد تو در دل
دل اهل دل از بھر تو منزل
دکتر یوش افودخته

نیست بر لوح دلم بجز الف قامت یار
چکنم حرف دگر یاد نماید استدام
حافظ



قطره خونی است که در یا در اوست	دل که زعشق آتش سودا در اوست
غزالی	
که گر غبار شیند براو سکنه شود	ولیست در برم از آگلینه نازکتر
لیکت قمی	
ترسم که راز در کف نامحرم او فتد	مشکن دلم که خلقه راز نهان تست
سعی	
و ه که یک دل دارم و در دل هر رام آرزوست	جانشنا نیها بجای پای یارم آرزوست
نیکی اصفهانی	
سنگ راسیل تو اند بلب در یارو	دل سنگین تورا اشگ من آور و براه
منوب حافظ	
برون کردیم تاجی تو باشد	دو عالم را بیکت بار از دل تنگ
سعی	

خواهی کرد لت نشند از سنگ بکافات
مشکن دل کس را که درین خانه کمی هست
فرودخی بطامی

معرفت - استفهامات

از تقریرات شهید مجید جناب بیان ته فرید
تئیم از متصاعد ای آن جناب حسام نقائی

که او متعالی از صفاتی است که باو نسبت داده شود دلیل و تفصیل آن در ضمن مناجاتها و بیانات مبارکه آمده است چه که هر صفتی باو نسبت دهیم از شؤون بشری اخذ شده و یا بعلمی او را ستایش میکنند که خود باان مانوسند. فی الواقع نسبت دادن هر صفتی بخدا نزدیک بشرک است زیرا خدا را مشابه خلق مشاهده میکنند و حتی خدا را به یکتائی نتوان ستد . و این نفی صفات الهی در دل و قلب حاصل شود بعلم و قطع که آخرین و کاملترین مرحله یقین است معرفت ریشه و بن شجره دیانت است و چگونگی حصول باان توحید است یعنی کمال معرفت توحید است و کمال توحید نفی صفات از ذات اوست و کمال نفی ورود لجه احادیه است بعلم و قطع یعنی غرق شدن و استقرار در حالت و کیفیتی که هیچ چیز را مشخص و ممتاز برای ذات الهی نمی بیند که باو صفتی نسبت دهد و این مرحله (علم ، قطع ، وصل ، مشاهده) یک کیفیت روانی و نفسانی است که در انسان حاصل شود و او پدیده بصیرت و دل به بیند که متصل است باان مقام وجودیکه بمعنى هستی و کمال اوست و حقیقت این مراتب آیت واحده است .

معرفت ، توحید ، لجه احادیه - نفی صفات همه مراتبی هستند که یک حقیقت را حکایت کنند بعبارت دیگر اصطلاحاتی هستند برای بیان حقیقت که آن آیت واحده است . هدف انبیا نزدیک کردن مردم بتوحید یکی بوده اما بیان مطلب مقاوت است و بستگی باستعداد مردم داشته هرچند در گذشته بعض مردم بصیر کمال

شهید مجید جناب فرید در کلاسی، سخنرانی تحت عنوان فوق داشتند که اینجانب در سفر اخیر با امریکا نوار آنرا که هنوز تکثیر نشده بdst آوردم و اینک خلاصه ای از آنرا در اینجا میاورم . حسام نقائی



معرفت الهی عبارت از معرفت مظهر امر در هر دوریست و بdst آوردن این معرفت فرض و واجب است و در اینمورد تقلید کافی نیست یعنی با تقلید میتوان بمعرفت اجمالی رسید ولی برای رسیدن بمعرفت حقیقی و تبدیل آن بیقین باید تحقیق کرد . حضرت اعلی در (صحیفه اصول و فروع) میفرمایند : بدانکه اصل دین معرفت الله است و کمال معرفت توحید است و کمال توحید نفی صفات و الهیات از ذات مقدس او و کمال نفی ورود لجه احادیه است بعلم و قطع و مشاهده وصل ، وجود آن ، و حقیقت این مراتب آیت واحده است که باان عرفان و ایقان وجود حضرت رب العزه حاصل است .

این بیان مبارک اشاره بیکی از خطبه های حضرت علی است که میفرماید (کمال التوحید نفی الصفات عنه) . این توحیدی که منظور نظر و مورد توجه مردم است مترادف با تقدیس میباشد که در ضمن مناجات و اذکار بشر صفاتی را بذات حق نسبت داده و یا از او نفی مینماید مانند خلاقیت ، کرم ، لطف ، محبت و غیره اما برتر از آن یعنی کمال توحید نفی جمیع صفات است نه بلسان بلکه بحقیقت

موجودات بسوی کمال مطلق است همه این کائنات عواملی هستند که انسان کاملاً یعنی کسیکه به معرفت الهی رسیده باشد پیدا شود حتی عوامل مخالف زمینه حصول چنین مقصودی است .

خصوصیت معرفت آنستکه با نظر و فکر و توجه شخصی حاصل شود نه با تقلید و در ادیان دیگر نیز اصول دین تحقیقی است لازمه معرفت مجاهده و کوشش است و بر اثر کوشش در عارف موحد استقامت حاصل میشود .

استقامت - کسیکه عرفان را در نفس خود بعلم و قطع مشاهده کرد و خود را بی نیاز از معرفت دیگران دانست باستقامت رسیده است . کلمه استقامت در آثار مبارک زیاد بکار رفته شاید بعضی تصور کنند که معنی استقامت عبارت از مقاومت در برابر کسی است که با هفت تیر ما را به تبری از دیانت بهائی وادرد البته این امر درست است و یک مقام و رتبه از استقامت است اما استقامت در اعلی درجه آنستکه انسان در جستجو و مشاهده حقیقت بمقامی رسیده باشد که با نچه رسیده برایش ارزش داشته باشد .

افرادی هستند که معرفت را در پیشرفت امر و یا اعمال دیگران جستجو میکنند که البته باین مقام نرسیده اند بلکه در استقامت عمل و عرفان فردی موكول بعمل و ایمان شخص دیگر نیست و عبارت دیگر عمل و عرفان را از روی دست دیگران نباید دید و آنرا ملاک معرفت دانست استقامت در فکر خود ما است ذکر آمار و پیشرفت امراض الله بعلت ضعف عباد است بیان مبارک حضرت بهاء الله را باین مضمون باید مورد توجه قرار داد که اعراض من فی العالم نباید اثری در انسان داشته باشد .

دنباله بیان مبارک را مجدد مطالعه میکنیم اگر

توحید را فهمیده اند (مائدۀ بیان حضرت علی که در فوق اشاره شد) اما چون خطاب هر دیانتی با کثیریت مردم است از اینرو در بیان مطلب فرق میکند نه حقیقت و هدف مثلاً " حضرت محمد در توحید در مقام مادون انبیای دیگر نبود چون خطاب او بمردم ضعیف الایمان وضعیف العقل بود بیان صفات الهی نمود و حتی ایجاد واسطه بین مظہر و مظہر قائل شد تا بهتر بفهمند . علاوه بر بیان حضرت اعلی ساده ترین مطلب اولین آیه کتاب اقدس است ان اول ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره ... و در کلمات مکنونه است اصل کل العلوم هو عرفان الله جل جلاله .. و در لوحی دیگر میفرمایند (معلوم ان جناب بوده که لم یزل مقصود از آفرینش معرفت حق بوده و خواهد بود و این معرفت منوط بعرفان انفس عباد بوده که ببصر و قلب و فطرت خود حق را ادراک نمایند چه که تقلید کفایت ننماید چه در اقبال و چه در اعراض اگر باین رتبه اعلی فائز شوی بمنظور اکبر که مقام استقامت در مجاهده فی الله است و اصل خواهید شد) .

این نوع عرفان در عالیترین مرحله خود در عالم آفرینش ممکن است خیلی نادر باشد اما این کمبود دلیل برآن نیست که هدف آفرینش معرفت الله نباشد زیرا هدف باغبان در شجره عالم وجود ، تحصیل و بدست آوردن میوه عالی است که برای رسیدن بآن برگ ، شاخه ، ساقه ، ریشه و گل لازم است تازه فعالیت‌های زیادی باید انجام شود تا نزدیک باراده و هدف باغبان بشود بنابراین باغبان الهی که تخم درخت عالم خلقت را کاشت هدفش عالیترین نتیجه ئی است که باید از آن بدست آید و این نتیجه نهائی معرفت الله است و البته برگ و شاخه و ریشه درخت نیز در همان مسیر سیر میکند هرچند که همه بآن نمیرسند همچنین مسیر همه

پیشرفت در علوم و یا ترقی در زمینه های اقتصادی و غیره اما انبیای الهی عالم وجود را از دیدگاه وسیعتری می بینند و عالم انسانی را از نظر اجتماعی ، نفسانی ، دنیوی ، حیات جاودانی و غیره ملاحظه نموده و پرورش او را از این لحاظ برنامه ریزی میکنند نه صرفا از نظر اقتصادی و یا فرهنگی حتی انسانرا از این لحاظ که موجود جاویدان است و این را از دیدگاه وسیع (منظر اکبر) گویند در کتاب اقدس نازل "من ای افق ینادیکم هل علمتم ". آیا میدانید از چه دیدگاهی شما را ندا میکنند اگر میدانستید چه میکردید ؟ مثلًا مرتبی بشری انسانرا از نظر محدودی مورد بررسی قرار میدهد اما مظاهر الهیه بعالم وجود و عالم بشریت که خلاصه عالم وجود است از آن منظر اعلی و اکبر ناظرند و ما نیز باید با آن توجه کنیم . منظر اکبر استقامت در مجاهده فی الله است .

اگر شما در نماز بارض اقدس توجه میکنید منظور ظاهر روضه مبارکه و صالح ساختمان نیست بلکه باین علت است که این بنا آیتی است در عالم خاک که تربیت حق از جهان پاک باین نقطه از زمین مرتبط بود و اگر در روز ۹۵ بار تکبیر " الله الهی " میگوئیم مقصود ورزش زبان و یا توجه بحروف ان نیست بلکه از آنجهت که تربیت الهی تحت این عنوان بر عالمیان عرضه شده و از این آیات با آن حقیقت بی میبریم و در واقع دریچه و سبل و نشانهای است مانند پرچم ممالک که سبل ملتها و قابل احترام است . بیان مبارک (یوم الله است و کل ماسواه بر هستی و عظمت و اقتدار او گواه بعضی شناخته و گواهی داده و برخی گواهی میدهنند ولکن او را نشناخته اند شکی نبوده و نیست که کل در حقیقت اولیه بعرفان الله خلق شده اند من فاز بهذا المقام قد فاز بکل الغیر و این مقام

باين رتبه اعلى فائز شوي ببصر وقلب و فطرت خود حق را ادراك نمائيد و بمنظر اکبر که مقام استقامت در مجاهده فی الله است واصل خواهد شد .

و در لوحی دیگر میفرمایند بگوای عباد وصایای مظلوم را پشنوید اول هرامی و ذکری معرفت بوده اوست ممد کل و مربی کل و نیز در لوحی نازل بعد از خلق ممکنات و ایجاد موجودات بتجلی اسمی یا مختار انسانرا از بین امم و خلائق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلق کائنات بوده اختیار نمود چنانچه در حدیث قدسی مشهور مذکور است

منظور از حدیث قدسی این بیانست کنت کنزا مخفیاً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف .

خداؤند موجوداترا در مراتب مختلفه و بصورت کمالی افریده یعنی هر رتبه از موجودات برتر از مادران خود بوده و در هر رتبه متفوق صفات اضافی مقدّر شده تا رسیده است بانسان که اشرف مخلوقات ما قبل خود میباشد و عالیترین کیفیتی که در این انسان ممکن است پیدا شود عرفان است مانند هرم که زیر آن موجودات جامد بعد ذره بینی . نباتات ، حیوانات و بالاخره انسانها بالای هرم واقع و آنها هم مراثی دارند و نوک هرم که کمتر از همه آنهاست انسانی است که مرفت الهی را در قلب خود متجلّی نموده است .

منظر اکبر - در لوح مبارکی که در فوق بیان گردید به منظر اکبر اشاره شده و آن عبارت از ملاحظه عالم وجود از دیدگاه الهی و از ملکوت الهی است بدینمعنی که میتوان انسانرا از دیدگاههای مختلف مشاهده کرد مثلًا از لحاظ

سودا نه ثروت داشت و نه بیمارستانی تأسیس کرد ولی روح عرفان را که از مسیح گرفته بود بدیگران منتقل ساخت و تسلسل یافت و میلیارد ها مورد پیدا شد که اعمال افراد بر اساس مظہر امر مبتنی بود و خدمات و تأسیسات بنا کردند اعمال بدون عرفان هرچند با حسن نیت توأم باشد در حکم جسدیست لطیف ولی بیروح و این امر را با تجربه و مطالعه تاریخی توان فهمید که چگونه در ظل مظاهر الهیه چه اعمال و تمدنها ایجاد شد .

اعتذار

جناب دکتر شاهپور راسخ در نامه ای بعنوان هیئت تحریریه عندهای چند نکته در باره اشعار نفر " موهبت زیارت " که در شماره ۲۶ بهار ۱۳۶۷ صفحه ۳۳ - ۴۲ چاپ شده متذکر شده اند که ذیلاً توجه خوانندگان عزیز مجله عندهای را بقسمتی از مطالب مندرجہ در نامه ایشان جلب مینماید .

این قصیده ترکیبی است از سه قطعه که ۱۰ بیت اول مربوط به قبل از زیارت و شوق زیارت است - ۱۱ بیت بعدی مربوط بدوران زیارت و لذت زیارت است و ۱۰ بیت آخر آینده نگری است . در دست نوشته حقیر این سه قطعه با ستاره از هم تفکیک شده بود که متأسفانه در موقع ماشین نویسی مورد توجه قرار نگرفت . در صفحه ۳۳ سطر ۶ این جمله ثبت دفتر اندیشه من است صحیح است نه این جمله نیست .

در همان صفحه سطر ۱۵ روز بندگی آستان اوست اشتباها وست تایپ شده است "

اردوستان ارجمند ضمن اعتذار تقاضا دارد که طبق نظر ایشان اقدام بتصحیح اشعار فرمائید .

بسیار عظیم است بشانیکه اگر عظمت آن بتمامه ذکر شود اقلام امکانیه و اوراق ابداعیه کفايت ننماید و ذکر این مقام را بانتهی نرساند طوبی از برای نفسی که در يوم الله بعرفان مظہر امر و مطلع آیات و مشرق ظهورات الطافش فائز شد او است از مقدسین و مقربین و مخلصین اگر چه این مقام در خود او بشانی مستور باشد که خود او هم ملتفت نباشد .

در مفاوضات مبارک آمده " بدانکه این اعمال و رفتار و کفتار ممدوح است و مقبول و شرف عالم انسانی ولی مجرد این اعمال کفايت ننماید زیرا جسدیست در نهايت لطفت ولی بیروح . بلکه سبب حیات ابدیه و عزت سرمدیه و نورانیت کلیه و فوز و فلاح حقیقی اول عرفان الهی است و این معلوم است که معرفت حق بر هر عرفانی مقدم است و این اعظم منقبت عالم انسانی است زیرا در وجود معرفت اشیاء فوائد جسمانی بخشد و مدنیت صوری ترقی نماید اما عرفان الهی سبب ترقی و انجذاب روحانی و بصیرت حقیقی و علویت عالم انسانی و مدنیت ربانی و تعديل اخلاق و نورانیت وجودان گردد " .

در اینجا مراتب عرفانرا تعیین میفرمایند حتی معرفت حقایق اشیاء باعث ترقی صوری میشود اما فوق معرفتها معرفت الله است این بیان مبارک حتما در پاسخ سوالی است که فیالمثل شخص خیری خدماتی کرده تاسیساتی نموده اما عرفان نداشته است .

جواب فرموده اند که این اعمال ممدوح و مقبول است ولی کفايت نکند اگر مبتنی بر عرفان نباشد زیرا عمل باعرفان حقیقت ریشه داری است مثلاً پطرس حواری از عرفان الهی پر شد هیچ در او نبود نه

عبدالیبان گلشن توحید

از جناب فرموده مقبلین "الهام"

ایمانیم	شهریاران ملک	گرچه مابی نصیب دورانیم
فروزانیم	وزفروغ رخش	زنده از نفحه جمالقدم
رحمانیم	متوکل به ذات	متوسل به حضرت مقصود
اوج عرفانیم	شاهبازان	گلشن توحید عندلیبان
نزاد انسانیم	افخار	اشرف خلقت است آدم و ما
یزدانیم	دست پروردگان	نیست ما را زاهرمن باکی
وسامانیم	ماجهان راسریم	گرچه جز کینه نیست شیوه خصم
بارانیم	بر گل تشنہ فیض	مرهم تازه پیش خار جفا

شکوه از درد چون کنیم (الهام)

ما که بر درد خلق درماینم

شمع وفا

(از جناب بهاء الدین محمد عبدی)

با من بیا که سوی خدا میبرم ترا	ای دل مپرس اینکه کجا میبرم ترا
گریان بر آستان بها میبرم ترا	امشب بشوق کعبه وصل جمال عشق
پروانه وش به بزم لقا میبرم ترا	تا بوسه بر شراره شمع وفا زنم
در یک نفس بملک بقا میبرم ترا	از خاکدان عالم فانی بشرط صدق
همراه خود شهر سبا میبرم ترا	چون هد هد پیام سلیمان بباب شوق
آخر زیند کرده رها میبرم ترا	از این قفس که لانه طیر هوس بود
	وقتی که عبدي از غم هستی رها شود
	دانند اهل دل که کجا میبرم ترا

«از جناب دکتر سید احمد رادی مصطفی راد»

پیاو شکیدان محبت و وفا

محبّت همچون گل بیخار بگزار
محبّت در عالم انسان همه آثار
محبّت از پاده خمخانه دلدار
محبّت تا آنکه به منزل برسد بار
محبّت دیگر بود آن تا به ابد دار
محبّت چون هست عزیز دو جهان خوار
محبّت پر بار و شکوفان همه اشجار
محبّت میراث فدایاری و اثمار
محبّت تا بلکه کشد نور حق و نار
محبّت سودی نبرد هیچ ز کشtar
محبّت ثبت است بود چشمها اسرا ر محبت
از روز ازل پود وفا ، تار محبت
چون عبد بها عاشق و بیمار محبت

محبّت بودند شهیدان بها نار
ظاهر بدم خویش بهر گوشه نمودند
بودند همه سرخوش و سرمست و غزلخوان
جان و سر و دنیا همه دادند به عشقش
زینت شد اگر چوبه داری به شهیدی
انکوکه فدا شد برهش غرق بقا شد
باشد که شود عالم ما جنت ابھی
چون وحدت وصلاح است بائین بهائی
زان می کشد از اهل بها منکر امرش
اما بود این مهر فروزنده و خصمش
هر نقطه و حرفي که در این دفتر خلقت
هم بوده قماش همه عالم و آدم
ای ذره خوش آن بنده آزاده که باشد

عشق «از سرکار خامنی زرین تاج ثابت»

که جان خویش نمودی براه دوست فدا
چه خوش توگام نهادی به کوی عشق و وفا
گذشتی از سر عالم به عشق روی بها
بحیرت آمده از جان ثاریت اعدا
سپرده پیکر چون گل به تن باد قضا
گسست بند علاقه ، چشید زهر بلا
چه جلوه ای بچمن کرد آن گل حمرا
نمود نام بها را به خون خود امضاء

هدی خوشابحال تو ای راهی سبیل
اثير چو شاهباز نمودی هوای اوج
عزیز چه عاشقانه نمودی فدا تو جان
روشن چو اختران فلک روی تو بسی
توئی نبود ملک فنا جایگاه همچو
نهاد هرآنکه چون تو بفرق زمانه پای
چه نغمه ای بسرود آن فدائی ره عشق
سپرد قصه "زرین" ، زمانه در خاطر

بمناسبت شهادت "زرین مقیمی" و سایر همگامهایش در سبیل فدا سروده شده .

حرق کتب

همچنین مقدمه ابن خلدون (۴) و در کتب معتبر تاریخی مذکور شده است . این شدت عمل بالاشره بمرحله ای رسید که عمر خلیفه دوم و بعد از او بعضی از علمای اسلام حتی تعلم زبانهای دیگر غیر از عربی را نیز منع کرده و رواندانستند (۵)

در کتاب بیان فصلی (باب دهم از واحد چهارم) بعدم جواز تدریس و تدرس بعضی از مباحث تخصیص داده شده و اسمای آنها تحت عنوان " انشاء مالايسمن ولايغنى " ذکر شده و اشتغال با آن نهی گردیده است . متن فصل مزبور ما را باین نکته متذکر میدارد که مطالب مورد نظر (منطق - اصول - قواعد فقهی و حکمی - علم لغات غیر مستعمله) کلاً از مباحث لفظی است که از حرف ابتدا میشود و بحرف خاتمه می یابد .

فصل دیگری از این کتاب مبین (باب ششم از واحد ششم) بحکم محو کتب تخصیص یافته است نخست باید مفهوم کلمه محو را از خود کتاب بیان فرمید در همین باب میفرماید " گویا دیده میشود من يظهره الله می تویسد بكل کلمه شهادتین (اظهار ایمان بخدا و مظہر ظہور) را باسم خود و اوست جوهر کل دین که اگر بر نفسی نازل شود و فی الحین مؤمن باو نگردد آنچه در بیان مالک شده محو میگردد " .

از این آیه میتوان دریافت که محو و اثبات ایمان فرع رد و قبول امر جدید است و هر

بعضی نفوس که در معارف ادیان و سوابق تاریخ تحقیق بسزائی ننموده اند حکم حرق کتب را که در امر اعظم بهائی منسوخ شده است (۱) بکتاب بیان و حضرت نقطه اولی نسبت داده و آنرا دلیلی بر شدت رویه حضرتش دانسته اند . اگر چه در کتاب بیان مطلبی تحت عنوان " محو کتب " مذکور است اما حقیقت مفهوم آنرا باید از تعاریف و توضیحات نفس کتاب بیان تحصیل کرد و آنرا در محتوای تعالیم بیان بررسی و مطالعه نمود .

سابقه حرق کتب بصدر اسلام بر میگردد . در سال ۱۹ هجری در دوره خلیفه دوم عمر بن الخطاب هنگامی که مصر مفتوح لشکر اسلام گردید سپاه فاتح بکتابخانه های مصر دست یافت . عمر عاص حاکم و فاتح مصر در باره آنها از خلیفه کسب تکلیف کرد و مشارالیه حکم داد که کتب مزبور را نابود سازند زیرا هر حقیقتی در آنها باشد در قران هم وجود دارد و بهمین سبب بسیاری از آنها سوخته شد و اینکار سنتی برای آیندگان گردید .

ظاهرآ مبنای اجتهد عمر روایتی بدین مضمون است که پیغمبر اکرم یک روز ورقی از تورات در دست عمر دید و با حالت تغیر و بر افروختگی اظهار دلتگی فرمود که مگر من در برایر ید بیضای او (حضرت موسی) سخنان بیضا نیاورده ام و اگر موسی زنده بود بیقین جز از اتباع و پیروی از من چاره ای نداشت (۲) . این حدیث در کتب تفسیر (۳) و

هر ظهوری نظر کن ، در جائی که کتب منسوبه الى الله در نزد هر ظهوری حکم بر ارتقای آن شود چگونه است حکم کتب خلق که در نزد آن کتب شبحی است در مرات بالنسبه بشمس .^(۶)

با توجه به مندرجات این باب معلوم میشود که اساس مطلب مربوط بیوم ظهور من یظهره الله است و حضرت نقطه اولی از تبیین این نکته محو و ظهور موعود بیان منظور نظر داشته‌اند و بسیاری از مطالب کتاب بیان بر این مطلب گواه است و بالاخره این خود شاهد دیگری است که این حکم جنبه تکلیفی ندارد بلکه بیان یکی از مبادی عمومی ادیان است . محقق دانشمند جناب اشرف خاوری در کتاب نفیس اقداح الفلاح (۷) شرح مبسوطی در باره حکم محو کتب مرقوم داشته و معنی حقیقی آن را که نسخ است مبین و معلوم فرموده است.

با اینهمه چون اصطلاح محو در عرف عادی - هرجند خلاف مفهوم کتاب بیان باشد - - بمعنی نابود ساختن است ذکر حقائقی در این خصوص نیز مفید است . نخستین نکته اینکه در دور بیان روش حضرت نقطه اولی در این مورد ملاک و میزان اتم و اعظم است زیرا آثار حضرتش مملو از آیات مبارکه قرآنی ، احادیث و ادعیه ائمه اسلام و تفسیر و بیان حقیقت آن است و حتی در بعضی موارد باشعار عرقا و شعرای عرب و ایران بالحن قبول و عنایت اشتشهاد فرموده اند و این خود شاهدی بر عدم نزول حکم نابودی کتب ادیان است مطلبی که سوء تعبیر شده و تهمتی که ببیان وارد گردیده است .

نکته دیگری که حائز اهمیت است رویه انبیاء و رسول در ادوار گذشته است در ایام سابقه حکم امحاء و نابودی آداب و اصول قبلی همواره با

آنچه بامیزان که کلام من یظهره الله (مظہر حق در ظہور بعد) است مطابق نیاید بالطبعه محو و نابود شده و ارزشی را که در دوره قبل داشته بعلت عدم قبول ظہور بعد همه را از دست داده است . بنابراین محو نتیجه طبیعی و جبری عدم تطابق با مقتضیات زمان است نکته بیان مبارک اینست که محو حکم انسائی نیست امر افعالی است ، محو تکلیف نیست تقدیر است ، زیرا ناموس عالم وجود تحول و ترقی و ارتقاست و محو و اثبات از لوازم آنست . محو و تغییر و نسخ آنچه که دوران آن سپری شده و تجدید و اثبات و ابداع آنچه که در خور و لازمه دور بدیع و قرن جدید است لذا باید گفت که حکم محو مذکور در باب ششم از واحد ششم بیان فرضیه تکلیفی نیست تبیین قانون طبیعی است زیرا جز حقائق ثابتة روحانی و الهی همه ارزشها در معرض تحول و تکامل اند و فرهنگ و دانش بشری نیز که منشاء کتب و معارف است در رأس همه قرار دارد شاهد بر این نکته قسمتی دیگر از همین باب است .

• نظر کن ببین بشهادتین مسلم مسلم میگردد و حال آنکه همین شهادتین در زمان عیسی علیه السلام بود و امروز هست و چگونه حکم اسلام بر آنها نمی شود و همین قسم است در این ظهور و ظهور من یظهره الله . جائی که در مبدء ، امری که اسلام (بمفهوم کلی بمعنی دین الهی) بآن منعقد است در هر ظهوری این نوع بدیع گردد چگونه است در شئون مایقرع علیه آن ، از این جهت است که امر شده بر محو کل کتب الائمه در اثبات امرالله و دین او نوشته شود نظر کن از یوم آدم تا ظهور رسول الله در کتب سماویه اگر چه کل حق بوده و من عندالله ولی نزد ظهور فرقان کل مرفقع شد و حکم غیر حقیقت بر مؤمنین بآنها در فرقان نازل شد و همچنین در نزد

اشرف است ... طوبی از برای نفسی که در هر ظهوری مراد خدا را در آن ظهور بفهمد نه آنکه نظر بشوون قبل کرده و از او محتجب گردد (۸)

تحقیق و دقت در معارف متداوله مارا به نکته مهمی هدایت میکند و آن این حقیقت تلغی است که عموم ملل عالم باصلی معتقدند که از پایه خلاف حقیقت است و آن اعتقاد بانقطع فیض روح القدس و پایان عصر تجلی مظاهر الهی در بین بشریویا باصطلاح متداول خاتمیت است و همه مبانی اعتقاد و معارف ادیان بر این اساس قرار گرفته است . تنها همین یک اشتباه در درک حقائق کتب الهی کافی بود که راه هر گونه ترقی روحانی را سد نماید، همچنانکه نمود، و همین یک دلیل کافی است که تمام کتب و آثاری را که چنین فلسفه ای را که مخالف با قران و دیگر کتب آسمانی است اشاعه میدهد بی ارزش و اعتبار سازد . در حقیقت رمز حکم محظوظ فراموشی کتب در این مطلب نهفته بود . گرچه این اشتباه را باید نتیجه اشتباه در شناسائی باریتعالی و فهم مقام و هدف پیغمبران داشت یعنی دو موضوع مهمی که پایه همه اعتقادات روحانی و ایمانی انسان است پس باواقع همه کتب علم کلام ، مجموعه ای از عقائد و افکاری بود که در یوم ظهور بمحک حقیقت بی اعتبار شد . حضرت نقطه اولی مطلب را چنین بیان فرموده "شخص عالم از اول عمر تا آخر عمر تعجب میکشد که یک حکم مطابق رضای خدا بفهمد و عمل کند پانصد هزار بیت در علم فقه و اصول انشاء می کند از برای فهم احادیث آل محمد صلی الله علیه وآلہ و بعد از آنکه حجت با حجت بالغه ظاهر میگردد مبلغ ایمان خود را پست تر میکند از مبلغ بعد اول " (۹)

و در مقامی دیگر میفرمایند : کروز کروز از

شدت اجرا شده است . در ابتدای این مقال از خطاب حضرت پیغمبر بعمرین الخطاب در باره تورات اشاره‌ای شد . بی تردید بر گفتار صاحب امر الهی اعتراض جائز نمیباشد اگرچه در این مورد معلوم نیست تفسیر و استنباط اجرا کنندگان تا چه حد منظور نظر رسول اکرم بوده زیرا متن حدیث متضمن امر و دستوری نیست ولی علمای اسلام جزئی بزرگ از کتب تفسیر را بذکر و توضیح این نکته اختصاص داده اند که علت نزول آیاتی از قبیل "قالت اليهود يدالله مغلولة غلت ایدیهم " اعتراضات یهود بر قران و رسالت حضرت پیغمبر بوده و بهمین سبب بوده که از عز قبیل معروف مانده مورد عتاب شده اند . بالاخره تاریخ حکایت میکند که حضرت پیغمبر اکرم حکم بمحو معلقات سبعه ، بتان کعبه و بسیاری از آداب و رسوم عهد جاهلی فرمود .

آنچه که فی الحقیقہ عاری از حقیقت و اساس باشد ولی فکر و فرهنگ جامعه ای را بخود مشغول دارد و آنان را از درک مقتضیات عصر محروم سازد هر چند کتب و آثار مقبوله عمومی باشد در مقام بی نصیبی از حقیقت با اصنام بی جان کعبه نشین فرقی ندارد و این سرّحکم محظوظ است که جز خرافات و اوهام و تصورات بی پایه چیزی نداشت و فاضل اشراق خاوری بشواهدی از آن در ذیل بحث محظوظ است و اشاره و استشهاد فرموده است و اگر بانصف و بی نظری توجه شود چنانچه اشاره شد محمد رسول الله جل ثنائه نیز بشهادت تاریخ همچنین فرموده است .

پیش از این مذکور شد که خصوصیت و سرشت فرهنگ انسانی این است که معیارها و ارزشها همواره تجدید و تغییر پذیرد و مراحل کمال ادامه و استمرار یابد در این باره حضرت نقطه اولی میفرمایند : در هر ظهور بعدی ظهور الله

این علوم و حال انکه کلام او ظاهر و مراد او باهر است (۱۱)

نیکو درجه ایست درجه علم ، اگر علم بمن يظره الله و رضای او باشد والا بدترین درجات است عند الله و عند كل شئ که اگر يک کلمه نمیدانست بهتر بود از برای او تا انکه علم بکلشئی داشته باشد و علم بمن يظره الله تداشته باشد که كل شئ با مر او

لباس شیئت را می پوشند (۱۲)

کمال دقّت نموده که بعد از ظهور نوشته نشود الا آثار آن شمس حقیقت (من يظره الله) که نوشتن يک حرف از ان اعظم قر است از نوشتن بیان و انجه در ظل آن نوشته شده (۱۳)

واگر کسی يک آیه از ایات او را نویسد بهتر است از اینکه کل بیان و کتبی که در بیان انشاء شده نویسد زیرا که کل مرتفع میگردد و آن میماند تا ظهور دیگر . در آن ظهور اگر يک حرف از آن ظهور را کسی نویسد با ایمان با و ثواب آن اعظم تراست از آنکه کل آثار حقیقت را از قبل و آنچه در ظل او انشاء شده نویسد (۱۴)

زيارت این آثار متعالیه شاهدی گویاست که حکم محو کتب نه بمفهومی است که عقول محدوده آنرا می پسند بلکه تبیین يکی از مباحث اساسی تعالیم الهی در همه ادوار و ازمنه است .

حضرت نقطه اولی در بیان عربی واحد نهم میفرمایند ثم الثالث من بعد العشر انتم ابدا كتاباً لا تحررون که اگر کلمه اخیر را نظر برسم الخط متداول (بدون نقطه و امکان تصحیف) بالفاظ مختلف بخوانیم ممکن است آنرا لاتحررون از ریشه حرق بمعنی سوزاندن - لا تحررون از ریشه خرق بمعنی دریدن و پاره کردن و لاتحررون از مصدر تحریف بمفهوم تبدیل و تغییر معانی و

حکما در معرفت الله هزاران هزار کتاب نوشته ولی اگر ناظر بودند که ثنای کی را مینویسند و بر کجا وارد میاید و از کجا مشرق شده و در ظل چه ظهوری مستقر میگردد هر آینه در یوم قیامت نفع می بخشید ایشان را این است که در یوم قیامت کل عرفانها اگر شهد شود ثمر می بخشد و الا در هوای فواد آن نفس باقی میماند (۱۰)

این دو بیان مبارک نمونه از شواهد فراوان بر بی اعتباری کتب و آثاری است که معارف عصر ظهور را تشکیل میداد.

جا داشت که از این مطالب شواهدی عرضه شود اما چون روش اهل بها پرهیز از عیجوبی و نکته گیری است از استشهاد بمدرجات کتبی از تالیفات علمای مشهور که عمر عزیز و استعداد موهوبی را صرف تالیفات بی حاصل نموده اند خودداری شد ولی صاحبینظران با مطالعه و تحقیق در کتاب و مؤلفات قرون اخیر علمای اسلام باین نکته توجه خواهند فرمود که چگونه اشتغال بعلوم لایسنن و لایغنی و انکار اصل اساسی عدم انقطاع فیض الهی آثاری باقی گذاشته که در عصر علم و فرهنگ مایه بدبانی و ننگ است .

در خاتمه بآیاتی از بیان در باره ظهور من يظره الله موعود استشهاد میشود تا معلوم طالبان حقیقت و صاحبان انصاف شود که حضرت نقطه اولی در باره هدف علم و علت محو کتب چه وسعت نظر و عظمت اندیشه ای بعالی انسانی عطا کرده و چه سعه صدری برای انسان آرزو فرموده است .

واشر مردم در نزد ظهور من يظره الله انهائی هستند که خود را بعلم معزز گرفته اند و حال آنکه اینقدر تعلق نمیکنند که علم ایشان از برای فهم کلمات او بوده از قبل و در حین ظهور او چه احتیاج بتعلم

توضیح :

نظر باینکه اخیراً بعضی از معاندان امرالله قلم و لساناً اعتراضات و ایراداتی بر امر مبارک وارد نموده اند لذا بلحاظ تشحیذ ذهن یاران و تنویر افکار طالبان حقیقت و افراد منصف ، مجله عنديب در نظر دارد مقالات و لوايحي در رد شبهات مريبيين و ايرادات مغرضين منتشر نماید و حقائق امریه را در مباحث مورد گفتگو روشن سازد .

قبل از اقدام باین امر از برخی از ارباب قلم و دانشمندان بهائي با ارسال صورتی از ايرادات صاحبان غرض تقاضا شد در صورت تمایل با ما همکاری فرمایند خوشبختانه جوابهای واصله قریب با تفااق مثبت بود و تا حال چند نفر از این نفوس نفیسه نتایج تحقیقات خود را نگاشته و فرستاده اند که از لطفشان ممنونیم و منتظر وصول آثار قلمی سائر دوستان که وعده داده اند میباشیم .

مقالاتی که در بالا بعنوان " حرق کتب " درج شده جواب یکی از ایرادات مخالفان و دشمنان است که البته مورد امعان نظر دوستان قرار خواهد گرفت .

در اینجا از سائر یاران و ارباب قلم تقاضا میشود هرگاه مایل بشرکت در این قسمت از برنامه عنديب باشند مراتب را با نظرات خود مرقوم دارند تا با آنان نیز مکاتبه شود .

مطلوبی که ذکر ش حائز اهمیت است آنکه در امر مبارک ایرادات مغرضین و ردیه های مريبيين همواره سبب اعلاء امر و انتشار شریعت الله بوده و هیچگاه نتوانسته اند زیانی وارد سازند و این امری است که در آثار مبارکه نیز تصریح گردیده .

با تقدیم تحيّات بهائی- عنديب

مفاهیم بدانیم و در همه حال از نهی حکایت میکند و نا گفته معلوم است که این آیه صراحتاً مخالف هر گونه عملی برای محظوظ یا از بین بردن کتب و نوشته هاست .

ماخذ و یاداشت ها

۱- حضرت بهاءالله در لوح دنیا
۲- بیان این واقعه در متون مختلف با جزئی تفاوت‌هایی وارد شده است یکی از روایات بشرح زیر است : رُوی جابر بن عبد الله، أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَنَا نَسْمَعُ أَهَادِيثَ الْيَهُودَ فَتَعَجَّبَنَا، أَفْتَرَى إِنْ تَكَبَّ بَعْضُهَا، فَقَالَ أَمْتَهُو كَوْنُ أَنْتُمْ كَمَا تَهْوَكُتُ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى لَقَدْ جَئْتُكُمْ بِهَا بِبَيْضَاءِ نَفْيِهِ وَ لَوْكَانَ مُوسَى حَيَا مَا وَسَعَهُ إِلَّا اتَّبَاعِي .

تهوک بمعنى نسبجیده گوئی است .

۳- کشف الاسرار وعدة الابرار جلد اول تفسیر بقره ذیل آیه ۲۰۸
۴- مقدمه ابن خلدون فصل ۴ از باب ۶ کتاب اول

۵- مقدمه ابن خلدون فصل ۲۲ . باب ۴ .
کتاب اول

۶- در قران مجید نیز محظوظ بمعنى نسخ آمده است در سوره رعد (۱۳) آیه ۳۹ میفرماید يمحوالله مايشاء ويثبت و عندهام الكتاب . در كتاب مبارک عهد از حضرت بهاء الله در باره منع از جدال و نزاع است هذا امرالله في هذا الظهور الاعظم و عصمه من حكم المحظوظ و زينته بطراف الاثبات انه هو العليم الحكيم .

۷- اقداح الفلاح - جلد دوم (۱۳۲ بدیع)
ص ۴۲ - ۳۷

- ۸- بیان واحد چهارم باب ۱۲
- ۹- رساله دلائل سبعه
- ۱۰- بیان واحد هفتم باب ۱۹
- ۱۱- بیان واحد چهارم باب ۱۰
- ۱۲- بیان واحد نهم باب ۳
- ۱۳- بیان واحد هفتم باب اول
- ۱۴- بیان واحد هفتم باب ۱۳

مواضیعی از کلمات مبارکه مکنونه عربی

لایترک کله میفرماید . اقرؤا الایات لتعز فواما هومقصود . و در این آیه مبارکه که خطاب بعموم است هر خواننده را بپشارات نسبی بودن عرفان مقصود مستبیش فرموده اند . این بحر اعظم در یک سطل و کاسه نمی گنجد ولی دلیل آن نیست که کاسه و قدری که دست داریم از آن آب حیات لبریز ننمائیم و تشنگی روح را که بهمان اندازه کاسه استعداد ماست رفع نسازیم . حضرت مولی الوری روح مساواه فدا بجناب قابل آباده ای میفرمایند : ، ای جناب قابل باید کلمات مکنونه فارسی و عربی لیلاً و نهاراً قرائت نمائیم و تضرع و زاری کنیم تا بموجب این نصایح الهی عمل نمائیم . این کلمات مقدسه بجهت عمل نازل شده نه بجهت استماع ،

کلمات مکنونه مبارکه عربی

کلمات مبارکه مکنونه عربی مجموعا ۷۳ آیه میباشد . قبل از شروع مطلب برای آمادگی اذهان بصورت مقدمه چند کلمه عرض میشود و آن اینست هر انسان عاقلی ناگزیر این اندیشه برایش میآید . ابتدایم از کجاست ؟ ! در این بیابان حسرت و حیرت و صحرای بی انتهای بظاهر هستی و محکوم بفنا چند صباحی سرگردانم و بعد بکجا خواهم رفت چه باید بکنم و برای این راه مجھولی که در پیش دارم چه وسائلی و چه زاد و توشه لازم دارم ؟ این مسلم است که آمدند و رفتند ، آمدیم و میرویم میآیند و

کلمات مبارکه مکنونه از آثار نفیسه ایست که در ایام توقف جمال قدم جل ذکره الاعظم در بغداد نازل و تاریخ نزول آن ۵ سال قبل از اظهار امر علنی مبارک در باغ نجیب پاشا و یا عبارت دیگر در سنه ۱۴ بدیع بوده . حضرت عبدالبهاء بخط مبارک خود مرقوم داشته اند : این کلمات مکنونه ولثالی مخزونه که از قلم حضرت بهاء الله صادر در بغداد در سنه ۱۲۲۴ هجری نازل شده ، و نیز حضرت بهاء الله خطاب بجناب زین المقربین میفرمایند : در کلمات مکنونه ذکر نموده بودید بعضی از آن در یک لوح مّة واحدة نازل ولیکن در بعضی احيان فقرات دیگر نازل شده بعضی کل را جمع نموده اند و بعضی متفرق است اگر جمع شود احسن بوده عند الله ربک و رب العالمین ، در باره کلمات مبارکه مکنونه بعضی اظهار میدارند که چون ادراک معانی کلی آن ممکن نیست پس نباید تفسیر و یا تشریحی نمود . این واضح است که آنچه از سماء مشیت الهی نازل محض فضل و رحمت نسبت بیندگان و بمنظور اکمال و بلوغ بشر و کسب کمالات او نازل می شود و مراد آنست که هر کس بقدر فهمش مدعای را درک نماید نه آنکه آنرا بصرف آنکه چون بشر از ادراک معانیش عاجز است نخواند و نداند . بلی آنقدر معانی این کلمات بلند است که تا سر حد ظهور آینده و بشارات با آن امتداد یافته ولی مسلماً هر کس هر چه را بخواند و ادراک کند برای او کفایت است و ملاایدرک کله

و اعصار گوشهای ازین پرده اسرار را بر میداشته اند . آنها هستند که به بشر تفہیم نموده اند که مقصد از حیات خور و خواب و شهوت نیست بلکه گوهر روح در مدت معین و کوتاهی بوسیله این جسد جسمانی کسب کمالات روحانی مینماید و قابلیت ورود در جهان دیگر می یابد .

چون گوهر جان در صدف تن پیوست
از آب حیات صورت هستی بست
گوهر چو تمام شد صدف را بشکست

بر طرف کله گوش سلطان به نشست

این هیکل جسمانی برای آنست که این گوهر را در صدف خویش پرورش دهد نه آنکه از وجود و تربیت آن غافل ماند .

پس بعد از این مقدمه افهام ما متوجه این موضوع میشود که ما برای این دنیا و مشغول شدن باین زندگانی وقت و فانی و خوشحال شدن و دل بستن بتظاهرات فریبینده آن خلق نشده ایم ، بلکه مقصد خداوند از خلق ما بسی عظیم تر و قابلیت و استعدادی که بما عنایت شده بسی عالیتر از آنست که باین امورات ظاهری و شئونات جسمانی دل بندیم و خویش را از وصول بملکوتی محروم سازیم . پس تنها هادی و رهبر ما کلمات انبیاست . این کلمات مبارکه مکنونه بفرموده حق جواهر تمام کلمات الهیه است که با نبیاء قبل از جبروت عزت نازل شده .

این فضل برای آنست که نیکو کاران بعد خود وفا کنند و امانات الهیه را در نفوس خود بپردازنند و در ارض روح باجوهر تقوی محشور شوند .

میروند قاله سalar این مسافرین کیست و مراد و غایت مطلوب این مسافرت چیست ؟ این سوالاتی است که برای همه کس پیش میآید . فلاسفه ، عرقا ، شعراء ، علماء هریک در هر عالمی از عالم که بوده اند حیرت و عدم ادراک خود را از حل این معماه غامض حیات بزبانی و شرحی و شعری و نثری بیان و اظهار داشته اند برخی بشادمانی و میگساری دعوت بعضی بترك علاق و نا امیدی صرف پرداخته برخی به بی هودگی و بیمعنائی جهانرا متهم و بالاخره عده ای حیرت خود را بیان داشته اند سعدی در مقام حیرت میگوید :

اجزای پیاله چون بهم در پیوست
 بشکستن آن روانمی دارد مست
 با این سروچشم و هوش و گوش و تن و دست
 از بھر چه ساخت او و در هم بشکست

خیام گوید :
 چون عمر بسر رسد چه بغداد و چه بلخ
 پیمانه چو پر شود چه شیرین و چه تلخ
 خوش باش که بعد از من و تو ماه بسی
 از سلخ بغره آید و از غره بسلخ

دیگری گوید :
 ما ز آغاز و زانجام جهان بی خبریم
 اول و آخر این کنه کتاب افتاده است

پس تنها مجلائیکه برای بشر موجود و حل این مشکل را میکند انبیای الهی هستند که از دیر زمانی باندازه فهم و استعداد بشر در طی قرون

منتی اهل امکان ازین فیض بی پایان و ابواب جهان لامکان محجوب و محروم میماند پس این فضل را باید قدر بدانیم و بگوئیم و هذا من فضل ربی الابهی ان ربی غفور رحیم . ثالثاً : کیست که در عالم بتواند چنین ادعائی بنماید و خلاصه آنچه را که بر انبیاء نازل شده بتواند بیان فرماید . مگر آنکه خود منزل کتب و مرسل رسول باشد و اینست سر آن بیان که امیر مومنان در خطبه فرمود ، ، فتو قعوا ظهور مکلم موسی من الشجر علی الطور ، ، البته در این بیان مراد از شجره شجره وجود یا هیکل عنصری انسانی و مراد از طور طور عقل و مکلم موسی جمال القدم جل شانه الاعظم است که بهیکل ظاهری و انسانی در بین بشر میعوشت گردیدند . اما مسئله امانت را که در نفوس خود باید بپردازیم لسان عظمت در لوحی که در ص ۱۹ اثار قلم اعلی جلد ۱ میتوان آنرا زیارت نمود میفرماید : ، ، انا مامتنعا شيئاً عن فضل قد خلقنا الاشیاء علی حذ سوء و عرضنا علیها امانة حبنا بكلمة من لدننا فمن حمل انجی و امن و کان من الذیهم من فزع الیوم آمنون و من اعرض کفر با لله المیمن القيوم و بها فرقنا بین العباد و فضلنا بینهم انا نحن فاصلون ، ، پس مقصود از امانت الهیه یعنی محبت بمظہر ظهور است . حال بدین ترتیب دانستیم که کلمات مبارکه مکنونه فهرست کتابها و کلماتی است که طی چند هزار سال از جبروت عزت نازل شده و بتدریج توسط انبیاء نظام در دسترس بشر قرار گرفته و کمالات انسانیه و مواهب رحمانیه و نجاح و فلاح در جمیع عوالم الهیه باان متعلق و منوطست .

با وجودیکه معضلات مشابهاترا در لباس عباراتی بس لطیف توضیح و بیان میفرمایند ولی اصولا از کثرت اعتلی معانی و سهل و ممتنع بودن حقائق مشروخه آنست که بنام کلمات مکنونه تسمیه فرموده اند .

پس اولاً : عصاره زبور ، تورات ، انجیل ، قرآن ، بیان در این کلمات مبارکه مکنونه است و معنی یوم یطوف السماء کطی السجل که از اشراط قیامت است در آن تحقق یافته و همچنین آیه مبارکه السموات مطوبات بیمینه یوم القيمة مصادقش پدیدار گشته و خود بنفسه الحق شهادت داد . لیو قن الکل بان سموات العلم مطوبات بیمینه و ارض الحکمة منجعله باذنه و کل من بداع علمه یستعلمون .

زیرا معنی آسمان ، آسمان ادیان است و با این ترتیب تمام آسمان ها در این سجل الهی پیچیده و مختصر گردیده و در یمین قدرت او مشبود است . بطوریکه اگر شخصی باحکام و اوامر و دستورات شرایع قبل عمل ننماید ولی همین کلمات مبارکه مکنونه و دستورات مقدسه آنرا عمل کند حیاتش طیبه و از کأس رضا مرزوق و از ثمره و شجره که از هزاران سال قبل بددست مبارک انبیا غرس شده و بانواع آلام و محن در طی قرون و اعصار و احکام و ادوار متادیه تربیت یافته و بدماء مطیّر شهیدان سقايه گشته برخوردار می شود .

ثانیاً : فضلى است بر نیکو کاران زیرا اگر این کلمات دریات نازل نمی شد احبابی الهی از شناختن و دانستن طرق وصول بااعلی مراتی کمال محروم میمانند و برای اینکه باان برسند ناگزیر از کسب معلومات و کشف طرقی بودند که با مشاکل زیاد و صرف وقت فراوانی باید آنرا بیابند . حال آن طرق و مراحل را جمال مبارک بیان فرموده و راهنمائی نموده اند پس چه فضلى از این بزرگتر میتوان تصور کرد که ناطلبیده مطلوب را نشان داده و نا دویده و اتعاب طلب نچشیده بسر منزل مقصود هدایت میفرمایند . زیرا اگر نمیفرمودند و بیان نمیداشتند نقصی بر آن جوهر وجود وارد نبود .

عصر مومن شود دارای روح ابدی است و زنده نامیده میشود و هر کس که از فیض ایمان بی بهره ماند یعنی ایمان نیاورد مرده محسوب میگردد . پس خطاب این آیه مبارکه به آنسته از مردمانی است که بحق ایمان آورده و فی الحقيقة تولد ثانوی یافته اند . و اینکه یا این الروح یا پسر روح بیان شده بحسب اصطلاحات کتب مقدسه میباشد مثلاً در تورات مومنین پسر خدا خوانده شده و در مزمیر داود استکه میفرماید (خدا بمن فرمود ای داود تو پسر من هستی و من امروز ترا تولید نمودم) و در انجلیل یوحنا مومنین به مسیح فرزندان خدا نامیده و همه این خطاب ها ناشی از کثرت محبت خدا پخلق است و مقصود از آن خلقت و ایجاد روحانی است که در عالم اسماء باین اصطلاحات تسمیه گردیده والا مسلم استکه آنذات غیب حتی در جبروت صفاتش منزه از این اذکار بوده ولم یلد ولم یولد بوده و خواهد بود . پس چنین معنی میشود که ای مومن در اول قول مالک قلبی پاک و خوب و نورانی شو قلب مراد این عضله متعرک در سینه نیست . اگر هیکل روحانی یا باصطلاح شیخ احمد احسائی هیکل حور قلیائی را بهیکل ظاهری شبیه نمائیم مراد از قلب، قلب آن هیکل روحانی انسانی است . و مقصود از پاکی را در کتاب مستطاب ایقان چنین میفرمایند ،، قلب را که محل ظهور و بروز تجلی اسرار غیبی الهی است از جمیع غبارات تیره علوم اکتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاک و منزه فرماید و دل را از علاقه آب و کل یعنی از جمیع نقوش شبیه و صور ظلیه مقدس گرداند بقسمی که اثار حتب و بعض در قلب نمایند ،،

و این مرحله ثانی یعنی خوبی قلب است اما مرحله ثالث منیر بودن آن یعنی بنورانیت الهی که از علوم و معارف ربانی و محبت بمظیر ظهور است چون نورانی شود مالک چنین قلبی صاحب

اولاً : از لحاظ علم الاداب و الاخلاق پایه و اصول ادب و اخلاق الهی که همان میزان ادب و اخلاق بهائی و بالآخره کافل سعادت عالم انسانی است می باشد .

ثانیاً : از نظر علم الاجتماع آنچه لازمه معاشرت و مراعات عدالت اجتماعی و روابط بین طبقات مختلفه بشری است بیان گردیده .

ثالثاً : از نظر عرفان واضحأ صریحاً معانی عظیمه ای را تشریح و طرق اصلی آن و حتی کیفیت عرفان و غایت قصوای اهل امکان بیان گردیده .

رابعاً : از نظر سیر و سلوک اهداف عالیه و طرق جميله وصول به مقامات قرب معنوی تشریح شده .

خامساً : از نظر کشف و شهود الهام و علوم لدنی و کیفیت تقابل قلب با انوار آسمانی و اقتیاس قوای روحانی و اطمینان حقیقی و استمدادات از عوالم الهی بصورت بسیار ملائم و لطفی خاص تبیین گردیده .

و اینک بقدر وسع در این مواضع تبع میشود . نخستین فقره این آیه مبارکه است .

يا ابن الروح في اول القول املک قلباً جيداً حستناً منيراً لتملك ملكاً دائمًا باقياً ازلاً قدیماً . در این آیه مبارکه مطالبی که باید تشریح شود روح قلب و کیفیت پاکی آن است همه دوستان عزیز در کتاب مستطاب مفاضات ملاحظه فرموده و میدانند که مجرد روح ایمانی است که بقای واقعی و حیات ابدی باوبسته است و هر پسریکه از فیوضات روح القدس برخوردار شد دارای این روح ایمانی میگردد و باصطلاح کتب مقدسه هر کس بانبیاء

این تلویزیون تصور فرمائید که اگر پاک و مقدس و نورانی شود صور ملأه اعلی در آن فتد ملک باقی و ملکوت جاودانی نمودار شود ارتباط با جهان رحمانی حاصل گردد و بفرموده مبارک عالم لامکان بعالمن امکان نزدیک شود . در فقره ثانیه میفرماید : يا ابن الروح احب الاشياء عندی الانصاف لاترغب عنه ان تكون الى راغباً و لاتغفل منه لتكون لى امنياً و انت توفق بذلك آن تشاهد الاشياء بعينك لابعين العباد و تعرفها بمعرفتك لابمعرفة احدفي البلاد الخ . . . ودر لوح رؤس میفرماید :

رأس كل ما ذكرناه لك هو الانصاف وهو خروج العبد عن الوهم والتقليل والتفريح في مظاهر الصنع بنظر التوحيد والمشاهدة فيكل الامور بالبصر الحديد . و در حدیث است که گفته اند الانصاف نصف الايمان و در یکی از الواح جمال القدم جل سلطانه میفرمایند : عدل و انصاف دو حارستند از برای حفظ عباد و در لوح دیگر میفرمایند : لانسان الابالانصاف و در همین مرحله است که پرديده دل ابواب معرفت گشوده میشود و حجبات تقلييد و تقبييد بنار طلب ميسوزد و جام جهان بين بر دیده باطن نمودار می گردد

بعقول حافظ :

سالها دل طلب جام جم از ما میکرد
آنچه خود داشت زیگانه تمّنا میکرد

مشکل خود بپر پیر معان بردم دوش
که بتدبیر نظر حل معما میکرد
دیدمش خرم و خندان قبح پاده بدست
وندر آن آینه صد گونه تماشا میکرد

ملکی دائمی باقی بی ابتدا و بی انتهی خواهد بود زیرا چون آینه مصفی در برابر شمس جمال پروردگار است و آنچه در آسمان بقا و رفعت درخششند و تابان است در این مرآت صافی نیز متجلی و نمایان می باشد اینستکه گفته اند :

آينه کز زنگ الايش جدادست
پس شعاع فيض و انوار خدادست
روتو زنگار از دل خود پاک کن
بعد از آن آن نور را ادراک کن

و در مناجاتی که از فم گهر بار مرکز میثاق صادر باین عبارات عالیات منتهی .

”ای رحمن ای رحیم دلی چون مرآت لطیف صافی عطا کن تا بانوار محبت روشن و منیر گردد و بالهامت روحانیه و معنویه ملهم فرما تا عالم وجود را چون بهشت پرین نماید“.

در این مورد دو مثل بعرض یاران عزیز میرسد که اگر دقت فرمائید باهمیت این آیه مبارکه واقف میشویم . مثل اول - اگر آئینه محدبی در دست بگیریم با وجودیکه سطح آینه از چند سانتیمتر مربع متجاوز نیست ولی ملاحظه خواهید فرمود که در آینه صوری منعکس میشود که از فضای بسیار وسیعی حکایت نموده و هرگز با آن سطح آینه کوچک قابل مقایسه نمی باشد .

مثال دوم - اگر یک تلویزیونی در اختیار ما باشد چون روشن کنیم فضا و عالم و مناظری و اصواتی در آن نمودار و آشکار میشود که بحسب ظاهر معدوم و مفقودند و چون سطح موج آنرا عوض کنیم باز عالمی جدید تر نمودار میشود حال قلب و صفحه آنرا چون آن آئینه یا

یا ابن انسان احبت خلق فخلقتک فاحبینی کی اذکرک و فی روح الحیة اثبتك . در این آیه مبارکه میفرماید که ترا دوست داشتم خلقت کردم . یعنی علت آفرینش ممکنات حب بوده مرا دوست بدار تا ترا یاد کنم و در روح حیات ثابت نمایم یعنی شرط اصلی آنست که باید او را دوست بداریم تا در ملکوت باقی بمانیم و حیات ابدیه بیا بیم .

در مورد محبت در آثار الپیه تاکیدات بسیار است از جمله حضرت عبدالبهاء روح ماسوّعه فداء میفرماید :

محبت نوراست در هر خانه بتا بد و راجع بمحيط آنقدر تاکیدات مبارکه را در الواح و آثار خوانده ایم که از کثرت زیاد شنیدن تا ذکر آن بیان میآید میگوئیم این را که میدانیم و اهمیتش واضح است و از کثرت بساطت تصور میکنیم تمام شئون محبت را دارا میباشیم اما یاران عزیز حقیقتاً باید بی بعظامت این کلمه بلند اعلیٰ وصفت مقدسه علیاً ببریم زیرا که اصل خلقت متكی بآن است . حضرت بهاء الله در لوح ورقای شهید میفرماید : محبت کارهای عجیبیه و عظیمه دارد .

نیت خالص و عمل و ظهورات انقطاع و شئونات آن کل از این مصدر است .

حال اگر محبت را بدرختی تشبیه کنیم باید میوه های آن نیت خالص و عمل خالص و ظهورات انقطاع و شئونات انقطاع باشد البته هر یک از این کلمات خود دنیائی در پی دارد مثلاً ملاحظه فرمائید که حضرت عبدالبهاء میفرمایند : سعادت در علم است ، علم در تقوی ، تقوی در انقطاع . پس اگر یکی از نتایج همین انقطاعی که خود از محبت حاصل میشود بنظر گیریم منتهی بسعادت واقعی میشود .

گفتش جام جهان بین بتو کی داد حکیم

گفت آنروز که این گنبد مینا میکرد

و در آیه بعد میفرماید : یا بن انسان کنت فی قِدْم ذاتی و اَرْلَیَّة کنیوتی عرفت حبی فیک فخلقتک و القیت علیک مثالی و اظهرت لک جمالی . و در این آیه مبارکه مراد از انسان انسان کامل و مقصود انبیاء هستند و این انسان همان مومنین هستند که ازین مظاهر رحمن متولد شده یعنی تولد ایمانی یافته اند .

پس خطاب بمومنین میفرمایند : در ذات قدیم بی ابتدایم بودم دوست داشتم و خلق کردم ترا ومثال خود را برابر تو القاء کردم یعنی ترا بصورت و مثل خود آفریدم و جمال خودم را برای تو ظاهر کردم این اشاره لطیفه چقدر زیباست در انجیل است که میفرماید لتعملن انساناً علی صورتنا و مثالنا . در مقامی مراد آنست که خداوند مردمانرا بصورت مظاهر رحمن خلق نموده بعدها برای هدایت خلق خود در آن مرایای احادیه تجلی فرمود .

چنانچه حضرت محمد هم میفرماید : انا بشر مثلکم یوحّی إلّی . پس خدا ابتدا بشر را خلق فرمود و سپس صورت ظاهر انبیاء را مانند بشر آفرید و آنان را مظہر جمال خود قرار فرمود یعنی جمال خود را بعالیان نمودار ساخت . و در مقامی حضرت اعلیٰ در مقام مظہریت و در علوٰ ذات خود بودند در وقت اظهار امر پیکفردی که قابلیت قبول فیوضات را داشت یعنی باب الباب را خلق و باو القاء کلمه نمودند . و جمالقدم در علوٰ ذات خود مخفی از انظار بودند بشخص قابلی که لایق تجلی بود یعنی حضرت عبدالبهاء تجلی فرمودند . حضرت محمد حضرت علی را پیدا کرد و قس علی ذلک . در آیه بعد میفرماید :

اصلًا اکثر از ما در مقابل محبت و خدمتی که بدیگران میکنیم منتظر تلافی هستیم و اگر خدای نا کرده طبق دلخواهمان قدر دانی یا تلافی از طرف ندیدیم آنوقت است که تمام محبت‌ها مثل حبابی از روی آب زایل میشود . اگر توانستم طبق بیان حضرت عبدالبهاء روح ماسوه فدا بدوست و دشمن هر دو محبت کنیم اگر زهر دهنده شد دهیم و این محبت جزء ذات ما باشد آنوقت میتوانیم بگوئیم بیکی از صفات الهی یعنی محبت خالصه متصفیم و در حقیقت نسبت به جمیع مهربانیم . و با اتصاف باین صفت در ملکوت قدس الهی راه میخواهیم . محبت ما نسبت بخالق نیز باید همین محبت خالصه باشد نه امید نعمای جنت و نه خوف از عذاب دوزخ . بقول سعدی

گر مخّير بکنندم بقیامت که چه خواهی

دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را

و یا بقول حافظ

در ضمیر ما نمی گنجد بغیر از دوست کس

هردو عالمرا بدمشمن ده که ما را دوست بس

چون بشئونات محبت توجه فرمودید حال این آیه
منبارکه را ملاحظه نمائید که میفرماید:

يابن الوجود رضوانك حبى و جنتك وصلى
فادخل فيها و لاتصبر هذا ما قدرلك في
ملكتنا الا على و جبروتنا الاستنى .

و شرط دوستی را در آیه بعد اعراض از نفس و
هوی و گذشتمن از رضای شخصی در برابر رضای
الهی میدانند و میفرمایند :

مادر در محبت بطفل خود صادق است یعنی تقریباً محبت واقعی را باو ابراز میدارد با نیت خالص بفرزند خویش مهر میورزد و علاقه دارد .

ریا در کار و با او ندارد . در مقابل محبت تلافی و پداش نمیخواهد . او طبعاً طفلش را دوست دارد و بخود تلقین نمی‌کند که من او را باید دوست داشته باشم بخاطر فرزندش از همه چیز خویش میگذرد یعنی انقطاع را بتمام معنی در مقابل این محبت ظاهر می‌نماید . از بیخوابیها و شب زنده داریها گله ندارد .

گذشت از تفريحات و هر گونه لذات و راحتی را بچیزی نمی‌گیرد . بی مهری طفلش را در مقابل فداکاریهایکه با تمام وجودش برای او انجام داده اغماض مینماید و خط مشی خود را تغییر نمی‌دهد . حتی بلا و مرض فرزندش را بجان خریدار است . اما ما اگر حقیقتاً چنین حالاتی را در خود نسبت بساپرین حس کردیم بدانیم شجر محبت در وجود ما بارور است والا خوبست از همین حالا آن اعمالیکه بنام محبت در خود سراغ داریم در باره اش فکر کنیم و با این نوع محبت بسنجهیم به بینیم آیا باموازین مطابق است . ما بنصوص قاطعه ماموریم اهل عالم را دوست بداریم . ولی دوستی و محبت باید فارغ از توقع و انتظار باشد . بیان مبارک جمالقدم جل شانه الاعظم را در لوح سلطان بخاطر آوریم که میفرماید . یا سلطان ان الذين حولك يحبونك لأنفسهم والغلام يحبك لنفسك در کلمات مکنونه فارسی میفرماید : دوستان ظاهر نظر بمصلحت خود یکدیگر را دوست داشته و دارند ولکن دوست معنوی شما را لاجل شما دوست داشته و دارد .

جبان ناپذیر مادی و معنوی بر آنان وارد میشود ولی فی الواقع چون در سبیل رضای الهی است این سعادت است عزت است شرافت است فیض ابدیست قریبیت سرمدی است اگر هم بصورت ظاهر احده از اهل ارض ندانند و یا فی المثل در مجلات بهائی اسم آنها را ذکر ننمایند و شاید غیر از خودشان کسی دیگر بر آن متابع و مصائب ایشان مطلع نگردد اما خداوند مهربان آنها را در آغوش خود جای می دهد معاشر نفس او در ملکوت عزت او خواهند بود مقامشان اعلی المقام و اثار و انوارشان مریمی امکان است . اینها نفوسی هستند که میفرمایند عبدي اطعنی حتی اجعلک مثلی و جمالقدم در سوره مبارکه هیکل میفرماید .

هذا يوم الفضل تعالىوا لاجعلكم ملوك ممالك ملکوتی ان اطعمونی تروا ما وعدنا کم به واجعلکم موئسنس نفسی فی جبروت عظمتی و معاشر جمالی فی سماء اقتداری الی الابد .

و چون انسان باین مقام پرسد که خود را در حق فانی کند حق را در خود باقی بیند آنوقت است که حصن الهی بیت الهی مشکوکه الهی مصباح الهی میشود . غنی به غناء الله است نعمت را برخود کامل بیند جوهر نور الهی را وعلم الهی را در خود میباید و حق را در خود قائم و قادر و مقتدر و قیوم مشاهده مینماید بتعلیم و تعلم احتیاج نمیماند . ملک الهی است و فانی نمی شود نور الهی است خاموش نمی گردد روشنی خداست پوشیده نمی گردد قمیص الهی است پوشیده و پاره نمی شود . در حب خدا مستريح و در افق اعلی معاشر با انبیاء و اولیا خواهد بود .



ان تحب نفسی فا عرض عن نفسک و ان ترد رضائی فاغمض عن رضائک لتكون فی فانیاً و اكون فيك باقياً .

اگر نفس مرا دوست میداری از نفس خودت اعراض کن و اگر رضای مرا میطلبی از رضای خودت چشم پوش تا تو در من فانی شوی و من در تو باقی بیامن و در آیه بعد میفرماید .

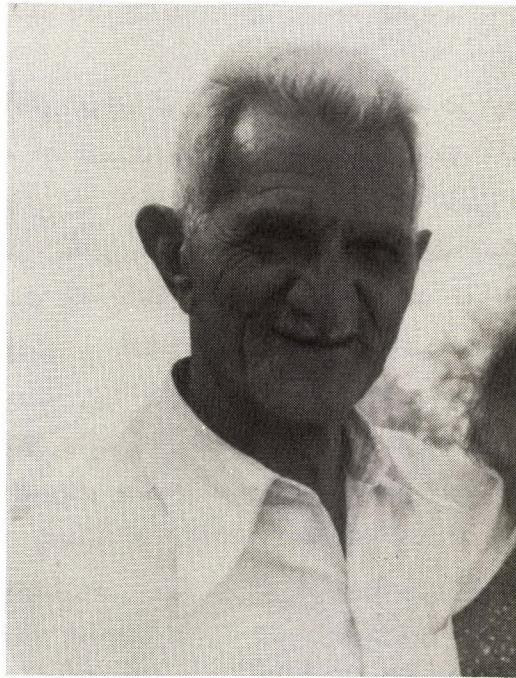
راحتی برای تو مقدر نشده مگر در وقتی که از نفست اعراض کنی و بتنفس من اقبال نمائی . در این موارد مراد از نفس الهی یعنی مظاهر ظهور اوست . میفرماید سزاوار است که افتخار تو باسم من باشد نه باسم خودت و اتكلالت بر وجه من باشد نه وجه خودت زیرا من دوست دارم که محبوب فوق کلشی باشم . دوستان الهی در شرح حال احمدیزدی مطالعه نموده اید که چون لوح احمد را بدست او دادند و ملاحظه کرد که رضای محبوبش در تبلیغ امرالله است اندکی فکر کرد مجدد لوح مبارک را تلاوت نمود یقین کرد که گذشت کند از رضای خودش که آرزویش دیدار جمال مبارک بود و در عالم افرینش هم چیزی پر ارزش تر از این لقا به خلق خدا وعده داده نشده چون مربوط به خودش بود نوعی از خواهش نفسانی دانست و در کمال شہامت فدای رضای الهی کرد . از اسلامبول برگشت و در سبیل رضای دوست مشی نمود و عملا اثبات کرد ما اردت الا ما اردته و لا حب الا ماتحب .

ای رب وضعت ارادتی و اخذت ارادتک فاکتب لی ما ینبئی لجودک و کرمک انک انت ارحم الرحمنین .

دوستان عزیز : مظاهر این کلمات همیشه بوده و هستند امروز نفوس مبارکه مقدسه بسیارند که در سبیل خدمت و هجرت از همه چیز میگذرند و بصورت ظاهر در پسیاری از موارد ضررهای

پاپ زنگنه

«از جانب ثانی صابری»



جناب حسین صابری علیه رضوان لهه

احوال انجام دستخوش ناملایمات بوده چرا که مسلمین آزار و اذیت بر احباب الهی را در ردیف عبادت و اطاعت می‌پنداشتند. ۶ سال بعد از تصدیقشان بوده که همسرشان نیز به شرف ایمان به امر مالک ائمہ نائل که برای ایشان شادی آفرین و برای فرزندان هم نوید بخش بوده برای اینکه طفلان خردسال در خانه ای زندگی میکردند که مادر در یک جهت و پدر در جهتی دیگر عبادت پرورده‌گار مینمودند رویه‌معرفته در منزلشان سالی دو مرتبه ایام صیام وجود داشته فرزندان بر سر دوراهی قرار گرفته بودند، پس از ایمان همسر زندگی روحانی خانواده شروع میگردد خدمات امیریه مضاعف میشود و غبار غم می‌رود. سال ۱۳۲۲ با توطعه اداء اذیت و آزار و غارت اموالشان وسیله اشارار فراهم و به علت عدم دخالت و

حسین صابری فرزند عباس ابن یوسف وفائی و بانو بی بی سید هاشمی. در سال ۱۲۸۶ شمسی در آباده فارس متولد، در سن ۱۶ سالگی همراه مادر خود بمنتظر زیارت اماکن مقدسه راهی مشهد و پس از توقف یکساله که مادر به طبابت مشغول بود. در بازگشت عازم یزد و میبد محل تولد مادر و در آن محل با حاجیه بی بی آقائی ازدواج و پس از چندی توقف راهی آباده می‌گردند. جناب صابری در سن ۱۹ سالگی ضمن تعصی شدید که در حفظ عقاید آباء واجداد داشتند با کوشش و همت برادر بزرگتر و با تحقیق و بررسی در آیات باهرات قرآن و احادیث اسلامی به شرف ایمان به امر جمال‌میارک فائز گردیدند. نظر به اینکه امکان آزار و اذیت از طرف متعصبین مذهبی وجود داشته باهمسر و تنها فرزند یکساله خود ترک اوطان نموده در محلی دیگر (بهمن آباده) ساکن میشوند. هر چند در محل جدید با مشکلاتی عدیده مواجه میگردند ولی بهر صورت لباس استقامت برتن در مقابل مشکلات ایستادگی مینمایند و برادر بزرگتر با اعضا خانواده نیز به جمعشان می‌پیوندند. در مقابل بلایا و صدمات با دیگر دوستان که سه خانواده بودند همگی شاد و خندان همه ساله ماههای محرم و صفر و رمضان که برای مسلمین از ایام و ماههای عبادت و اطاعت محسوبست اوضاع و

هجرت بشاه آباد غرب و بعد از آن بضرورت امری ساکن ایلام و مدت‌ها زندگی خود را توام با خدمات امری میگذرانند . جناب صابری از همسر دوم نیز دارای ۵ فرزند بنام‌های اکبر ، رهبر ، مهین ، زرین و سیمین بوده اند که امکان تهیه کار برایان در ایلام وجود نداشته چند صباحی در اطراف شیراز که محل کار یکی از فرزندان بوده سکونت اختیار مینمایند و در اواسط سال ۱۳۵۷ زمانیکه خانه و کاشانه اغلب احبابی فارس را به آتش کشیدند نیمه‌های شب عده‌ای از اشرار منزلشان را محاصره و با پرتاب سنگ و شکستن شیشه‌های درب و پنجره محل سکونت و انباسته شدن شیشه‌های شکسته بر روی محل خوابشان بنناچار شبانه خانه و کاشانه خود را باوخت و نگرانی ترک و رهسپار محلی دیگر میگردند که همان ایام وسائل زندگیشان را کلا بتاراج میبرند و باید گفت برای بار دوم در زندگی از مال و منال پاکباز میشوند . بعد از آن در شیراز مستقر و زندگی جدیدی آغاز مینمایند . در تاریخ اول آبانماه ۱۳۶۱ ساعت ۱۰ بعد از ظهر عده‌ای پاسدار بمنزلشان وارد ضمن جمع آوری کلیه آثار امری دوشیزه سیمین آخرین فرزندشان که با والدین زندگی مینموده با خود میبرند مدت ۹ ماه که سیمین زندانی بوده ملاقاتهای توام با گرفتاریهای پی در پی انجام میشده تا در تاریخ ۲۸ خردادماه ۶۲ خبر شهادت را دریافت میدارند

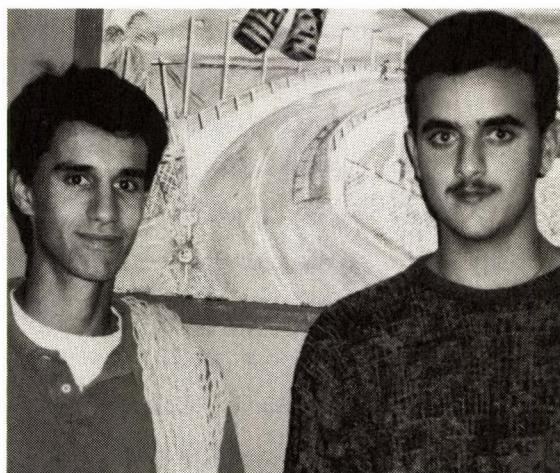
. جناب صابری بعد از شهادت فرزند دلبند و رشیدشان بعلت مشکلاتی که بمنظور سکونت احباء در شیراز وجود داشته با دیگر اعضاء خانواده برای سکونت راهی اصفهان و سه سال آخر عمر را در آن مدینه سپری ، در سن ۷۹ سالگی در تاریخ ۱۰/۵/۶۵ مصود نمودند بعد از آنکه روح پر فتوحشان بعالם بالاشتافت جسدشان در گلستان جاوید اصفهان بخاک سپرده شد .

حمایت مامورین حکومتی از محل سکونت متواری و مدت‌ها در کوشک و آباده ساکن بوده اند . سال ۱۳۲۵ بعلت مشکلات زندگی و عدم امنیت با توجه به اینکه تعدادی از فامیل همسرشان در خراسان ساکن بوده اند رهسپار مشهد میشوند و ترتیب انتقال همسر و فرزندانرا نیز فراهم مینمایند در این دیار این دیار مشفت بار بوده که مشکلات و آزار زایدالوصف مزید خدمات گذشته گردیده و همسرشان ، حاججه بی بی که تا آنزمان با استقامتی تحسین آمیز قائم بر خدمت بودند با شرایطی سخت در سن ۳۲ سالگی با داشتن ۶ فرزند بنام‌های علی ، حسن ، ثانی ، روشن ، پروین و نسرین دار فانی را وداع میگویند . فامیل متعصب جسد آن بانوی ستمدیده را بدون اجازه و دخالت همسر و فرزندان در گورستان مسلمین دفن و امکان انتقال حسد را بگلستان جاوید مشهد از آنان سلب مینمایند . جناب صابری در آن زمان با مشکلات فراوان گریبانگیر بوده بهمین علت پس از دو سال اقامت در مشهد با فرزندان خود که کوچکترین آنها سه ساله بوده راهی یزد و در آن شهر ساکن میگردند . بعد از یکسال توقف در یزد با طاوس پمیوسیان ازدواج و همزمان با نقشه ۴۵ ماهه‌با تولد اولین فرزندشان بمنظور هجرت راهی دهبید فارس با دیگر مدت ۱۰ سال در دهبید راستان حضرت رحمن ضمن کار و کسب بخدمات امریه مشغول و بعد از آن با توجه باینکه چهار فر از فرزندانشان بتدریج به سریل ذهاب غرب ایران هجرت نموده بودند به آنسامان رفته دو سالی ساکن میشوند و مجدداً بدھبید محل سکونت قبلی بازگشت و از آنجا پس از مدتی به اطراف آباده ادريس آباد جعفر آباد و بهمن هجرت و روزگار را میگذرانند . هر چند با مشکلات همزا و دمساز بودند در هر حال خادم صدیق و با وفا در راه امر حضرت یزدان مصائب دنیای فانی را با تسليم و رضا بیدرگاه خدا پذیرا بودند . مجدد بقد

”جوانان قادرند جهان را بحرکت آرزو“

»بیت العدل علمن«

سَفَرْهَايِ تَبَلِيغِي



نکات و تجربیاتی از مسافرت خود نوشته و ارسال دارند موجب امتنان خواهد بود.

در تابستان سال ۱۹۸۷ خواهرم بیتا برای شرکت در برنامه تبلیغی جوانان به جامائیکا مسافرت نمود وقتی خواهرم از مسافرت برگشت آنچنان تحت تاثیر تجربیات مسافرتی خوشحال و مسرور بود که من همان موقع تصمیم گرفتم در صورت موافقت و کمک والدینم برای تابستان ۱۹۸۸ به یک مسافرت تبلیغی بروم. برای اجرای این منظور بدفتر محفل روحانی ملی کانادا تلفن کردم و تقاضا نمودم که لیستی از پروژه‌های تبلیغی ممالک مختلف برایم بفرستند بعد از مدتی لیست رسید و من در میان کشورهایی که نامشان در لیست بود کائینا را انتخاب کردم که

جوانانی که نامشان در زیر درج میگردد تا پستان امسال (۱۹۸۸) طبق برنامه تنظیمی از طرف محفل روحانی ملی کانادا بمنظور مسافرت تبلیغی به نقاط مختلفه دنیا رفتند.

مرجان عزیزی، بابک بهادر، بابک و میترا و موزان ابراهیم زاده، کوری بیشاب، هدر بوید، کاترین بو، بیتا عرفانی فر، نوشین خوش خصال، هالین هیل، داوید هایات، دیبا انصاری، اورنگ یزدی، سارا بنانی، تاد و برت ودارین اسمیت، ساندرا لرد، لورا جفری، تام یاسین و تد تریپ.

این جوانان شرایط مشکل زندگی در این نقاط را به آسایش و راحتی ماندن در خانه و بین افراد فamilی و استفاده از تعطیلات تابستان ترجیح دادند و عده‌ای از آنان با مشکلاتی از قبیل بیماری و حوادث دیگر رویرو شدند تا خدمتی باستان مبارک کرده باشند.

مجله عندیلیب خدمات این جوانان را ارج می نهند و برای آنان آرزوی موفقیت‌های بیشتر در خدمات امری می نمایند. در زیر قسمت هایی از خاطرات بابک بهادر ۱۷ ساله از (واترداون، اوانتاریو) که برای مجله عندیلیب فرستاده درج میگردد این مجله ضمن تشکر از نامبرده یاد آور میشود چنانچه سایر جوانان نیز

چند روز بعد ما به پایتخت کشور گاینا شهر جرج تان رفیم و در آنجا عده زیادی از احبابی گاینا را ملاقات کردیم . اعضای محفل روحانی ملی گاینا گروه هائی برای تبلیغ دسته جمعی در سراسر کشور تشکیل داده بودند برای مدت ۶ هفته با ۴ گروه مجزا به قسمت های مختلف کشور رفتیم .

با گروه اول بیکی از دهات رفتیم که جامعه بهائی بزرگ و جوانانی فعال داشت روز اول به آشناei دهکده و احباء گذشت . روز دوم مراجعه خانه به خانه آغاز شد در مراجعته بهر خانه سوال میکردیم که آیا آنها علاقمند به شنیدن در باره دیانت بهائی هستند ؟ معمولا اگر جواب مثبت بود بداخل خانه دعوت می شدیم و در آنجا با شروع معرفی امر جزو های تبلیغی را به افراد میدادیم در بسیاری از خانه ها افراد علاقه خودشان را نسبت به امر نشان میدادند و ما از عکس العمل مثبت آنها واقعا خوشحال میشدیم در تبلیغ دسته جمعی غالب از مردم سوال میکردیم که آیا علاقمند هستند که بهائی بشوند در اکثر موارد جواب مثبت بود .

شیرین ترین خاطره من روزی بود که صبح آن بهدهکده ای که اصلاً بهائی نداشت وارد شدیم و عصر آن ده نفر در آن دهکده بهائی شده بودند که قرار بود احبابی مسئول گاینا برای تزیید معلومات امری آنان و آشناei بیشترشان . با تشکیلات اقدام کنند . در یک تعطیلات آخر هفته در یک کنفرانس بین المللی بهائی که در یک کالج تشکیل میشد شرکت کردیم در این کنفرانس حدود دویست نفر از احبابی گاینا و کشورهای مجاور شرکت کرده بودند و این کنفرانس بما فرصت بهتری داد که بیشتر از تجربیات تبلیغی احبا در آن قسمت دنیا استفاده کنیم .

بعد از این کنفرانس با گروه دوم به ده دیگری

کشور کوچکی است در قسمت شمالی امریکای جنوبی علت انتخاب این بود که اولاً جناب گوردن نیلر عضو محترم هیئت معاونت که قبل مدتی در این مملکت مهاجر بودند مرا به مسافرت با آن کشور تشویق کردند و ثانیاً کشوری است انگلیسی زبان و فصل مسافرت نیز مناسب بود چون این کشور جزو کشورهای جهان سوم بود و فقیر است برای این مسافرت لازم بود که از نظر بهداشتی پیش بینی های لازم بشود لذا قبل از مسافرت واکسن های هپاتیت و حصبه و تب زرد را زدم و مقدار قابل توجهی قرص های پیشگیری مalaria خوردم و داروهای لازم را برای انجام مسافرت طبق نظر پزشک خانوادگی با خود همراه بردم .

در فرودگاه گاینا از طرف یکی از اعضای محفل روحانی ملی آنجا با محبت زیاد مورد استقبال قرار گرفتم و بخانه ایشان وارد شدم در اکثر برنامه های این سفر با دوستم بابک ابراهیم زاده که او هم از (تورنتو - اونتاریو) داوطلبانه با این مسافرت اقدام کرده بود همراه بودم و اگر در بعضی برنامه ها با هم نبودیم هر یک بطور مجزا ولی باز هم برنامه های مشابه یکدیگر داشتیم . در چند روز اول سعی میکردیم که با این کشور که برای ما کاملاً دنیائی جدید بود آشنا بشویم مخصوصاً که از کشوری مثل کانادا میرفتیم . برای ما که در کشورهای مرتفه غربی زندگی می کنیم مسائل و مشکلات زندگی در این کشورها قابل درک نیست بطوری که اکثر مردم این کشور قادر به تأمین احتیاجات اولیه زندگی از قبیل غذا و پوشاس و وسائل بهداشتی نیستند و برای ما مسافرت با این کشورها فرصتی است که دنیای خارج را بهتر بشناسیم . بدیهی است هر قدر این شناسائی عمیق تر باشد و هر قدر که فقر مادی و اختلافات طبقاتی این گونه کشورها را بیشتر می بینیم فلسفه ظهور دیانت بهائی را بیشتر و بهتر درک می کنیم .

این کشور نیازمند افرادی هستند که در فعالیت های تبلیغی با آنان مشارکت کنند و چقدر مفید است اگر افرادی برای بالا بردن سطح معلومات آنان باین کشور بروند.

محفل روحانی ملی گاینا از افرادی که به چنین مسافرتها اقدام نمایند برای هر مدتها بخواهند بمانند استقبال خواهند کرد. من و بابک ابراهیم زاده وقتی از این مسافرت برگشتم مقدار قابل توجهی وزن کم کرده بودیم و هر دو بیمار بودیم بطوری که من مستقیماً از فرودگاه به مطب دکترم رفتم ولی از لحاظ روحی سرشار از نشاط و امید بوده و هستم و از اینکه تعطیلات تابستانم را صرف این کار کردم خوشحالم و ضمناً از پدر و مادرم که مرا برای اجرای چنین برنامه‌ای یاری کردند مشکرم هنوز دلم آنجاست و با تعدادی از احبابی آنجا مکاتبه دارم.

سید رسول حضرت محمد اسلام و مذهب آن

تألیف جناب دکتر ریاض قدیمی در ۲۵۰ صفحه با جلد اعلام منتشر گردید. قیمت در کانادا ۱۵ دلار کانادائی و در خارج از کانادا ۱۵ دلار امریکائی است که شامل هزینه ارسال نیز میباشد. طالبان خرید سفارش و چک مربوطه را بنام جناب مهندس کامران نجاتی به آدرس ذیل ارسال فرمایند:

Mr. K. Nejati

23 Jill Crescent

BRAMALEA.ON. CANADA,

L6S 3H9

رفتیم و همان برنامه‌های تبلیغی را ادامه دادیم نکته ای که در این سفر خیلی مورد توجه قرار گرفت این بود که تزیید معلومات امری احبا در این نقاط چقدر لازم است. جالب ترین نکته این قسمت از مسافرت ملاقات با کارکنان یک بیمارستان و دادن پیام صلح به پزشکان و سایر کارکنان بوده است.

با گروه سوم به شهری بنام رفتیم و اعضای محفل روحانی این شهر را ملاقات کردیم در این شهر نیز برنامه ما تبلیغ خانه بخانه و دادن جزوی های تبلیغی و همچنین تشکیل جلسات تحری حقیقت بود نکته جالب این قسمت تصدیق یک خانم جوان بود که مسیحی فعالی بود و بصورت بهائی فعالی در آمد.

با گروه چهارم مجددا بهمان دهی که با گروه اول رفته بودیم رفتیم و اسباب حیرت شد وقتی دیدیم از زمان سفر اول تعداد احبابی این منطقه دو برابر شده بود.

جالب ترین خاطره؛ در آخرین روز مسافرت تبلیغی‌ام وقتی در مغازه‌ای ایستاده بودم مرد محلی مستنی بمن مراجعه کرد و مرا به خانه اش دعوت کرد با تردید دعوتش را پذیرفتم وقتی بخانه اش رسیدم او کتاب نیم سوخته ای را که در یک ظرف خاکروبه پیدا کرده بود بمن نشان داد این کتاب دیانت بهائی تألف خانم گلوریا فیضی بوده است و بعد این مرد شروع به گریه کرد و خدا را شکر میکرد که حضرت بهاء الله را باو شناسانده است و حادثه پیدا کردن این کتاب را نشانه محبت خداوند نسبت به خود میدانست حالت این مرد و حادثه پیدا کردن کتاب که پرایش پیش آمده بود مطلبی است که من هیچگاه فراموش نخواهم کرد.

وقتی این کشور را ترک میکردم احساس تأثر شدید داشتم برای آنکه می دیدم چقدر مردم

دورة بجهات

از رع - ص «غبار»

این اوان که انتظار عالمیان بیش از پیش متوجه ماست ، لازم میدانم برای ایفای وظائف و مسئولیت هائی که به عنوان ولی امر حضرت بهاء اللہ بر عهده دارم حقایقی را تصریح و تأکید نمایم که اساس امر بر آن استوار است و اول وظیفه و تکلیف ما حفظ و صیانت آن حقائق است . اگر این حقائق کما ینبغی و یلیق مفهوم و در نهایت شجاعت اقامه گردد مطمئناً قوای روحانی ما را تقویت نموده و در دفع حیل و تدبیرات خصم لدوادی که همواره مترصد فرست است مساعد و ظهیر ما خواهد بود . به عقیده راسخ این عبد اولین وظیفه هر یک از پیروان با وفای امر حضرت بهاء اللہ آنس است که همواره سعی موفور مبذول دارد تا مقصد و اهمیت این امر اعظم را بهتر درک نماید ... " فصل اول این سفر کریم به تشریح و توضیح شان و مقام بی نظیر حضرت بهاء اللہ و عظمت شریعت آن حضرت اختصاص یافته و نصوص متعددی از آثار هیاکل قدسیه امر مبارک نقل شده و خود نیز از جمله چنین مرقوم فرموده اند : " جمال اقدس ابی و هم چنین حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء در ذکر این ظهور بی مثیل و عدیل و قوای عجیبیه دافعه آن و در وصف این یوم که اهل عالم قرنها در انتظار آن بسر میپرده و نیز در بیان علو مقام نفوی که معرف بر حقایق مکنونه این ظهور گردیده اند ، چنان گنجینه نفیسی از آثار مقدسه برای اخلاق بیادگار گذاشته اند که نسل حاضر کما ینبغی و یلیق پی به ارزش آن نبرد

در دومین فصل کتاب که " حضرت باب "

یکی از مسائل مهمه ای که در دیانت بهائی بدان توجّه تأم مبذول شده مسئله عهد و میثاق الهی و تبیین و تشریح مقام و موقعیت طلغات قدسیه این امر مبارک و بیت العدل اعظم است ، و باین جهت است که باب تفرق و تشتن در امرالله بسته شده است .

بدون تردید مهمترین آثاری که در این باب از اقلام مطّهره جمال اقدس ابی و حضرت مولی الوری صادر شده اند در " کتاب عهدی " و در " الواح وصایا " را باید نام برد حضرت ولی امرالله نیز در سال ۱۹۳۴ میلادی توقیعی بزبان انگلیسی بنام (1) THE DISPENSATION OF BAHĀ'U'LĀH خطاب به : " احباب الهی و اماء رحمانی در ممالک غربیه " صادر فرمودند وطی فصول چهارگانه آن بصراحة و وضوح به تشریح شان و مقام و موقعیت جمال اقدس ابی ، حضرت رب اعلی ، حضرت مولی الوری ، حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم پرداختند .

این سفر کریم فی الواقع تکرار و تکمیل مطالب مندرجه در " کتاب عهدی " و " لوح وصایا " و الواح و آثار مشابهی است که قبل از آن به السنّه نزولی " فارسی و عربی " صادر گردیده بود و در بیان اهمیت آن همین بس که آن وجود مکرم فرموده اند : " آنچه باید بگوییم در این نامه گفته ام " (2)

حضرت ولی امرالله در صفحات اولیه این سفر جلیل چنین مرقوم فرموده اند : "... در

فرموده اند متفاوت است ، زیرا حضرت بهاء اللہ به نفسه اصولش را بیان و تأسیساتش را استوار و مبین کلمه اش را معین فرموده اند و به هیئتی که مأمور تکمیل و تفییذ احکام شرعیه‌اش بوده اختیارات لازم عنایت کرده اند و این جمله خود رمز قوت امرالله و مابه الامتیازش از سایر ادیان و ضافی حفظ و وقایتش از انشقاق و تعزیز است . در هیچ یک از کتب مقدسه ادیان عالم حتی در آثار حضرت اعلی نمیتوان راجع به عهد و میثاق و تدارک نظم اداری نصوصی یافت که از حیث درجه و اعتبار با آنچه در این مورد در اساس آئین بهائی است قابل قیاس باشد

در این فصل از مقام ، وظائف و اختیارات ولی امرالله و بیت العدل اعظم و بدیعت و جامعیت نظم اداری بهائی و نقشی که این نظام جهانی باید در استقرار سلطنت الهیه برپسیط زمین در آینده ایام دارا باشد و عدم شباهت کلی آن با انظمه سیاسی و روحانی گذشته و حال مشروحاً سخن بمیان آمده است .

در پایان کتاب این نظم عدیم النظری از قلم حضرت ولی امرالله چنین توصیف گردیده است : " صخره ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابته الهیه برای عالم انسانی در عصر حاضر است " متبع الہامش نفس حضرت بهاء اللہ است ، حامی و مدافعش جنود مجنده ملکوت ابھی است .

ظهور نشو و نمایش نتیجه اهراق دم لاقل بیست هزار شهدائی است که حیات خویش را در این سبیل نثار نموده اند . محوری که مؤسساتش حول آن طائف مضامین محکمه الواح وصایای حضرت عبدالبهاء است . مبادی اساسیه‌اش حقایقی است که مبین مصنون از خطای آیات الهی در خطابات مبارکخویش در غرب بیان فرموده

عنوان گرفته مطالب مهمه ای در باره مقام آن وجود مکرم و اهمیت دیانت بابی از جمله چنین آمده است "... یکی از حقایق اساسیه ای که در امر حضرت بهاء اللہ صریحاً مذکور و باید اهل بها کماهی بدان معترف باشند آنست که حضرت باب مؤسس شریعت بابیه از جمله مظاهر مقدسه الهیه و دارای سلطنت و اقتدار مطلقه و حائز کلیه حقوق و مزایای رسالتی مستقله است ... فی الحقيقة محرك اصلی که این عبد را وادرار به ترجمه و نشر تاریخ جاودانی نبیل نمود این بود که احبابی غرب به سهولت پی برند که مقام منیع حضرت اعلیٰ متضمن چه مفهوم خطیری است و بالنتیجه آن حضرت را به جان و دل دوست داشته و با عشق و علاقه جدیدی تجلیل و ستایش نمایند"

در فصل سوم " حضرت عبدالبهاء " شأن و مقام و موقعیت ممتاز آن حضرت در امر بهائی مورد تبیین و توضیح قرار گرفته و از جمله چنین آمده است : " حضرت عبدالبهاء در افقی خاص قائم و مرتبش کاملاً با مؤسس و مبشر ظهرور بهائی متفاوت است ولیکن بر اثر مقامی که حضرت بهاء اللہ بوسیله عهد و میثاق به آن حضرت تفویض فرموده با آن دو ذات مقدس جمعاً هیاکل اصلیه ثلاثة آئین را تشکیل میدهند که در تاریخ روحانی عالم بی سابقه است . حضرتش با آن طلعت مقدسه از ررف علیاً به مقدرات این طفل رضیع امرالله ناظر و قبل از اتمام هزار سال کامل هیچ نفسی یا هیئتی که پس از آن هیکل مبارک بر خدمت امرالله قائم گردد هرگز به آن رتبه اسنی فائز نشود ..."

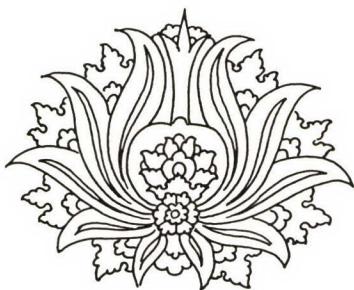
چهارمین و آخرین قسمت توقيع منیع " دور بهائی " بنام " نظم اداری " نامیده شده است . حضرت ولی امرالله در توصیف این نظم و خصائص ممتازه آن چنین مرقوم داشته اند : " این نظم اداری اساساً با آنچه انبیای سلف وضع

گردیده که بعد از تحری حقیقت و تتبیع در آثار قدیمه و قرائت کل راجع بنصوص الهی گردند . اصل ثبوت حقیقت مظہر کلی الهی بوده بعد از ثبوت حقیقت او آنچه فرماید آن صحیح است ... انتهی

امید وطید نگارنده سطور آنست که خوانندگان عزیز بویژه جوانان با تمیز بدقت در بیانات مقدسه که در این مقاله وجیزه مورد استناد و استشهاد قرار گرفته تمدن تمام فرمایند زیرا موضوع بسیار دقیق و عمیق است .



حضرت عبد البهاء در لوح اجتایی یزدمیفرماید قول تعالی:
 "آما وسائل وصول بجهن خاتمه این است که باید از عجب و
 کبیر حشر از نمود و خود پسندی را مبغوض داشت و در جمیع
 اوقات شرمسار بود و از هوا جنس نفس و همی بیزار و از هم
 فتوّر و غرور در کنار و شابت بر عهد و میثاق علیکم البهاء الا
 ع ع



، احکامی که برای اداره اش وضع گردیده و وظائفش را تجدید مینماید . صریحاً در کتاب اقدس نازل شده است . مقری که مشروعات روحانیه و خیریه و اداریه اش حول آن مجتمع میباشد مشرق الاذکار و متفرعات آن است . ارکانی که سلطه اش مستظر بدان است دو مؤسسه ولایت امرالله و بیت عدل اعظم است . مقصد اصلی و ضمنی که متحرک آن است استقرار نظم بدیع جهان آرائی است که شالوده آنرا حضرت بهاء الله بنیان نهاده . روشنی که بکار میروند و موازنی که القاء مینماید آنرا نه به شرق تمايل میسازد و نه به غرب ، نه به یهود و نه به غیر آن ، نه به فقیر و نه به غنی ، نه به سفید و نه به سیاه ، شعارش وحدت عالم انسانی ، علمش صلح اعظم ، سرانجامش حلول دور ذهبی هزار ساله یعنی یومی که سلطنت های عالم به سلطنت الهی که سلطنت حضرت بهاء الله است مبدل گردد " .

توقيع منیع " دور بهائی " در سال ۱۹۳۴ بزبان انگلیسی از قلم حضرت ولی امرالله ارواحنا فدا عز نزول یافت و چند سال بعد توسط لجنه ملی ترجمه آثار امری ایران بزبان فارسی ترجمه شد و در سال ۱۱۱ بدبیع توسط لجنه ملی نشر آثار امری ایران در طهران منتشر شد . همین ترجمه عیناً در سال ۱۱۴ بدبیع در دهلی نو " هندوستان " مجدد بچاپ رسید .

سومین نشر این سفر کریم اخیراً با نضمam " فهرست اعلام و اهم مواردیع " در ۱۱۷ صفحه توسط لجنه ملی نشر آثار امری بزبانهای فارسی و عربی آلمان ، غربی منتشر شده است .



«گزارش از سرکار خامنی پوران بعنای»

ملک مصطفی علی

۱۰ زوئیه ۱۹۸۸

فستیوال هنر «روح انسان»

عطف به نامه و اصله از طریق پست الکترونیکی مورخ ۶ زوئیه ، از وصول اخبار موفقیت بزرگ شما در برگزاری ،، فستیوال روح انسان ،، که تاکیدش در برخورداری از استعدادات هنری بجهت بیان ارزش‌های بهائی و بمنظور ترغیب و تشویق فعالیت‌های توسعه و تقویت جامعه بهائی ، قرار داشت قلوبمان غرق در شفف و سرور گشت .

در اعتاب مقدسه دعا میکنیم که یاران توفیق یابند از این کنفرانس بعنوان عاملی مؤثر تر در خدمات خالصانه خویش در طریق نیل به اهداف نقشه شش ساله بپرسانند .

بیت العدل اعظم

عموم آزاد بود و تعداد شرکت کنندگان از حد انتظار گردانندگان فستیوال خارج بود .

هنرمندان از گروههای مختلف هنری مثل : تاتر ، موزیک ، باله ، رقص‌های گروهی ، دکلمه شعر ، خطاطی ، نقاشی ، طراحی پارچه ، گل آرائی به سبک ژاپنی ، مُد ، جواهر سازی ، سرامیک ، عکاسی ، منبت کاری ، کارهای دستی و نمایش‌های عروسکی و غیره شرکت کرده بودند . چند نمایشگاه جالب و دیدنی در چند نقطه دانشگاه تدارک دیده شده بود که بمدت سه

همانطور که یاران الهی میدانند میزهای خطابات و صحنه‌های هنری از طرق مؤثر ابلاغ امر الهی است .

امسال اولین فستیوال هنر با شرکت ۱۲۰ نفر از هنرمندان بهائی و غیر بهائی از سراسر کانادا در دانشگاه وسترن Western واقع در لندن - آنتاریو در تاریخ اول تا ۴ جولای ۱۹۸۸ تشکیل گردید بیش از هزار نفر از احباء و دوستانشان در این فستیوال شرکت کرده و به این رویا تحقق بخشیدند . ورود به این فستیوال برای



و بازی خانم سوزان لاینز Susan Lyons بقدرتی طبیعی و مؤثر و زیبا بود که شخص وجود میس مارتا روث ان مومنه قهرمان را حسن میکرد و بارها اشک از هیجان به چشمها آورد و بارها خنده برلپان . این دو خانم هنرمند تحسین همگان را بر انگیخته (بعد از این فستیوال از ا برای ارائه برنامه دعوهای مختلفی شده است که آخرین بار در بالی ماسی یکی از جزائر کارائیب بروی صحنه آمده است .)

شبها نیز کسی بیکار نبود . هر شب برنامه های مختلف در گالاهای که تنظیم شده بود با شرکت هنرمندان بهائی و غیر بهائی شامل کنسرتها ، رقص ، باله ، تاتر خوانندگانی چون نانسی وارد Nancy Ward و دیگران که بی نهایت جالب و سرگرم کننده و آموزنده بودند .

یکی از قسمت های جالب شرکت جناب کیومرث حقیقی نوازنده معروف سنتور بود که برای اولین بار دختر ۱۴ ساله اش او را با پیانو همراهی میکرد . قسمت دیگری که به عقیده بنده شاهکاری بود برنامه ای بود که توسط احباء کوبک سیتی و دوستانشان با باله و موزیک و رقص تنظیم شده بود بنام (پیمان) . پسر جوان ۱۵ ساله ای که در حضور پدر شهید شد.



صحنه ای از برنامه پیمان

روز مورد بازدید و تحسین عموم قرار گرفت .

در ضمن روزانه برنامه های آموزشی دیگری نیز از طرف استادان و هنرمندان در گوش و کنار دانشگاه برگزار میشد که هر شخصی میتوانست در برنامه مورد علاقه خود شرکت کند .

لازم به توضیح است که یکی از نمایشگاه ها

متعلق به جناب دان راجرز Otto Donald Rogers مشاور قاره ای کانادا که امسال جزو مشاورین مقیم ارض اقدس انتخاب شده و فعلاً در آنجا ساکن هستند ، بود . ایشان با تفاق ۴ هنرمند نقاش غیر بهائی تابلوهای خود را بمعرض دید عمومی گذارند و بسیار مورد توجه قرار گرفت ، از دیگر برنامه های جالب و استثنایی برنامه جناب فریبرز صهبا آرشیتکت و معمار عالیقدر بنای مشرق الاذکار بود این برنامه سمعی و بصری تنظیم شده بود و گویای واقعی " وحدت در کثرت " .

یکی دیگر از برنامه های بسیار جالب ، نمایش یک ساعته از زندگی خانم مارثاروث بود که توسط خانم Ann Boyles سناریو آن تهیه و تنظیم و با کارگردانی خود ایشان بروی صحنه آمده بود



سوزان لاینز در نقش میلاد ثابت

نمایشگاه بین المللی عمران اقتصادی

«گزارش از مرکارخانه موسس یزدانی»



۱۹۸۷ هنوز بهائی نیز نبود (ایشان داماد یکی از مهاجرین کاتادائی چاد میباشد) غرفه ای بسیار زیبا بشکل مشرق اذکار جدید الافتتاح هندوستان که حقیقتا از نظر هنر معماری الهام بخش ایشان بود ساخته شد . تمام فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی جامعه بهائی چاد بطريق پوسترهای بسیار زیبا ، ماكتی از یک دهکده نمونه که فعالیتهای عمرانی در آن پیاده شده و فیلم بسیار جالب چهار ساعته فعالیتهای جامعه چاد در زمینه های بهداشتی ، کشاورزی ، هنری و آموزشی بمعرض نمایش عموم گذارده شد . نا گفته نمایند که تمام بازدیدکنندگان بدون تعارف در موقع خروج از غرفه جامعه امر اظهار میداشتند که غرفه ما از همه زیبا تر است . شرکت در این نمایشگاه اگر چه از نظر مالی برای جامعه فقیر امر در چاد بسیار گزاف تمام شد (حدود ۴۰۰۰ دلار) ولی برای شناسائی بجامعه خارج موقفيت بسیار مغتنمی بود که الحق نتایج عالیه در برداشت .

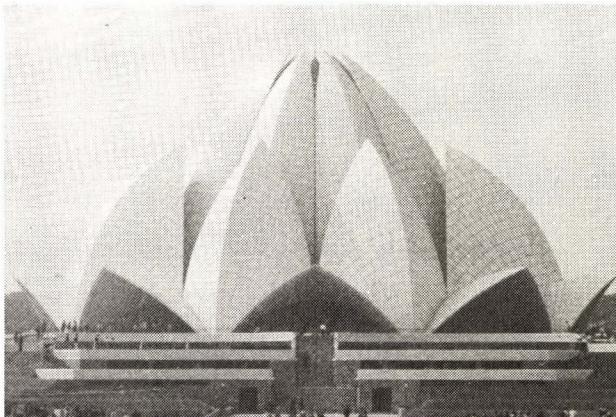
بمناسبت برگزاری جلسه سالیانه دولتهای افریقائی عضو اتحادیه عمران اقتصادی UDEAC که در چاد و بریاست رئیس جمهوری چاد تشکیل میگردید یک نمایشگاه بین المللی اقتصادی جهت نمایش گذاردن فعالیتهای عمرانی و اقتصادی کشورهای عضو این اتحادیه که شامل دولتهای آفریقای مرکزی Centrafrique کامرون

Cameroun گابون Gabon ، گینه اکوالوریال Gvine ، کنگو Congo و چاد Tchad Equalorial بود از تاریخ ۱۰ دسامبر تا ۲۰ دسامبر ۱۹۸۷ در شهر انجمنا Djamena ، پایتخت کشور چاد برگزار گردید . در این نمایشگاه جامعه بهائی چاد نیز غرفه ای تقاضا و خریداری نموده بود تا بتواند فعالیتهای جامعه بهائی را در جهت پیشرو وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه بنمایش بگذارد . بهمت و هنرمندی آرشیتکت تازه تصدیق و جوان آقای Stephan Archer که حتی در موقع طرح و شروع غرفه یعنی سپتامبر

«از جناب افلاطون تائید»

نیلوفر آبی

من است و میان سال افتتاح مشرق ازادگار هستم



آبهای حوض های نهگانه روئیده شده است ، ظاهر میشود و در روزنامه ها منعکس میگردد و در سایه آن گلبرگ های نیلوفر آبی ، وحدت ابناء بشر ، در انتظار عالم جلوه مینماید . این نیلوفر آبی " بدست باغبان ماهر جناب مهندس فریبهرز صهبا غرس شده و پس از کوشش فراوان ده ها بل صدها نفر رشد و نمو نموده و حال گل آن شفته شده و همه را میخواند در زیر گلبرگ های یک رنگش (۲) جمع شده به ستایش و نیایش ایزد یکتا پردازند .

آن روزها ، آن مولای دانا ، بیاد امروز بندگانش بود ، فرمان خرید قطعه زمینی جهت مشرق الاذکار هندوستان را صادر فرمود (۳) اما در آن روزگاران عده یاران هندوستان قلیل و بنیه مالی ضعیف ، مشکلات بسیار ، ولكن بنده هوشمند جانفشان درگاه حضرت کردگار ، جناب اردشیر رستم پور ، بیدار و هوشیار ، با فراست ، پی باین فرصت گرانبها میبرد : . فرمان ، فرمان ایزدی است ، امروز روز خرید زمین جهت مشرق الاذکار است

گویند در هندوستان از میان آبها نیلوفری روئیده " نیلوفر آبی " ، نیلوفری خندان ، نیلوفری جواهرنشان (۱)

روز چهارشنبه ۲۴ دسامبر ۱۹۸۶ است ، هوا بهاران ، خورشید نورافشان ، یاران با رنگ پوست الوان ، از هر مرز و بوم و بُلدان ، در زیر گلبرگ های نیلوفری خندان ، بر فراز تپه ای در گلستان ، در شبیه قاره هندوستان ، با جمعی از مهمانان ، از اولیاء امور و سفراء ممالک مختلفه جهان ، از کتب مقدسه اديان ، بذکر حضرت منان میپردازند .

خدایا شکر ترا که بما یک آئین ، یک ملت ، یک نژاد ، یک رنگ ، یک زبان ، یک سیاست ، یک اقتصاد و یک وطن عنایت فرمودی . (۲) خدایا سپاس ترا ، که مارا متّحد و متفق از نو آفریدی . (۲)

یاران چه قدر خوشوقت هستند که حضرات ایا دی امرالله علیهم بھاءالله ، امةالبهاء روحیه خانم نماینده جلیل القدر بیت العدل اعظم الہی : چناب ویلیام سیرز و جناب کالیس فدرستون در این مجمع تاریغی حضور دارند .

ترنمات " ای اهل عالم همه بار یک دارید و برگ یک شاخصار " در زیر گنبد مشرق الاذکار رنان میشود .

دیری نمیگذرد که بر روی صفحه تلویزیون های بعضی ممالک ، نیلوفر قشنگ سفیدی که از میان

رسماً همه ، از هر نژاد و آئین و اقلیم میتوانند معبد عزیزان را که چون نور مجسم ، قلوب را پرتو محبت و الفت روشن مینماید ، زیارت کنند و در آن مکان مقدس عبادت نمایند .

هر روز مردان و زنان ، پیران و جوانان ، با ذوق و شوف فراوان ، دسته دسته ، با نهایت توجه و سکوت و احترام و حمد و ثنا بدرگاه ملیک بقاء ، برای دیدن این تازه گل خندان ، از راههای دور و نزدیک میآیند و از لطافتیش شادمان میشوند . هر روز دانش آموزان مدارس با مریانشان ، با شعف فراوان میآیند برای تماشای گلی که زینت گلستان هندوستان ، بل بوستان آسیا گردیده است . این گل زیبا چون مشوقی باعث شاق خود سخن میگوید ، لذا باید زبان این گل تازه روئیده را به مردم مشتاق جهان آموخت !

یکی از طرق آموزش زبان این گل نورسته ، توزیع جزوای است بین جم غیری که هر روز برای دیدار "جواهر" پر انوارش که با آن مردم نیک اختر بشارت داده شده بدل و جان میآیند و پس از مطالعه آن جزوای پی به "حقایق و معانی" آن نوگل گلشن هندوستان میبرند و با سروش "اسم اعظم" در آن "نیلوفر آبی" آشنا و هم آهنگ میشوند و از "رمز مصون" آگاهی می یابند .

دیگر آنکه فیلم و اسلایدهایی از این مشرق الاذکار تهیه شده و خواهد شد تا انشاء الله و تعالی در جمیع شهرها و دهات هندوستان برای جمهور خلائق خدا دوست هندی بمعرض نمایش گذاشته شود .

همچنین بتاییدات الهی وسائلی فراهم گردد تا متدرجأ همه بهائیان هندوستان بتوانند از نزدیک مشرق الاذکار هندوستان را زیارت کنند و در آن بتقدیر و عبادت پردازند . (۵) بنابراین

و فردا روز بنای آن بنیان بسیار عظیم ، درنگ و تأمل جائز نه ، این لحظه ، لحظه تاریخی است ، باید زمین خریداری شود ، مجدداً ساعت درو کردن محصول زندگی من فرارسیده ، آنچه پس انداز نموده ام با اعتماد کامل به بخشش لاینقطع یزدانی و وجودان خوشحال باید تقدیم محفل مقدس روحانی ملی بهائیان هندوستان نمایم ، من امین وقت حضرت بهاء اللہ هستم " (۴)

لذا آن چشمی فیاض بجوش آمد ، اما آرام ، چون او قیانوس آرام ، در نهایت محییت و بطيب خاطر و علاقه وافر ، و با شکرانه بدرگاه خداوند یگانه ، آنچه اندوخته بود بصاحبش تقدیم کرد (۴)

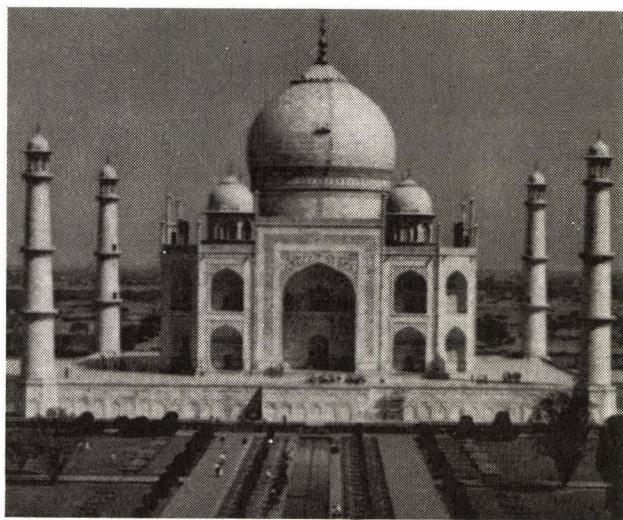
مأموریت های بزرگی در انتظار ما است :

در قدیم الایام ، آن روزی که اردشیر صغیر ، برای رهانیدن مادر نازنین و خودش از مشقات طاقت فرسای زندگی ، کوچ بیوک یزد را ترک و برای بھبود بخشیدن به زندگیشان ، با فقر و تنگdestی ، اما با کار و کوشش فراوان ، عازم هندوستان بود ، آن روزی که مادر مهربانش با چشمان اشگبار ، جگر گوشه ۱۰ ساله اش را بدرقه مینمود ، چه کسی میتوانست تصوّر کند که چه مأموریتی عظیم ، برای آن کودک یتیم ، در شبے قاره هندوستان مقدّر شده است ؟ ! (۴) مأموریتی که ، تاجداران جهان در مستقبل زمان ، بر آن رشك برند .

دوستان ! مژده باد که در صندوق های مشرق الاذکار هندوستان در هر گوشه ای از جهان همچنان باز خواهد ماند ، این فرصت مبارکی است :

ابواب مشرق الاذکار هندوستان بروی همه مردم جهان مفتوح میگردد ! از اول ژانویه ۱۹۸۷

مشعل حب و وداد را بسمت تو فرستادند با آرزوی آنکه جمهور خلائق خدا دوست هندی قادر به شناسائی مظہر امرالله بوده و امر مبارکش را استقبال کنند ، و بدستور منیع آن مولای مهربان عده زیادی از حضرات ایادی امرالله بجانب تو برای تقویت و پیشرفت امرالله حرکت فرمودند . آری ، ایادی عزیز امرالله خانم دروتی بیکر بودند که در سال ۱۹۵۳ ، اول جهاد کبیر اکبر ، مکاففه خود را بیان داشتند که در عالم مکاففه دیدند که سیل مردم از هزاران دهکده هندوستان است که بسوی درب امر روان است . ایادی عزیز امرالله چنان دکتر رحمت الله مهاجر بودند که این مکاففه را در فوریه ۱۹۶۱ بوسیله نشان دادن طریقه تبلیغ دسته جمعی به احبابی هندی صورت تحقیق بخشیدند . و در سنه ۱۹۶۴ بود که حرم مبارک ، ایادی عزیز امرالله حضرت امة البهاء روحیه خانم مدت ۹ ماه بهمی عظیم به تشویق و تبلیغ در آن سرزمین پرداختند تا آنکه شعله نار محبت الله در بین عباد افروخته تر گردید . از خدا میخواهیم که جمیع قلوب سکته تو بنور ایزدی روشن و درخسان شود و سبب اتحاد و اتفاق همه هندی ها گردد .



، اینگونه برنامه ها از یکسو ، و نگهداری ساختمان و طراحی باغات و گلکاری از سوی دیگر ، مستلزم هزینه های سنگینی است که خوشبختانه سبب شده در صندوقهای مشرق الاذکار باز بماند ، چه قدر خوشبخت هستیم که بتقدیم اعانت همچنان ادامه دهیم .

گلی در گلزار هندوستان روئیده که با غبان جهان را به حیرت آورده :

معماران از گوشه و کنار جهان به هندوستان میآیند تا ملاحظه کنند روحانیت و عظمت ، شکوه و جلال و جمال گل زیبائی را که چون تاج مرصعی بر سر هندوستان نهاده شده است و سپس در مجلات علمی و فنی خود منعکس نمایند و در مجتمع هنر و دانش مورد بحث و تحقیق قرار دهند و گرامی دارند و از این مکتب اسلوب جدید معماری و هنر پدیده بپرس و نصیب برند .

شکر میکنیم خداوند مهربان را که از قلب مجرّده صافیه یکی از یارانش چشمeh صنعتی بدیع جاری ساخت . (۶) ای هندوستان ، ای کشور دوستان ، تو چقدر در نزد خدا عزیز هستی ، تو چه سرنوشت عظیمی (۷) در امر مبارک داری ، یکی از فرزندان نازنینت تنها حروف حی بود که غیر ایرانی بود . حضرت بهاء الله بنفسه چند نفر از احبابی برازنده را انتخاب و بسوی تو روانه فرمودند تا این امر فخیم و نباء عظیم را به هندی های ساکن تو رسانند . و حضرت عبدالبهاء ایادی امرالله را که حضرت بهاء الله تعیین فرموده بودند بکرات برای تبلیغ ، بشطر تو گسیل داشتند . و چقدر آرزو داشتند ترا و مقیمان عزیزت را ببینند ، و ندای جانفزای یا بهاء الابهی را در خطه پهناور تو و در کوه و دشت تو ، بعنان آسمان رسانند . حضرت ولی محبوب امرالله مبلغین بزرگی ، چون میس مارثاروت ، آن

کره ارض چه متبرک گشته که عرش خدا شدی و محل استقرار تخت الهی گشته . (۱۴)

- ۱ - جواهری در لوتوس . نشریه پیام بهائی شماره ۲۱
- ۲ - مستفاد از آثار مبارکه
- ۳ - آغاز جهاد کبیر اکبر
- ۴ - از کتاب عالم بهائی جلد ۱۸ صفحه ۷۹۲ و البوم مخصوص مشرق الاذکار هندوستان و همچنین از کنفرانس تاریخی افتتاح مشرق الاذکار مستفاد شده است .
- ۵ - پیشنهاد این حقیر
- ۶ - مستفاد از مجموعه مناجات های حضرت ولی امرالله صفحه ۲۲
- ۷ - کتاب بقلم سرکار ویولت خانم نججوانی مستفاد از شرحی که جناب هوشمند فتح اعظم مرقوم فرموده اند .
- ۸ - مستفاد از پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به کنفرانس و همچنین پیام شهر الاسماء ۱۳۸ بدیع صفحه ۱۰۵ منتخباتی از پیامهای عمومی .
- ۹ - مستفاد از انجلیل متی باب بیست و سوم آیه ۳۷
- ۱۰ - مستفاد از " قافله سالار بندگی " صفحه ۸۹
- ۱۱ - مستفاد از خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء در اروپا و امریکا صفحه ۱
- ۱۲ - مستفاد از " جلوه مدنیت جهانی " صفحه ۱۰۰
- ۱۳ - مستفاد از " وعده صلح جهانی " صفحه ۶
- ۱۴ - " جلوه مدنیت جهانی " صفحه ۱۱۰



ای هندوستان ، باز خوشابحال تو ، که مقر " تاج محل " هستی و حضرت عبدالبهاء این بنای بسیار زیبا را چقدر توصیف میفرمایند و معماران را تشویق و دلالت میکنند که از این بنای آسمانی برای طراحی مشرق الاذکار ها الهام بگیرند .

و تو ای قاره پهناور آسیا ، (۸) ای گاهواره آئین ها ، شادی کن ، که در این سال بین المللی صلح ، بنای این بنیان عظیم مملوکتی در قلب پر مهربانی رسید و ابواب مشرق الاذکار هندوستان یعنی درب های صلح جهان بر روی تمام ادیان باز شد و جمیع ملل و نحل عالم را صلا میزند و چون مرغی که جوجه های رنگارنگ خود را در زیر بال میگیرد (۹) ، جمع میکند ، متعدد و متفق مینماید ، زیرا فی الحقیقه در مشرق الاذکار (۱۰) تلاوت آیات الهیه از جمیع کتب سماویه است معلوم است که چنین تربیتی و چنین اعتلی روحی ، چه انسان های بشر دوست و عالمدوستی بوجود میآورد که محیر العقول است . و با چشم ظاهر و باطن در این کنفرانس تاریخی دیدیم که چگونه مشتاقان تو (امریکا و افريقا ، اروپا و اوقيانوسие) دست پر عطوفت ترا بگرمی فشردند (۱۱) . حال فرزندان بالغ تو با فرزندان رشید سایر قارات عالم با قلی طافع از سرور و اطمینان دست در آغوش يكديگر شدند تا بعنایات الهی و تائیدات غیب نامتناهی نوجوانان پرشور و شر را بمرحله بلوغ رسانند (۱۲) ، و سرنوشت جهان را بکلی دگرگون کرده بر مسیر واقعی خود سیر دهند . آنوقت خواهی دید فرزندان را چطور با هم با مهر و محبت ، با روح تعاون و تعاضد ، در قاره زیبای پر برکت تو ، زیست خواهند نمود و بتو آرامش و اطمینان خواهند داد ، و تو در کنار پر مهر و الفت سایر قارات خمسه جهان و اوقيانوس ها بپای کوبی و دست افشاری میپردازی ، چه که : " امروز روزیست که عالم غیب فریاد میزند ای

خبر و پیشگفتار امریکا

در حال حاضر ۳۵ طفول در این خانه هستند و دائمًا اطفال آماده رفتن به محیط خارج شده بجایشان کودکان جدید می‌پذیرند. نه طفول تعلیمات ابتدائی می‌گیرند سایرین کودکستانی هستند. از ماه ژانویه تا مارس چند تن بهائیان اهل فن و متخصص برای راهنمائی و کمک‌های لازم باین خانه آمدند از جمله مدیر دانشگاه نور در بليويا و يك روشنناس اطفال از امريکاي شمالی که با هر يك از کودکان مصاحبه کرد و يك متخصص تعلیم و تربیت که از برازیلیا آمد و به معلمین در این خانه تعلیم داد.

تبليغ دسته جمعی و فتح مراكز جديده بهمت جوانان در امريکاي جنوبی در كنفرانس جوانان بهائي که از ۸ - ۱۰ جولي در سالواذر - باهيا SALVADOR، منعقد شد صد و پنجاه تن جوانان BAHIA شركت داشتند. حمايت و هدايت دو عضو هيئت مشاورين قاره اي و سه عضو محفل روحاني ملي و دو عضو هيئت معاونت که در كنفرانس بودند سبب شد که سی عدد از جوانان آماده تبلیغ دسته جمعی در ايالت پارايني PARAI^B شده بفتح تمام جوامع محلی موفق گردند نوزده محفل روحاني محلی جديده در رضوان ۱۹۸۹ تشکيل خواهند داد.

توزيع کتب بهائي در کتابفروشی های شهر و مدارس بمنظور توزيع بيشتر آثار امری که يکی از اهداف نقشه شش ساله است بهائیان جزائر کاناری تعداد زیادي کتب در کتابفروشی ها ،

اقتباس و ترجمه از اخبار بين المللی بهائي
شماره ۱۸۰ - ۳۱ جولای ۱۹۸۸

شاهزاده خانم بهائي در مركز جهاني امر

يک عضو خانواده سلطنتی در سواريلاند شاهزاده خانم سينا في ليندي خومالو PRINCESS DDINOPHI LINDI KHUMALU نوامبر ۱۹۸۷ در بيت المقدس اسرائيل مشغول تحصيل بوده است در ايام متبركه بزيارت اعتاب مقدسه ميايد . او خود طبيبي است که برای شركت در دوره تعليماتي بهداشت در دانشگاه عربی و بيمارستان حدثه و اخذ گواهي نامه ليسانس در بهداشت عمومي از ۱۶ جولای همراه هفده تن همساگردي های خود به اسرائيل آمده . از طرف دبیر كل جامعه بين المللی بهائي از ايشان دعوت شد که بزيارت اعتاب مقدسه در حيفا بروند . پائزده دكتر دو پرستار و يك مدیر از ممالک مختلفه در افريقيا و آسيا و كارائيب اقيانوسие جزو جمع بودند و حضرت امته البهاء روحيه خانم با محبت و مهرباني در بيت حضرت عبدالبهاء از ايشان پذيرائي نمود . همگي با تشکر و امتنان از مهمان نوازي ميزبانها و مناظر زيبائي که در تمام روز مشاهده کردن تقدير نمودند .

تأسيس خانه کودکان در ايالت آمازون بريزيل

در ايالت آمازون امريکاي جنوبی از طرف مأمور توسعه و پيشرفت اجتماعي بهائي عده اي کودکان را که مادر و پدرشان آنها را ترك کرده اند درخانه اي جمع کرده پورش ميدهند

در سیلان خدمت با فراد محتاج و فقیر جوامع محلی را تقویت ملی بخشید در چند ناحیه سری لانکا (سیلان) از ۲۸ ماه می تا ۵ ژوئن طی یک دوره ۹ روزه دائز کردن اردوی دندان پزشکی نه تنها خدمتی ذیقیمت به فقرا و محتاجین بود بلکه جوامع محلی بهائی را تشویق و تقویت نمود . این خدمت اقدام مشترک در توسعه و پیشرفت اجتماعی از طرف بهائیان سری لانکا و یک هیئت طبی دندان پزشکی از قطر بود شامل یک جراح دندانپزشک یک پرستار و یک داوطلب . اولیای امور محلی نیز مساعدت و راهنمائی نمودند و وسائل راحت و آسایش هیئت را فراهم نموده در مانگاه های خود را در اختیار هیئت گذاشتند جوامع بهائی محلی نیز کمک کردند در نتیجه بیش از هزار نفر اطفال و جوانان و بزرگسالان معاينه و معالجه شدند . همچنین از طرف لجنه ملی نسوان و لجنه تربیت اطفال داوطلبان در منازل ساکنین محلی نفوس را به اهمیت بهداشت و مسائل مربوط بآن آگاه کردند و برای اطفال نیز کلاس های تربیت دادند .

مراسم اعطاء جوائز حقوق بشر یا دبود سفر حضرت عبدالبهاء به لندن بیاد سفر حضرت عبدالبهاء به لندن در ۱۹۱۱ روز ۳۰ ژوئن برای اولین بار اعطاء جوائز حقوق بشر در بریتانیا صورت گرفت . مراسم باشکوه که از طرف محفل روحانی ملی ترتیب یافته بود شامل موسیقی و نطق های دریافت کنندگان جوائز بود که همه از نفوس معروف بودند . از جمله دکتر ادوارد کارپنتر برای مساعی در اتحاد دیانتی و اسقف ترور هدلستون برای مساعی مربوط به وحدت نژاد و آقای باب گلدف برای کمک به قحطی زدگان اتیوبی . هر یک از دریافت کنندگان جوائز نطقی ایراد و از لطف و

کتابخانه ها و مدارس و دانشگاه ها و غیره گذاشته اند . در ایالت تیریف ۲۴۰ کتاب در هشت کتابفروشی و در ایالت لاس پالماس در پنج مغازه جمعاً صد کتاب که قسمت عمده آن بفروش رفته است . در چند نمایشگاه کتاب بیش از ۵۰۰ نسخه کتب بهائی بفروش رفته است که از همه بیشتر کتاب بهاء الله و عصر جدید است و کتابهای تألیف ایادی امرالله ولیام سیرز بوده است .

در نیجریه یک ناطق غیر بهائی از آثار بهائی نقل میکند در مراسم بزرگداشت " روز بین المللی نسوان " که در نیجریه برگزار شد سرکار خانم مینا جعفری " مدیر هیئت توسعه پیشرفت نسوان بهائی " مقاله ای تحت عنوان " تعلیم و تربیت نسوان - بنای یک ملت " تقدیم وزارت بهداشت نمود که بشكل کتابچه ای طبع و نشر خواهد شد . و در همان موقع یک شخص غیر بهائی مقاله ای تقدیم کرد که عنوان آن " اتحاد نسوان در توسعه اقتصادی " بود . این مقاله یازده صفحه ای با این عبارت شروع میشد : " میخواهم مقاله را با نقل سه عبارت از آثار بهائی تقدیم کنم " .

انجمن جوانان بهائی در کشور اسپانی جوانان بهائی اسپانی اولین " انجمن جوانان " را در مادرید از ۷ تا ۱۰ جولای دائز نمودند و مهمان ها از کانادا و جزائر کاناری و هلند ، ایطالیا ، ایرلند شمالی و پرتوریگو ، اسپانی و ایالات متحده امریکا شرکت داشتند . موضوع مورد بحث " ورود گروه ها در ظل امر " قرار گرفت و چهار جنبه آن مورد توجه واقع شد : ۱ - یکسال خدمت - داوطلبان دو زوج و زوجه با یک و یک جوان منفرد . ۲ - سفر تبلیغی - نوزده جوان در سه دسته بعد از کنفرانس حرکت کردند

در ایالات متحده امریکا یکی از بهائیان مقیم باسم آقای جان وینگ فلوریدا در تقدیر از خدمات او به مهندسی شیمی و نیل او بمقامات عالیه در آن فن بعنوان عضوی معتبر در مؤسسه امریکائی مهندسین شیمی شناخته شده است.

در جزائر ویرجین جامعه بهائی شهر سنت تامس بیاد شهدای اخیر بهائی در ایران احتفالی ترتیب دادند اعلان بزرگی با ذکر اسمی ۱۹۵ تن شهدا در جریده یومیه روز ۲۵ زوئن درج و مردم را به شرکت در مراسم دعوت کردند.

در کانادا شهر چارلز بورگ ضمن مذکرات در مجلسی که از طرف محفل روحانی محلی ترتیب یافته بود راجع به شرایط لازم در خانواده مانند رابطه بین دختران و پسران و منع الكل و مخدرات و رابطه جنسی صحبت نمودند اولیاً تحت تأثیر صداقت و صراحة و قابلیت انعطاف جوانان واقع شده و جوانان از وسعت نظر ابوین خود و از محیط اعتماد در مذکرات قدردانی نمودند

خبر و بشارات کوتاه و مختصر از ونزوئلا محفل روحانی ملی ۳۰ اگوست باطلاع میرساند که در اثر پیام رضوان بیت العدل اعظم نقشه تبلیغی بمدت ۲۰ روز در ناحیه پایتخت ایالت فالکون اجرا و در دو روز اول تعداد صد و بیست نفر مؤمنین جدید در ظل امر وارد شدند.

در تایوان طبق تلکس واصله از محفل روحانی ملی ۳۰ اگوست هیئت مأمور تبلیغ در شونگلی قصبه ای نزدیک تایپی موقوف شده است ۲۵۰ نفر مؤمنین جدید را در سه هفته تسجیل نماید. از رضوان تا بحال تعداد مؤمنین جدید به ۵۷۰ بالغ شده است.

در استرالیا وزیر تعلیم و تربیت در یکی از نواحی اجازه داده است محفل روحانی ملی

محبت بهائیان تشکر نمود. از جمله یکی از آنان گفت: " من قبلًا خوشحالم که جامعه بهائی در هر محل فکر میکند که تعلیم و تربیت نسوان در تأمین صلح جهانی اهمیت وافی دارد لذا برای من افتخار بزرگی است که این جائزه را دریافت میکنم ". دیگری گفت: " بهائیان ... راه صلح را نشان داده اند با وجود صدمات و جانشانی های بهائیان ایران عکس العمل جامعه بهائی مثبت است و برای ایجاد دنیا بیتر کار میکنند لذا باید همه آنها را محترم بشماریم ..." و اسقف فوق الذکر گفت: " آئین بهائی برای دنیا م عمیقاً قابل توجه و پر معنی است زیرا مردم را ولو موافق یا مخالف باشند بسوی دنیا واحد هدایت مینماید".

خبر و بشارات کوتاه و مختصر در کشور سورینام بیانیه صلح بیت العدل اعظم به منشی سفیر چین مقیم سورینام تقدیم گردید.

در جمهوری ایرلند لجنه ملی نسوان بهائی اخیراً با " شورای مقام نسوان " که مؤسسه ای دولتی است ارتباط یافته است و دو بهائی در هر جلسه آن حضور خواهد یافت.

در بوسوانا بهائیان طوماری در تقدیر از حکومت که از حقوق بشر حمایت نموده به حاکم وقت تقدیم میکنند. در مراسم مربوطه نفوس مهمه مانند سفرای چین و نیجریه و اعضاء هیئت‌های سیاسی از آلمان و ایالات متحده و سازمان ملل متعدد حضور داشتند و عمل نماینده بهائی مورد توجه آنان واقع شد.

در انگلیس بهائیان از تسهیلات سرویس کتابخانه استفاده کرده نمایشگاه کتب بهائی در هفت شهر ترتیب دادند که هر کدام یک ماه ادامه یافته مقداری جزوات بهائی توزیع گردید ۶۳۰ جلد کتاب در کتابخانه ها گذاشته شده و در مدارس ویدیویی بهائی نشان داده خواهد شد

در مدرسه تابستانه که ۲۳ - ۲۶ جولای در بلده
صباح منعقد بود شرکت نمودند روز
آخر مدرسه ۱۹ نفر داوطلب شدند که در چند
نقطه پاسفار تبلیغی بروند .

اقتباس و ترجمه از اخبار بین المللی بهائی
شماره ۱۸۲ - ۲۱ اگوست ۱۹۸۸

در کشور بليوي نقشه تبلیغی سمندری با
موفقیت عظیم اجرا میگردد .

در کشور بليوي امریکای جنوبی بهائیان یک
نقشه تبلیغی بیاد شهید مجید دکتر فرامرز
سمندری اجرا کرده اند که از سپتامبر ۱۹۸۷
شروع گشته و تا بحال ۶۵۰ تن مومنین جدید
در ظل امر وارد شده اند و ۳۰۰ تن بهائیان
در پانزده دوره تزیید معلومات شرکت کرده اند .

اقبال دسته جمعی نقوس در هندوستان در
نتیجه طرح های اعلان و تبلیغ امرالله که در
ایالت جنوبی هندوستان چنانکه باید اجرا گردید
در ماه های جولای و اکتوبر صدها نقوس در ظل
امر وارد شدند . در یکی از این طرح ها که
با اسم متصاعد الى الله ایادی امر دکتر مهاجر
اجرا گردید به تحکیم و تقویت محفل روحانی
محلى در مرکز ناحیه مفتوحه پرداختند و محفل
روحانی محلی خود نقش مؤثری در اعلان امر و
تبلیغ نقوس اجرا کرده بیش از سیصد تن از افراد
دانشکده ها و ادارات در ظل امر وارد نمودند

پی ریزی بنای حظیره القدس در مواسala
بهمت محصلین مدرسه تابستانه
در مواسala پایتخت کشور چاد افریقای مرکزی
بهائیان یک دارالتعليم فلاحی دارند که اسم آن
را ظاهره گذاشته اند کارآموزان در این
دارالتعليم همراه محصلین در مدرسه تابستانه
جمعاً ۵۸ نفر یک روز را وقف اتمام بنای
حظیره القدس مواسala نمودند .

تعلیمات دینی مخصوص بدنهند .

در فیلیپین اولین کودکستان بهائی در حظیره
قدس سان ژوزه افتتاح گردیده که
یکی از اهداف بسط و توسعه اجتماعی است و
۳۸ طفل در سنین ۳ تا ۶ ثبت نام کرده اند .
مدارس تابستانه بهائی بهترین وسیله اعلان و
ترویج امرالله

در کشور تایلند از ۲۸ - ۳۱ جولای مدرسه
تابستانه در یک نقطه بیلاقی دائر و ۷۷ نفر
بهائیان در آن شرکت داشتند . بعد از
مدرسه چهار مبلغ سیار از مالزیا به سیر و
سفر پرداخته ۱۱ نفر مومنین جدید در ظل امر
وارد نمودند .

در فنلاند ۱۶۰ نفر در مدرسه تابستانه
شرکت نمودند سرکار خانم ماریون هافمن
مهمان مخصوص بود و در
موضوع مخصوص مدرسه : " عهد و ميثاق یشه
های زندگی است " صحبت کرد .

در سیکیم بطور متوسط ۱۲۵ نفر از ۶ - ۱۸
جولای در مدرسه تابستانه شرکت کردند شامل
بهائیان از پانزده قریه داخلی و چند نفر مهман
های بین المللی .

در ایرلند شمالی ۲۵۰ نفر در ماه اگوست
در مدرسه تابستانه در شهر لیسبورن
شرکت نمودند . و بهائیان از نقاط دور دست
مازندران کویت و ایالات متحده امریکا نیز جزو
مهمانان بودند . عده کثیر جوانان و اطفال
نیروی محركه ای به مدرسه عطا کرد .

در ایطالیا قریب ۲۰۰ تن نقوس از ممالک
 مختلف در مدرسه تابستانه که ماه اکتوست
در بلده سیلا منعقد بود شرکت
نمودند . عده کثیر جوانان و اطفال بر
مسرت و انبساط جمع افزوده تصمیم
باجرای اهداف یک نهضت تبلیغی گرفتند .
در ضمن مدرسه سه نفر اقبال با مرکز نمودند
.

در مالزیای شرقی صدو یک نفر از ۱۶ مرکز

مربوط به صلح بخصوص اقدامات مربوط به توزیع بیانیه صلح بیت العدل اعظم و توجه به همکاری فامیلی مشورت نمودند ذوق و شوق افراد در مذاکرات طوری بود که جلسات بیشتر از انتظار ادامه یافت.

در کشور مالاوی جمع کثیری " وعده صلح جهانی " را طالب شده اند اخیراً در مالاوی بوسیله رادیو اعلانی راجع به " وعده صلح جهانی " پخش شد و در نتیجه متجاوز از هشتاد نفر افراد غیر بهائی کتابی یا بوسیله تلفن در خواست کرده اند نسخهای از آن برایشان فرستاده شود.

موفقیت عظیم تبلیغی در جامعه بهائی نرور جوانان بهائی در نرور مدت چهار هفته شدیداً باقدامات تبلیغی و اعلان امرالله پرداختند که با راهپیمایی صلح شروع نموده مدرسه تابستانه ای دائز کردند که ۲۳۰ نفر بهائیان و مبتدیان از کشورهای مختلف در آن شرکت نمودند. بعد از مدرسه دو هفته نقشه جوانان اجرا گردید که یک هفته آن شامل اردوی صلح و برنامه متنوع فرهنگی بود و در یکی از آنها ۶۰ نفر غیر بهائی با ۳۵ نفر بهائیان شرکت نمودند.

ازدواج بهائی در کشور ایرلند برسیت شناخته شد محفل روحانی ملی ایرلند در ۱۷ اگوست اعلامیه‌ای دریافت کرد که بموجب آن حظیره القدس ملی بعنوان محلی شناخته شده که در آن ازدواج رسمی صورت میگیرد. این شناسائی سبب شده است که در موارد ازدواج یک بهائی با یک کاتولیک اشکالی که سابق وجود داشت رفع گردید.



اقبال هزاران نفوس در ایالت اوخار و پرادرش هندوستان اخبار و اصله از ایالت اوخار پرادرش هندوستان حاکی است که اخیراً هزاران نفوس در ظل امر وارد شده شورای بهائی این ایالت از روستائیان تشکیل گشته که تمام سعی خود را در اجرای اهداف نقشه بیت العدل اعظم نموده و مینمایند و بعضی اوقات در درجه حرارت ۴۵ - ۴۷ سانتیگراد پیاده راهپیمائی کرده اند.

بهائیان زلاند جدید نقش مهمی در تأمین حقوق بشر اجرا مینمایند در کشور زلاند جدید وزیر امور خارجه مستر راسل مارشان

۲۶ ژوئن در شهر ولینگتن راجع به تأمین حقوق بشر منعقد و از نمایندگان ۳۵ سازمان دعوت نمود. طبق راپورت و اصله نماینده بهائی حقوق بشر را یک موضوع اساسی دانسته از انعقاد جلسه ای با شرکت افراد مختلف العقیده برای مشورت در باره آن تقدیر و تمجید نموده اظهار داشت تنها بوسیله مشورت اتحاد و اتفاق اساسی در جنبه های مختلف حقوق بشر معلوم میگردد.

در این جلسه چهار عضو پارلمان و دو نماینده از سازمان ملل متحد و وزارت امور خارجه شرکت داشتند. در نتیجه قرار شد کنفرانسی بمدت چهار روز برای بحث و تحقیق بیشتر راجع بموضوع منعقد گردد و بهائیان در آن بوسیله نماینده و نیز بوسیله نمایشی شرکت خواهند نمود.

کنفرانس بین المللی نسوان بهائی در پاراگوئه

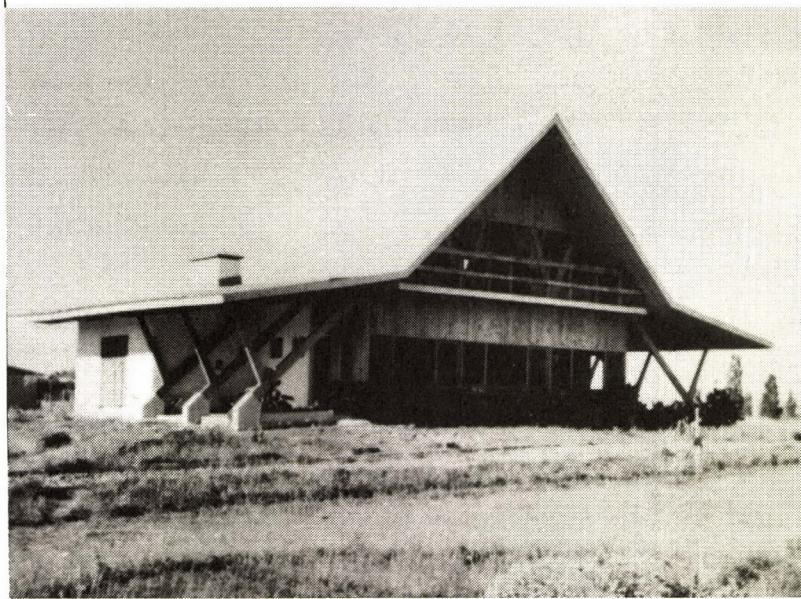
کنفرانس بین المللی نسوان بهائی توسط لجنه ای تحت اشراف محفل روحانی ملی در کشور پاراگوئه تشکیل و صدو سی ۱۳۰ تن بهائیان از ۹ ملت در آن شرکت نموده راجع به مسائل

احبّار مُصوّر



نمایندگان ۵ محفل ملی (امریکا ، کانادا ، فرانسه ، آلمان و انگلستان ، و جوامع بین المللی دفاتر نیویورک و ژنو در دفتر امور خارجی بهائیان امریکا در تاریخ ۱۸ فوریه در واشنگتن بمنقرض مشourt در باره امور خارجی امرالله ملاقات کردند .
بحث ها در نیویورک و CONNECTICUT STAMFORD ادامه یافت .

ذکتہ قابل ذکر اینکہ نمایندگان با مقامات بلند پایه رسمی حکومت امریکا در یک ضیافت ناهار ملاقات کردند .



ساختمان مرکزی رادیو بهائی شیلی در لابرانزا LABRANZA فوریه ۱۹۸۸ این مرکز موج بلند با قدرت ۱۱۶۰ KHZ در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۶ افتتاح گردید .

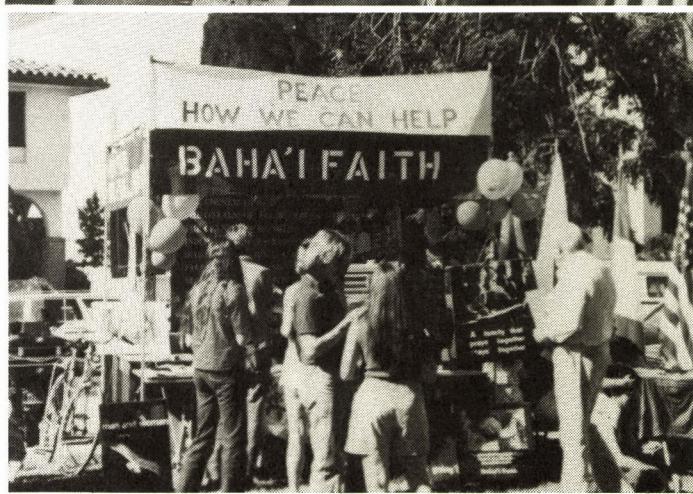


↑

DR. ETHEL MARTENS بالا : دکتر نماینده جامعه بین المللی بهائی در نمایشگاه بهداشت اولیه که از تاریخ دوم تا چهاردهم می در چهل و یکمین مجمع بهداشت بین المللی در زنو تشکیل شده بود دیده مشوند .

بهائیان برای تشکیل این نمایشگاه سمعی و بصری که شرکت آنان را در امر بهداشت اولیه در سطح بین المللی نشان میدهد دعوت شده بودند .

پائین : نماینگان جامعه بین المللی بهائی جناب **GIOVANNI BALLERIO** و دکتر **MARTENS** (فرات اول و دوم در قسمت چهاردهم وسط) هنگام شرکت در بحث تخصصی " توسعه مدیریت و بهداشت برای همه " .



ترتیب مراسم روز صلح در سانتا کروز کالیفرنیا توسط جامعه بهائی سبب طرح سوالات زیادی در باره امر شد . در سالهای گذشته بهائیان در کیمته برگزار کننده مراسم با ادیان مختلف شرکت کرده بودند ولی امسال دعوت شده بودند که به تنهائی و مستقل اجرای مراسم روز صلح

پائین : غرفه بهائی که معرف اعتقاد بهائی نسبت به صلح است در عکس دیده میشود . بیش از ۶۰ غرفه که نشان دهنده سازمانهای مختلف و دید آنها نسبت به صلح بود در مراسم وجود داشت .

↓



عددی از بهائیان نیوزیلند در محل تجمع WHARENUT بمناسبت جشن پیروزی تقویت ۶۶ محقق روحانی قسمتی از نقشه شش ساله سهمی آنان.



۸۶ کودک بین ۵ تا ۱۳ سال در مؤسسه کودکان که در ماه دسامبر در لارو ماتانگ LARUT MATANG تشکیل شده بود گرد آمدند. برای اولین بار برنامه به سه زبان تامیل، انگلیسی و مالازیائی BAHASA اجرا شد. در این جلسه کودکان با سوالات جالب خود ناطقین را متعجب ساختند.



نقاشی بالا اثر هنری یک نقاش زندانی ارض یا است.
طبق توضیح نقاش این نه درخت که قطع شده اند نماینده ۹ شهید یزد هستند (۲ نفر در
درختان جوان از ریشه درخت های بزرگ که قطع شده اند روئیده و از ذوب برفهائی که علامت
سختی و بلایاست و در روی زمین دیده میشوند آبیاری میگردند .
۱۹۸۰ و ۲ نفر ۱۹۸۴)



گردهم آئی معلّمین و شاگردان شرکت کننده در برنامه مدرسه تابستانه ملی در ماکاؤ MACAU برنامه برای شاگردانی که زبان اصلی شان چینی بود بزبان انگلیسی و برای شاگردانی که زبان اصلی آنها انگلیسی بود بزبان ماندارین MANDARIN اجرا شد . ۳۸ شاگرد در کلاس توجیهی زبان برای آمادگی شروع درس در سپتامبر در مدرسه شرکت کردند .

‘ANDALÍB

